



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوات
والتسلیمات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



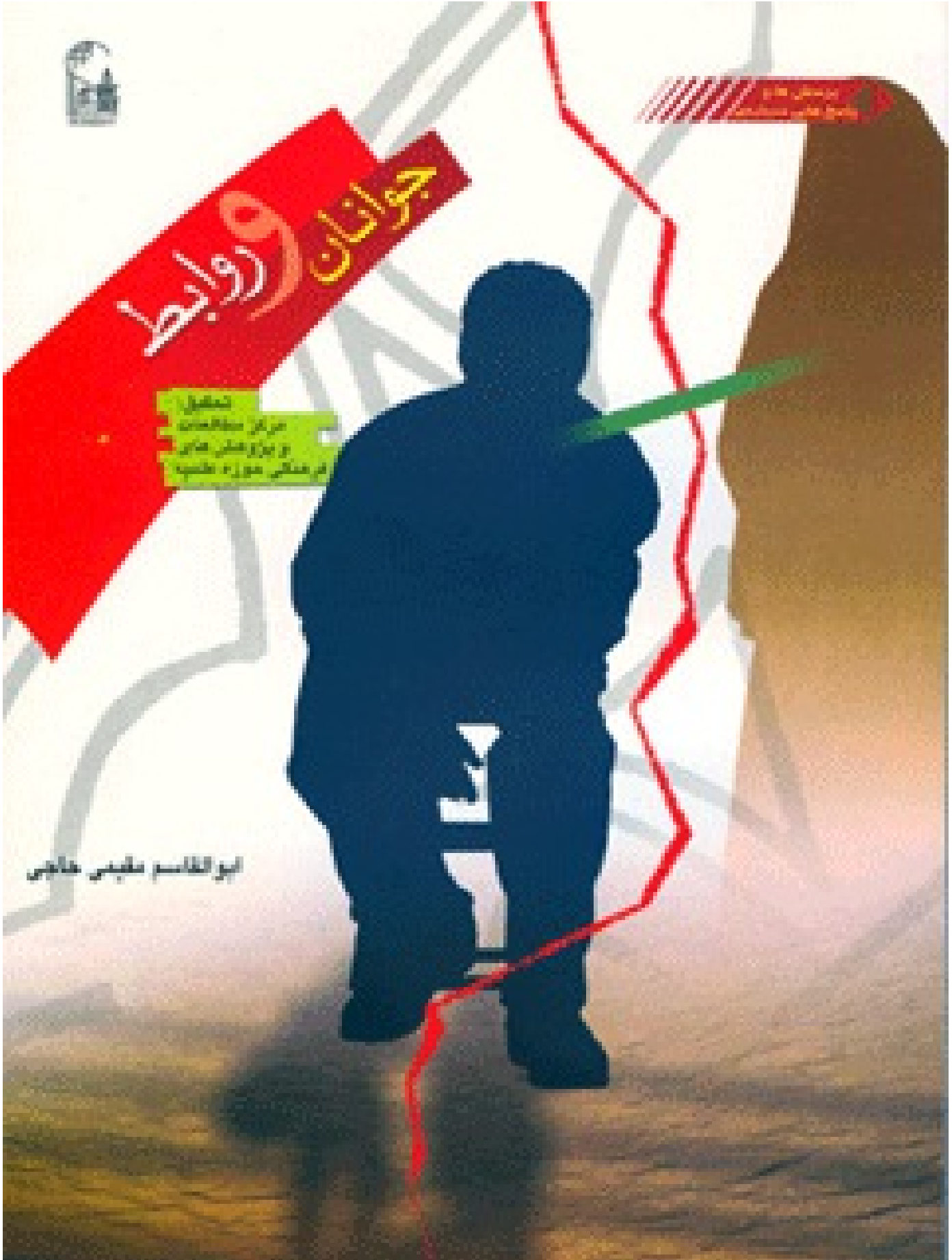
پندرہواں اجلاس
وزیراعظم کی قیادت میں



محقق
میرزا شمس الدین
و میرزا حسن علی
اور دیگر مورخین



ایبٹ آباد میں شائع ہوا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جوانان و روابط

نویسنده:

ابوالقاسم مقیمی حاجی

ناشر چاپی:

دفتر پژوهشهای فرهنگی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	جوانان و روابط
۶	مشخصات کتاب
۶	پیش‌گفتار
۷	پیش‌درآمد
۷	زیربنای روابط
۱۲	ارتباط، چرا و چگونه؟
۳۵	روابط، از منظر دین و اخلاق
۴۵	آثار ارتباط و پیامدهای آن
۵۴	احکام روابط
۵۸	کتاب‌نامه
۶۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

جوانان و روابط

مشخصات کتاب

سرشناسه: مقیمی حاجی ابوالقاسم عنوان و نام پدیدآور: جوانان و روابط / ابوالقاسم مقیمی حاجی مشخصات نشر: قم حوزه علمیه قم مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی ۱۳۸۰. مشخصات ظاهری: ص ۱۷۵ شابک: ۹۶۴-۹۳۰۰۱-۷-۱۰۷۰۰۰-۱ ریال؛ ۹۶۴-۹۳۰۰۱-۷-۱۰۷۰۰۰-۱ ریال وضعیت فهرست نویسی: فهرست‌نویسی قبلی یادداشت: Youth. یادداشت: کتابنامه ص ۱۷۵ - ۱۷۱؛ همچنین به صورت زیرنویس موضوع: جوانان -- جنبه‌های جامعه‌شناختی موضوع: جوانان -- جنبه‌های اخلاقی شناسه افزوده: حوزه علمیه قم مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی رده بندی کنگره: HQ۷۹۹/۵/م۷ ج۹ رده بندی دیویی: ۳۰۵/۲۳ شماره کتابشناسی ملی: م ۸۲-۷۰۱۰

پیش‌گفتار

در جامعه ی کنونی با پیشرفت علم و صنعت و فن آوری، روش زندگی به گونه ای دیگر تغییر یافته است. اجتماع کوچک روستا به شهر تبدیل شده، شهرها وسیع تر و جهان به سوی دهکده ی بزرگ در حرکت است. و انسان از زندگی فردی و وابسته به افراد محدود خارج گردیده و در ارتباطی فراگیر با یک جامعه روبه رو است. قلم سرنوشت در زندگی فردی و تحصیلات و شغل انسان امروزی، که جزئی کوچک در این خانواده ی بزرگ می باشد، ارتباط با صدها نفر را رقم زده است. هر انسانی که در تکاپوی دست یابی به سعادت و خوش بختی است، باید هزینه ی بسیاری در چگونگی روابط خود در زندگی فردی و اجتماعی صرف نماید. امروزه ارتباط زن و شوهر، پدر و مادر با فرزندان و سایر اعضای خانواده با یک دیگر و ارتباط آن ها با افراد پیرامون خود، دست خوش تغییرات زیادی شده و آنچه بیش تر از همه به خصوص در جامعه ی اسلامی، قابل توجه است، ارتباط زن و مرد نامحرم و به ویژه دختر و پسر در زندگی روزمژه ی کنونی است. در این وضعیت دختر و پسر، بی توجه و غافل از یک دیگر رشد نمی کنند، بلکه هر یک از ابتدای زندگی و تحصیلات از درون خانه و روابط فAMILIARY گرفته تا دانشگاه و محل کار با این پدیده ی جدید و ارتباط ناخواسته روبروست. و بدیهی است طبیعت جوانی و جاذبه های ظاهری بر التهاب و حساسیت آن می افزاید. نکته ی اساسی در ارائه ی راه کارهای مناسب و عملی برای سوق دادن جامعه به سوی تکامل و بالندگی است. بحث روابط دختر و پسر در مجلات و روزنامه ها به بهانه های مختلفی مطرح شده که در بیش تر موارد، تنها به طرح این مسئله به عنوان یکی از دغدغه های ذهنی جوانان اکتفا شده است. از آن جا که این بحث از حساسیت ویژه ای برخوردار است و نگاهی دقیق و علمی را می طلبد، زمانی می توان به راه کاری صحیح و شیوه ای عقلانی دست یافت که به همه ی یافته های علمی از قبیل معارف دینی و نظرات کارشناسان علوم تربیتی و علوم اجتماعی توجه نمود و با منطقی درست و گویا با نسل جوان به گفتوگو نشست. این نسل با همه ی ویژگی و استعدادهایش نقش ارزنده ای در شکل گیری جامعه ی انسانی دارد و رشد و بالندگی اجتماع در گرو چگونگی رشد و تعالی او است. آنان خواستار آشنایی بیش تر با فرهنگ اصیل اسلامی بوده، به دنبال شناسایی حدود و احکام روابط زن و مردند و پرسش های گوناگونی درباره ی مسائل مربوط به ارتباط و دل بستگی ها و مانند آن دارند که باید با بیانی روشن و شیوا و نگاهی جامع و مستند و با بهره گیری از مدل ارتباطی مناسب، به آن ها پاسخ گفت. در این مجموعه سعی شده با استفاده از آیات و روایات و متون دینی و با استناد به نظرات کارشناسان علوم تربیتی و علوم اجتماعی و با ارائه ی آمار و ارقام، به مسئله ی رابطه ی دختر و پسر پرداخته، دلایل ارتباط و اختلاط، راه کارهای پیشنهادی، انواع روابط، همچون: رابطه ی عاشقانه، دوستی خیابانی، رفاقت های معمولی و ارتباط تلفنی و... را بررسی کنیم و آن را از زوایای مختلفی مورد ارزیابی قرار دهیم. در پایان با سپاس از آن

یگانه محبوب که این توفیق را نصیب نمود، از همه ی عزیزانی که در تهیه و تنظیم این کتاب بنده را یاری نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی می نمایم. امیدوارم این مجموعه گامی در جهت تحکیم هم اندیشی و در راستای ترویج و تبیین تعالیم تربیتی اسلام برداشته باشد و مورد قبول حضرت دوست و همه ی صاحبان اندیشه قرار گیرد. ابوالقاسم مقیمی حاجی ۲۶ / دی / ۱۳۸۰ / ۱ / ذیقعدہ / ۱۴۲۲. سالروز میلاد حضرت فاطمه ی معصومه (س).

پیش در آمد

زن و مرد دو جنس متفاوتند که نوع آدمی را تحقق بخشیده و در حیات دنیوی، با برطرف کردن نیازهای جسمی و روحی، مکمل یک دیگر شده و آرامش و امنیت روحی را پدید آورده اند. قرآن از این حقیقت به لباس تعبیر کرده و زن و مرد را لباس یک دیگر معرفی نموده است. به همین دلیل، نوعی کشش و جاذبه از سوی هر دو جنس، مشاهده و احساس می شود. این نکته سبب شد تا روان شناسان و فیلسوفان و عالمان اخلاق درباره مکانیزم جذّاب جنس های مخالف، سخن بگویند و به این مباحث پردازند که آیا جذب شدن دختر و پسر به یک دیگر برخلاف سرشت و نهاد آن هاست و نوعی انحراف از طبیعت اولیه ی انسانی به شمار می رود؟ آیا کشش دوستانه و تمایلات غریزی، تنها زائیده ی شهوت حیوانی و سرکش است، یا به بُعد انسانی نیز ارتباط دارد؟ اگر این جاذبه ها و کشش ها، طبیعی و زائیده ی بُعد انسانی است، پس چرا در اسلام روابط دختر و پسر محدود شده است؟ و آیا این محدودیت به ویژه در محیط جامعه و دانشگاه، در آینده ی جوانان، خسارت های جبران ناپذیری را فراهم نمی آورد؟ آیا هر نوع ارتباط دختر و پسر، ارتباط آلوده است و نمی توان از ارتباط معمولی و پاک و دور از مسائل جنسی سخن گفت؟ و اصولاً ارتباط چرا و چگونه؟ آیا روابط دختر و پسر، همان احترام گذاشتن به عشق و محبت است؟ آیا ارتباط برای شناخت قبل از ازدواج یا برای جلوگیری از فساد، مؤثر است؟ اگر عشق زمینی، پیش درآمد عشق الهی است، پس چرا با آن مخالفت می شود؟ برخی بر این باورند که تفکیک دختر و پسر در مدارس، آمادگی زندگی را منتفی می سازد و یک مشت دختر افسرده و پسر عقده ای تحویل جامعه می دهد، آیا این خسارت ها واقعی است؟ پس چرا بسیاری از روان شناسان از خدشه دار شدن بهداشت روانی جوانان بی بندوبار و افزایش مفاسد و جرم و جنایت خبر داده اند؟ و یا سرانجام نگران کننده ی دوستی های تلفنی و ازدواج های خیابانی را گوشزد نموده اند؟ اینها نمونه ای از پرسش هایی است که نسل معاصر را به خود مشغول ساخته و عالمان را وادار به پاسخ دادن کرده است. اما اسلام عزیز، هم در مورد مسائل جنسی و هم در زمینه ی ارتباط دختر و پسر، دیدگاه و راه حل دارد. نه حبس زنان در خانه را توصیه می کند و نه روابط بی ضابطه و نامشروع را تجویز می نماید. حریم ها را با عشق و محبت سالم و شرعی، جمع نموده و بر آثار و فواید و اهداف ازدواج تأکید میورزد. نوشتار حاضر که به همت محقق محترم جناب آقای ابوالقاسم مقیمی حاجی نگاشته شده است به چالش ها و چاره جویی های روابط جوانان پرداخته و پرسش های فوق را پاسخ داده است. امیدوارم این پژوهش، راهنمای مفیدی برای نسل جوان و آگاه ما باشد و تا حدودی دغدغه های آنها را کاهش دهد. تا به راحتی بتوانند به زندگی سالم و معنوی دست یابند. در پایان از تمام همکاران مرکز که در سامان دادن این اثر تلاش نمودند تشکر می نمایم، به ویژه از جناب آقای طوسی، مدیر محترم گروه مشاوره و تربیت و نیز آقایان کریمی، آل غفور، صدرالسادات، داعی نژاد و مخصوصاً جناب آقای حجت الاسلام والمسلمین سید هاشم حسینی بوشهری، مدیر محترم مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه. عبدالحسین خسروپناه جانشین مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه ی علمیه ۲۱ جمادی الثانی ۱۴۲۲ / بهمن ۱۳۸۰ سال گشت پیروزی انقلاب اسلامی

زندگی ارزش آن را دارد که با چشم باز و دلی آگاه به آن نگاه کنی و اگر در پی «آب» هستی، گرفتار «سراب» نشوی. دل بستن به اندیشه‌های رؤیایی و زیستن در عالم خیال، شایسته‌ی عاقلان فرزانه نیست. تو در پی خوش بختی هستی، همه‌ی آنان که در اطراف تو زندگی می‌کنند، دنبال سعادتند و می‌خواهند خوب زندگی کنند زولی ... خوش بختی چیست؟ خوب زیستن کدام است و خوب کیست؟ بعضی‌ها ندانسته، زندگی را به جهنمی سوزان تبدیل می‌کنند که هیزم آن خودشانند این دوزخ هولناک گاهی از یک زاویه‌ی کوچک انحراف یا اشتباه آغاز می‌شود. زندگی‌های آلوده به هوس، خرمن خشکی است که جرعه‌ی بیگانگان در یک لحظه آن را آتش می‌زند و خاکستر می‌کند زاین جاست که نگاه روشن و زاویه‌ی دید صحیح، کارساز است. ما دو بار عمر نمی‌کنیم که در یکی تجربه بیندوزیم و در دیگری به کار بریم. در همین یک نوبت باید چنان زندگی کنیم که به حسرت گذشته گرفتار نشویم. (۱) خداوند انسان را آمیزه‌ای از ظرفیت‌ها و استعدادها مختلف آفرید و او برای رسیدن به کمال حقیقی و سعادت واقعی، باید در جهت شکوفایی همه‌ی استعدادها گام بردارد و به تمام جهات مادی و معنوی زندگی بپردازد. نکته‌ی مهم، شناخت صحیح نیاز طبیعی انسان و درک درست آن است تا در ارائه‌ی راه حل‌ها به خطا نرویم. مکانیزم جذائیت جنس‌های مخالف نسبت به هم بر چه اساس است؟ آیا جاذبه‌ی دختر و پسر برای یک دیگر بر خلاف سرشت و نهاد آن‌هاست و نوعی انحراف از طبیعت اولیه‌ی انسان به حساب می‌آید؟ (۲) نیاز طبیعی دختر و پسر به یک دیگر: در خلقت بشر، زن و مرد مکمل نیازمندی‌های روحی و روانی یک دیگرند و هر یک بدون دیگری احساس فقر و نیاز نموده، به آرامش واقعی دست نمی‌یابد. انسان به عنوان موجودی طبیعی و با داشتن بعد مادی و جسمانی، ناچار با جهان طبیعت در ارتباط حیاتی و وابستگی متقابل است زبه صورتی که قطع این وابستگی‌ها مساوی با نابودی او خواهد بود. اگر انسان می‌توانست بدون وابستگی به طبیعت و علایق مادی، به مقصود نهایی خویش در خلقت نایل شود، قطعاً پروردگار حکیم نیز او را به دامن طبیعت جسمانی نمی‌سپرد. خصوصیات جسمانی، علایق روحی و روانی، جذائیت‌های متقابل بین طرفین (زن و مرد) به خصوص در سنین جوانی، از این قاعده‌ی کلی مستثنا نیست. البته هر کدام از دو طرف دارای جذائیت‌ها و ویژگی‌هایی است که به طور اجمال بدان اشاره می‌کنیم. دختر بنا به لطف الهی، بعد از بلوغ به آرامش و تعادل روحی عمیقی دست می‌یابد و تجلی‌گاه زیبایی‌های الهی می‌شود. صورت معصوم و چشمان نکته‌سنج و اندام ظریفش و از این مهم تر عفت و حیا و افتادگی نگاهش، خرامان راه رفتن و وقار زیبای او و هر کلام و حرکتش، سرشار از چنان جذائیت سحرآمیزی است که هر مرد خشن و بی‌احساسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (۳) زن شاه کار آفرینش و سرچشمه‌ی جوشان مهر و محبت است و در ساختار وجودی خود، متمایل به مرد آفریده شده و به دنبال تکیه‌گاه محکمی است که در فراز و نشیب زندگی یار و یاورش باشد. او طالب آن است که توجه مرد را به شخصیت و موقعیت عاطفی و ابعاد وجودی خود جلب نماید. او در برخوردها و معاشرت‌های خویش با مردان، انگیزه‌ی جنسی نداشته و قصد اولیه‌ی او بی‌عفتی و لذت‌جویی شهوانی نیست زبلکه خواستار کسی است که از وجود پر رمز و رازش باخبر باشد (۴) و موقعیت عمیق عاطفی و روح‌فداکاری و صداقت او را پاس دارد و از روی صداقت و پاکی، نگاه و توجه مردان را نشانه‌ی احترام و ابراز محبت خالصانه و توجه به ارزش‌های غیر جنسی خویش می‌پندارد. به همین جهت مردانی را می‌پسندد که ارج و منزلت او را درک کنند و با روح و روانش دمساز باشند. زن به دنبال تقدیس از جانب مرد و در آرزوی آن است که تنها ملکه‌ی کاخ عشق و محبتش باشد، (۵) و به قول ویل دورانت: «زن فقط وقتی زنده است که معشوق باشد و توجه کردن به او مایه‌ی حیات اوست.» (۶) پسر نیز پس از بلوغ، به طور طبیعی سرشار از تمایلات غریزی است و نیازمند روابطی دوستانه و محبت‌آمیز بوده، بدون جنس مخالف، نه در مراقبت از تمایلات سرکش و شهوانی خود تواناست و نه در رشد استعدادهای اجتماعی موفق است و در تنهایی، دچار فشار ذهنی شدید و بی‌حوصلگی است و در انجام کارها سریع خسته و بی‌انگیزه می‌گردد. او در پی کسی است که خلاء و کمبود و نقصان خویش را با وجودش کامل نماید و تکیه‌گاه و مشوقی را می‌جوید که در درون او حضور یابد و احساس تنهایی‌اش را از درون برطرف سازد.

و با نرمی و لطافت، خشکی و خشونت زندگی را هنرمندانه از یادش ببرد. مرد، نیازمند کسی است که قلبش برای او بتپد و با گرمی نگاه و کلام پرمهرش، او را در مواجهه با ناملایمات زندگی امید بخشد و با اتکا به عشق و محبتش سردی‌ها و سختی‌های روزگار را پشت سر گذارده، هم چون آینه‌ای شفاف، خود را در او بازبیند تا شخصیت و اخلاق خویش را به خوبی بنا نهد. (۷) مرد فطرتاً طالب دختری است که مانند بنفشه، محبوب و سلیم الطبع و ساده و عفیف و در عین حال دارای کمال لطف و دلبری باشد. (۸) در منظر پسر و دختر، هر چند وجود عزیز پدر و مادر بسیار ارزشمند است و مصاحبت با آنان و یا خواهر و برادری مهربان، تسکین دهنده‌ی لحظات تنهایی است، اما نیاز پسر و دختر محرمیتی بالاتر از این‌ها می‌طلبد. طبیعت زندگی شان اقتضا دارد که آن دو مافوق نیازهای جسمی و مادی به هم بنگرند و رابطه‌ی خویش را بر مبنای عشق و محبت راستین و جوشیده از نهاد و درون استوار سازند. «ویل دورانت»، به نقل از کتاب مهمانی افلاطون از قول «آریستوفان» آورده است: هر یک از ما، در جدایی فقط نیمه‌ای از انسان است و همیشه نگران آن نیم دیگر است (۹). این نیازمندی‌ها که در سرشت بشر نهاده شده، از اسرار حکمت الهی است. نکته‌ی اساسی، بسترسازی مناسب برای پاسخ‌گویی به آن بوده تا دختر و پسر در مسیر زندگی تکاملی خویش، شادمانه و سرافراز از این میدان، گذشته و در فردایی روشن، خود را در کانونی گرم و سرشار از عشق و صفا ببینند. چرا دختر و پسر را از سنّ کودکی جدا نمودند تا در سن جوانی در محیط جامعه و دانشگاه با حساسیتی دو چندان، به دنبال شناخت دنیای جنس مخالف و جبران کمبودهای گذشته باشند؟ (۱۰) در پاسخ به این پرسش توجه به چند نکته ضروری است: ۱. برای روشن شدن درستی یا نادرستی جداسازی، باید دید بر اساس نظر روان‌شناسان و کارشناسان علوم تربیتی، نیاز روحی - روانی کودک و نوجوان نسبت به جنس مخالف چگونه است. دختر و پسر پس از دوران کودکی از هم جدا شده، هر کدام در دنیای متفاوت از دیگری پای به دوران نوجوانی می‌نهد. در این دوران، دختر و پسر نسبت به جنس مخالف هیچ‌گونه احساسی نداشته، یا دارای حساسیت منفی اند؛ بنابراین خواه باهم باشند یا بدون هم، در واقع جدای از یک دیگر رشد نموده و بعد از این مرحله با بیداری غریز، به یک دیگر روی می‌آورند و با دنیای ناشناخته‌ی روبه‌رو می‌شوند. این دنیای ناشناخته، سبب ناراحتی آن‌ها می‌شود و با بیداری بیش‌تر غریز جنسی، حساسیت و توجه آن‌ها به یک دیگر بیش‌تر می‌شود. رفتار کودک در دوران پیش از دبستان، در برخورد با جنس مخالف و موافق، چندان متفاوت نیست؛ به عبارت دیگر، در این دوره، کودک در برخورد با دختران و پسران هم سن خود، تقریباً یکسان رفتار می‌کند. در حقیقت دوران پیش از دبستان را می‌توان دوره‌ی یک‌رنگی و یگانگی دو جنس دانست. این گونه برخورد، پس از پایان این دوره دیگر تکرار نخواهد شد. در دوره‌ی دبستان به تدریج رفتار دوگانه و مخالف خود‌نمایی می‌کند. در این دوره پسران و دختران از یک دیگر فاصله گرفته، نسبت به هم موضع می‌گیرند. دختران معمولاً با دختران به بازی و گفت‌وگو مشغول می‌شوند و پسران نیز با پسران. این فاصله گرفتن، گاه با پرخاش نسبت به هم و بدگویی و شکایت از یک دیگر، همراه می‌شود. خواهران و برادرانی که در یک خانه زندگی می‌کنند، این تعارض را به صورت جدال و قیل و قال و قهر و شکایت و... از خود بروز می‌دهند. پسران (در آن سن) دختران را موش می‌نامند که مثل خرگوش هستند ولی خود را مثل شیر و شمشیر می‌دانند؛ گاه دختران نیز همین کار را با پسران می‌کنند. به این ترتیب، این دوره را باید دوره‌ی تعارض در رفتار اجتماعی دو جنس، بدانیم. در دوران پس از دبستان، به تدریج فاصله گرفتن دو جنس، آغاز می‌شود. دختران و پسران در این دوره به تدریج از هم دور می‌شوند و گویی با یک دیگر قهرند. آن تعارض دوران دبستان نیز به تدریج از بین می‌رود. بیش‌تر نوجوانان در دوازده - سیزده سالگی، این دوری و فاصله را نسبت به جنس مخالف، در درون خود احساس می‌کنند. (۱۱) غریز جنسی بین شش تا دوازده سالگی متوقف می‌ماند و پسران و دختران از این لحاظ تفاوت چشم‌گیری با هم ندارند. (۱۲) سپس در دوران نوجوانی به یک دیگر تمایل پیدا می‌کنند و این تمایل برای هر دو جنس، ناراحت‌کننده است؛ زیرا تحوّل است که با خواسته‌ی قبلی هر کدام مخالف است. (۱۳) امّا سال‌های نوجوانی، سال‌های بیداری غریزه است. این غریزه، انسان را به سوی جنس مخالف سوق می‌هد.

در چنین اوضاعی اگر تعارض بین گرایش و عدم گرایش به طرف جنس مخالف، شدت بگیرد، نوجوان دچار آشفتگی می شود و دست به رفتارهای متعارض می زند. اگر عوامل محرکِ گزینه ی جنسیِ نوجوان را تا حد امکان کنترل کنیم، به گونه ای که این گزینه بیداری خود را به تدریج و بسیار آرام آغاز کند، می توانیم امیدوار باشیم که دوری روحی نوجوان از جنس مخالف، فرصتی خواهد بود برای پختگی بیش تر و شناخت دقیق تر از جنس مخالف. به این لحاظ است که کنترل و کاستن عوامل تحریک کننده ی جنسی، از ضروریات تربیتی در دوره ی نوجوانی است. و با بیداری تدریجی، نوجوان فرصتی می یابد تا آشفتگی های خود را در این مدت که در ابعاد مختلف با آن روبه روست، تا حدی تعادل بخشد و در اواخر نوجوانی گرایشی انسانی به طرف جنس مخالف در خود احساس خواهد کرد. این احساس، مقدمه ی خوبی برای ازدواج و تشکیل خانواده است. (۱۴) در نتیجه، طبق نظر کارشناسان، دختر و پسر از کودکی، براساس ساختار روحی - روانی با جنس موافق رشد نموده، احساس نیاز به جنس مخالف ندارند و این دوری می تواند زمینه ای مناسب برای شناخت صحیح شود. (۱۵) و اختلاط بی حد و مرز و تعجیل در روابط و تحریک زودرس، نوجوان را که باید با آرامش و فراغت به دنبال پایه ریزی اندیشه و آینده و هویت خود باشد، دچار آشفتگی های روحی و ذهنی نموده، غرق در اضطراب و التهاب می نماید و از دست یابی به اهداف بلند باز می دارد. البته لازم است، جوانان و نوجوانان شناخت درستی نسبت به جنس مخالف داشته، از تصوّرات تخیلی اجتناب کنند و از جنس مخالف، موجودی ماورایی و فرشته ای آسمانی و ... نسازند. هر یک از دختران و پسران باید بدانند که جنس مخالف، هم چون خود آنان، دارای ویژگی های مثبت و منفی گوناگونی است، و در عین برخورداری از توانمندی ها، دارای ضعف ها و ناتوانی هایی نیز می باشد و برای خود سلیقه ها و خصوصیات اخلاقی خوب و یا بدی دارد. و همانند خواهران و برادرانشان، انسانی معمولی است و به اندازه ی کافی وقت دارند تا یک دیگر را بشناسند. این نوع شناخت، به همراه کنترل عوامل محرک جنسی، التهاب و هیجان را در سن جوانی به حد متعادل رسانده، جوان را به سوی پاسخ گویی صحیح و انتخاب راه درست و فرد مناسب برای عشق و زندگی رهنمون می سازد. ۲. جدا سازی دختر و پسر در مدارس و مراکز علمی، تنها در ایران مرسوم نیست، بلکه از دیرباز تا کنون در بسیاری از کشورهای شرق و غرب متداول بوده است و امروزه در میان اندیشمندان علوم تربیتی دارای موافقان و طرفداران بسیاری است که در مباحث بعدی بدان خواهیم پرداخت. ۳. نکته ی دیگر آن که اگر اختلاط از سنین کودکی و نوجوانی، سبب کاهش التهاب و حساسیت در جوانی می شود و شناخت معقولی را ایجاد می کند، چرا در جوامع غربی که آزادی مطلق دارند، باز دختر و پسر با دو صد حساسیت و هیجان جنسی، غرق در شهواتند و علی رغم معاشرت های آزاد و دیدن انواع فیلم ها و مجلات و ... این عطش هولناک سیراب نشده است؟ در ارتباط دختر و پسر، قائل به ارتباطی آلوده نیستیم، بلکه مقصود ما ارتباط و رفاقت معمولی و پاک و به دور از مسائل جنسی است. چرا از این گونه روابط جلوگیری می شود؟ (۱۶) در اسلام صحبت کردن و برخورد عادی زن و مرد، جایز است و آنان می توانند فارغ از دغدغه های شهوانی، به کار و فعالیت و تحصیل بپردازند، اما فعالیت مختلط در همه ی مراکز و مجامع امر پسندیده ای نیست، به ویژه برای جوانان که آمیزه ای از غرایز مختلفند. زیرا قدرت کشش و نیروهای تحریکی تمایلات انسان، یکسان و مساوی نیستند. انگیزه ی بعضی از تمایلات، بسیار قوی و نیرومند است و قدرت کشش پاره ای از خواهش ها متوسط و یا ضعیف است. در جوانی، غرایز جنسی و احساسات و شیفتگی به جدائیت های ظاهری، در حد زیادی خودنمایی کرده، حاکم بر دوستی ها و تصمیم گیری های جوانان است. «موریس دبس» گوید: دیر یا زود گزینه ی جنسی، مخصوصاً در نزد پسران، تا سر حد وجدان نفوذ کرده و تحریکات شهوانی هم چون تصادم امواج به ساحل، شروع به مبارزه می نماید. عمل این گزینه آن قدر قوی است که در واقع، مرکز تحریکات مستقیم برای تمام آرزوهای اعضای مختلف بدن می گردد. تأثیر غیرمستقیم آن خیلی بیش از این ها است. وجود آن به کلی زندگی قلبی و تظاهرات محبت آمیز انسان را تحت تأثیر خود قرار می دهد تا جایکه در سن هفده - هجده سالگی، مالک اصلی (حساسیت انسان) می شود و آن گاه تمام تظاهرات محبت آمیز انسان از گزینه ی جنسی سرچشمه می

گیرد. (۱۷) بدیهی است در ایام جوانی، شوق جنسی و احساسات بر روان آدمی سایه انداخته، ناخودآگاه به رفتار و سخن و نگاه جوان رنگ و لعابی دیگر می بخشد. در این میان، چنان التهاب و هیجان به اوج می رسد که آهنگ صدا و رفتار و حرکات را تحت تأثیر قرار داده و حتی تصور رفاقت و هم سخن شدن و حس گرما و وجود دیگری، قلب را به تپش مضاعف و می دارد و تأثیر پذیری و تحریک را دو چندان می نماید. «ویل دورانت» پس از بیان تحریک پذیری جوانان در برخورد با جنس مخالف می گوید: در این سن، جوان در برابر هزارها محرک که قبلاً آن ها را حس نمی کرد، حسّاس می گردد. بعضی از صداها این حسّاسیت جوانی را بر می انگیزد ... بعضی از عطرها (آن را) تحریک می کند. (۱۸) و در جای دیگر کتاب خود، درباره ی حکومت شهوت در طول عمر، می نویسد: رسم بر این است که طغیان شهوت را به دوره ی جوانی منتسب سازند و ولی در حقیقت تا نیرویی در بدن هست، شهوت نیز پای بر جای است. (۱۹) «کارن هورنای»، علی رغم ردّ صریح این نظریه ی فروید که پشت سر هر گونه محبتی یک انگیزه ی شهوی و عقده ی جنسی وجود دارد، می نویسد: ارتباط زیادی بین محبت و تمایلات جنسی ملاحظه می کنیم مثلاً- بسیاری از تمایلات و کشش های جنسی، اولش با مهربانی و دوستی صاف و ساده شروع می شود و گاهی هم شخص ممکن است دارای تمایلات جنسی باشد، ولی خودش آن را با تمایل به مهرورزی اشتباه کند. چنان که کشش های جنسی هم ممکن است انگیزه ی احساسات محبت آمیز باشد یا کم کم مبدل به احساسات محبت آمیز گردد و با وجودی که این تغییر و تبدیلات حاکی از آن است که ارتباط نزدیکی بین تمایلات جنسی و احساسات محبت آمیز وجود دارد (هر چند این ها دو نوع احساس متفاوت می باشند). (۲۰) باتوجه به نیاز و کشش درونی دختر و پسر، به ضمیمه ی شرایط ویژه ی بلوغ و بیداری غرایز جنسی و تحریک پذیری جوانان، باید اعتراف نمود گسترش و عادی سازی روابط، بستری مناسب برای کشیده شدن جوانان به سوی لذایذ شهوانی و زمینه ساز روابط جنسی است که در صفحات آینده با آثار و تبعات آن آشنا می شویم. در گزارشی که «جاناتان راس»، روزنامه نگار انگلیسی، به دنبال تحقیقاتی روان شناسانه منتشر کرده، نگرانی خویش را از خشونت جنسی ابراز داشته است. وی با ارائه ی آمار، اظهار می کند که بیش تر مردان غربی، نسبت به زنانی که با آنان از صبح تا شام در ارتباط هستند، (از قبیل: هم کار و هم کلاس و...) در آرزوی آمیزش همراه با خشونت شدید، تا حدّ قتل، می باشند. (۲۱) حال با کمی تأمل و واقع بینی در خود و محیط اطراف، به خوبی در می یابیم که بسیاری از دلایل و بهانه های مختلفی که در توجیه روابط ذکر می شود، برخاسته از همین نیاز درونی است و از آن جا که شرایط مناسبی برای پاسخ گویی صحیح و طبیعی وجود ندارد، سبب به وجود آمدن روابط خیابانی و آشنایی های تلفنی می شود. در این جا مسئولیت سنگینی بر دوش خانواده ها و مسئولین جامعه است. جوان در سنّ جوانی و در اوج شور و احساسات خود نیازمند روابطی محبت آمیز و سرشار از عشق و صفاست و از عمق جان خویش این نیاز را احساس کرده، با تمام وجود ندای طلب آن را می شنود و در پی راهی برای پاسخ به آن است. و اگر راهی صحیح و ساده نیابد، خواسته یا ناخواسته به راه های دیگر کشیده می شود. اگر خانواده ها با راهنمایی و فراهم نمودن شرایط مقدماتی به کمک آن ها نشتابند و مسئولین اقتصادی و فرهنگی جامعه، به دنبال چاره جویی و بر طرف نمودن موانع موجود برنخیزند، دیگر نمی توان انتظار زیادی از جوانان داشت و تنها آنان را مورد ملامت و سرزنش قرار داد. در نتیجه، برای آرامش و کنترل غرایز در افراد، رعایت نکات ذیل لازم است: الف. ارضای تمام غرایز موجود در انسان در حدّ حاجت طبیعی به طور معقول و مطلوب (۲۲) ب. جلوگیری از تحریک غرایز به خصوص غریزه ی جنسی (۲۳) ج. گسترش میدان فعالیت اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و ورزشی. از آن جا که با اعتراف به حسّاسیت و تمایلات غریزی، توجیهی برای عادی سازی روابط و تطهیر آن باقی نمی ماند، دیده می شود در برخی مطبوعات بدون ارائه ی مستند علمی، این اصل و نقش آن را انکار کرده و روابط موجود را عاری از دغدغه های جوانی دانسته، آن را بدون تبعات منفی معرفی می کنند! اما روی سخن ما با جوانان فهیم ایرانی است: در شرایط فعلی جامعه چه باید بکنیم و چه راهی را باید انتخاب نماییم تا به سعادت و خوش بختی واقعی دست یابیم؟ در بخش های آینده دلایل روابط و پیامدهای آن

را بررسی می‌کنیم.

--- (۱). جواد محدثی، نگاه تا نگاه، ص ۵، با کمی تصرف. (۲). از پرسش‌های رسیده به مرکز. (۳). هیئت تحریریه ی مؤسسه ی در راه حق، جووانان و ازدواج، ص ۳ و ۴. (۴). ویل دورانت، لذات فلسفه ترجمه ی عباس زریاب، ص ۱۳۴. (۵). شهید مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۴۸. (۶). ویل دورانت، لذات فلسفه، همان، ص ۱۲۲. (۷). مجتبی هاشمی رکاوندی، مقدمه بر روان شناسی زن، ص ۷۹. (۸). راوریزان مادران، زن در عصر جدید، ص ۱۵۲. ر.ک: (مقدمه ای بر روان شناسی زن) همان، ص ۱۳۵. (۹). ویل دورانت، لذات فلسفه، همان، ص ۱۲۲. (۱۰). ایران جوان، ش ۱۳۵، ص ۳۵. و ش ۸۰ بهمن ۷۷. (۱۱). دکتر علی اصغر احمدی، تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران، ص ۷۲ و ۷۳، علی اکبر شعاری نژاد، روان شناسی رشد، ص ۴۷۳. (۱۲). موریس دبس، بلوغ، ص ۴۷، به نقل از روان شناسی نوجوانان و جوانان، ص ۱۱۳. (۱۳). علی اکبر شعاری نژاد، روان شناسی رشد، همان. (۱۴). دکتر علی اصغر احمدی، تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر، ص ۷۲ و ۷۳، هم چنین، علی اکبر شعاری نژاد، روان شناسی رشد، ص ۴۷۳. (۱۵). دکتر علی اصغر احمدی، همان، ص ۷۲ و ۷۳. هم چنین، علی اکبر شعاری نژاد، همان، ص ۴۷۳. (۱۶). ایران جوان، ش ۱۶۵، ص ۴۱، روزنامه ی نوروز: آتش و پنبه نیستیم. ۱ / ۵ / ۸۰ (۱۷). چه می دانم از بلوغ، ص ۴۶، به نقل از گفتار فلسفی، جوان، ص ۳۰۷. (۱۸). لذات فلسفه، ۱۱۵ و ۱۲۵. (۱۹). همان، ۹۵ و ۹۶. (۲۰). کارون هورنای، عصبانی های عصر ما، ترجمه ابراهیم خواجه نوری، ص ۱۹۱. (۲۱). دکتر ثریا مکنون و مریم صانع پور، بررسی تاریخ منزلت زن از دیدگاه اسلام، ص ۲۱۱. (۲۲). شهید مرتضی مطهری، مسئله ی حجاب، ص ۱۱۲. (۲۳). همان.

ارتباط، چرا و چگونه؟

در چند سال اخیر، در مجله‌ها و مقالات بسیاری به موضوع روابط دختر و پسر پرداخته شده است و به بهانه های مختلفی چون: کاهش حساسیت‌ها (۱)، شناخت قبل از ازدواج (۲) یا پیشرفت فرد و جامعه (۳) و یا برای جلوگیری از فساد! (۴) موضوع روابط آزاد، مطرح می‌شود. عده ای این گونه روابط را از زاویه ی عشق و عاشقی، پسندیده می‌دانند (۵) و برخی، جلوگیری از آن را موجب عقده ای شدن جوانان و یا به وجود آمدن اثرهای نامطلوب بر فرد و جامعه می‌پندارند. اما همان طور که در صفحات پیشین ذکر شد، جاذبه ی جوانان به جنس مخالف، امری طبیعی و فطری است و دختر و پسر بعد از بلوغ علاقه ی وافری به یک دیگر می‌یابند. نکته ی مهم، شناخت راه کاری درست برای پاسخ‌گویی به این نیاز است. در این بخش دلایلی را که برای توجیه روابط آزاد و یا به عنوان عامل محدود کننده ذکر می‌شود، مطرح نموده، با کمک خرد و وجدان به قضاوت می‌نشینیم. دلایل توجیه کنندگان روابط آزاد ۱. احترام به عشق آیا عشق، این گوهر گران بهای زندگی، ناپسند و مذموم است؟ (۶) عاشق شدن گناهی ندارد. اگر عشق نباشد، هیچ چیز زیبا نیست. بگذارید دختران در مدارس آماده ی زندگی، عشق و ازدواج شوند. (۷) زیباترین و تعالی بخش ترین جنبه ی هستی انسان، عشق است. زولی حاکمیت در ایران، به تصویر کشیدن رابطه ی عاشقانه بین دو انسان، ولو زن و شوهر باشند، را گناه آلود می‌داند. (۸) عشق اصیل و حقیقی، والاترین تجربه ای است که یک انسان می‌تواند به آن برسد و تنها چنین عشقی است که شکوفایی نهایی استعدادهای جسمی و روحی و عاطفی زن و مرد و غور آن‌ها در اعماق ضمیر خود و یا هستی را ممکن می‌سازد. عشق، لازمه ی استمرار زندگی و مایه ی نشاط روحی و عمیق ترین ارتباط قلبی و محکم ترین تعهد انسانی است. اگر زن و مرد، پروانه های شمع عشق باشند، زیباترین زندگی را به تصویر می‌کشند. عشق مافوق نیازهای جسمی و مادی است؛ زیرا نیاز مادی و شهوانی، چیزی جز یک نیاز موقت بدنی نیست که به مجرد تخلیه ی انرژی فشرده ی جنسی به پایان می‌رسد؛ اما شور عشق همیشه باقی است. میان عشق و هوس و شهوت فرق بسیار است. بنابراین به پاس احترام عشق و عاشقی و برای پاسداری از این موهبت الهی، ترویج روابط آزاد پسندیده نیست. به اعتراف دانشمندان اروپایی، در جوامع آزاد که جاذبه های ظاهری و شوق

جنسی حاکم است، عشق، اولین قربانی است. (۹) در این صورت، عشق‌های برخاسته از نهاد و درون، به افسانه تبدیل شده، جز مدعیان دروغین، کسی یافت نمی‌شود زیرا پسری که هر روز با دختری می‌گردد و هر دم که نگاه می‌کند، عده‌ای را در حال جلوه‌گری می‌بیند، دیگر تنوع طلبی در او حاکم شده و از عشق و انتظار به دور است. به راستی آیا جوانی که همیشه به دنبال چشم‌چرانی است، می‌تواند مدعی عاشقی باشد؟! عاشق کسی است که در راه رضای معشوق، از هر چه دارد بگذرد و چشم از همه، جز جمال محبوب بیند. عاشق نه تنها از خواب و خوراک، بلکه از غریزه‌ی جنسی و خواسته‌های قلبی خویش نیز غافل می‌شود و جز یاد معشوق به کسی نمی‌اندیشد اما جوانی که در پارتی‌های شبانه با دختران و پسران است و در کوی و خیابان و... دل به عشق بازی این و آن سپرده است، آیا چیزی جز شهوت و هوس می‌داند؟! «موریس مترلینگ» می‌گوید: عشق در تمامی موجودات وجود دارد، ولی درک آن تابع شرایطی است که تا آن شرایط جور نشود امکان آن وجود ندارد... بعضی آن را منحرف می‌کنند و ندانسته به صورت تمع از لذات، مصرف می‌نمایند و هیچ از حقیقت آن برخوردار نمی‌شوند. (۱۰) بدون تردید گسترش و عادی‌سازی روابط دختر و پسر، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی خواهد بخشید و تجربه‌هایی را برایشان میسر ساخته، لذت‌های زودگذری را فراهم می‌آورد. با تکرار این صحنه‌ها هوس‌جانشین عشق، تنوع طلبی به جای وفاداری، و دل‌هرجایی و سیری‌ناپذیر جایگزین دلدادگی و تعهد می‌شود. هر که خود را رایگان و ارزان به این و آن بفروشد، معلوم می‌شود از بازار قیمت انسان بی‌خبر است. هر کسی هم که زود عاشق شود و مرتب معشوق عوض کند، معلوم است که عشق را به بازی گرفته یا خودش بازیچه‌ی هوس شده است. بازی‌گر و بازیچه بودن، هر دو، مایه‌ی شرمندگی است. باید درباره‌ی مرز میان عشق و هوس بیش‌تر اندیشید. (۱۱) عشقی که نه عشق جاودانی است***بازیچه‌ی شهوت جوانی است عشق آینه‌ی بلند نور است***شهوت ز حساب عشق دور است. (۱۲) «کارون هورنای» در بیان فرق میان محبت واقعی و ابراز علاقه‌ای که ناشی از احتیاج به جلب محبت و برای کمبودهای روحی است می‌گوید: فرق بین عشق، و نیاز به جلب محبت، آن است که در عشق، احساس دوستی و محبت بر همه چیز مقدم است و در حالی که در نیاز عصبی به جلب محبت، همواره نیاز به رفع تشویش درونی مقدم است. بسیاری از این نوع روابط بین انسان‌ها گرچه اساسش سودجویانه است، مع ذلک ماسک عشق و دل‌بستگی به چهره می‌زنند... به همین جهت یکی از مشخصات عشق حقیقی، پایدار بودن احساس محبت می‌باشد. (۱۳) بنابراین عشق جنسی و هوس پرستی که به قول «ویل دورانت» (۱۴) آغاز آن با ترشح غدد جنسی و پایان آن ارضای شهوت زودگذر جسمانی است، هرگز نمی‌تواند تعهدآور بوده و مایه‌ی پایداری روابط انسانی، به ویژه زندگی زناشویی باشد. جوانان پرطرفیت، با نامه‌ی «فدایت شوم» و «برایت می‌میرم» و «اگر تو نباشی من هیچم»، خود را نمی‌بازند. پشت این نگاه‌های مسموم و محبت‌های فریبا، دره‌های هولناک و شب تیره و بدبختی هول‌انگیزی نهفته است. فقط کافی است نورافکنی بیندازیم و عمق این تیرگی‌های وحشتناک اما به ظاهر زیبا و پر جلوه و رنگارنگ را بنگریم. آیا این سخن درست است که: برای دوام و پایداری عشق باید قبل از ازدواج آن را تمرین نمود و آموزش دید و تنها راه آن، گسترش روابط دختر و پسر است؟ در همین زمینه یکی از روان‌شناسان می‌گوید: وقتی راجع به آموزش صحبت می‌کنیم، باید بگوییم که هر آدمی در تجربه‌ی اولش شاید به تمام نکته‌های مثبت نرسد زیرا از پختگی لازم برخوردار نیست. افراد ممکن است تجربه‌های عشقی داشته باشند و اشتباه کنند زیرا شاید سوژه‌ی عشقشان را اشتباه انتخاب کرده‌اند. شاید اشتباه از خودشان باشد... اگر عشق اول بچه‌گانه یا اشتباه بود، عشق بعدی باید باعث شادی و رضایت شود، نه این که از دفعه‌ی قبل بدتر باشد. خیلی از عشق‌ها تمرین عشق است بنابراین هر عشقی الزاماً نباید به ازدواج منتهی شود. (۱۵) با توجه به مطالب پیش گفته بسی روشن است که ترویج روابط دختر و پسر، عشق و محبت راستین و شادی بخش را به وجود نمی‌آورد. عشقی را می‌توان خود شکوفایی، تبلور اراده، ابراز هویت و حالتی از تکامل نامید که برخاسته از علاقه و تعهد عمیق باشد نه این که در پس جذابیت‌های ظاهری و زیبایی‌های جسمانی به وجود آید. این روان‌شناس در ادامه‌ی اظهار نظرهایش اذعان می‌دارد: اگر تنها

یک شور جنسی باشد و اراده و تعهد در آن نقش نداشته باشد، تبدیل به دوست داشتن‌های متعدّد و بدون فایده می‌شود. (۱۶)

چگونه از تجربه‌های عشقی متعدّد و ناکام که به سبب بی‌تعهدی و یا کم‌رنگ شدن جدّابیت‌های ظاهری، رها شده‌اند، عشقی عمیق و برخاسته از تعهد به وجود می‌آید؟ از کجا معلوم، سرنوشت این عشق نیز همانند عشق‌های قبلی نباشد؟ پس به کدام عشق می‌توان اعتماد نمود؟ ایشان می‌گویند: این حالت (پیدایش عشق و دوستی) معمولاً زمان بلوغ که هنگام بیدار شدن جسم است، بیش‌تر اتفاق می‌افتد. و در رابطه با تردید (در عشق) می‌توانم معیارهای جهانی را بگویم: سبک‌های شورانگیز یا بازی‌گوشانه که تعهد کمتری در آن‌ها دیده می‌شود، بر خلاف تصور عمومی، در پسرها بیش‌تر است. ... یکی از دلایل تردید در پسرها این است که آن‌ها بیش‌تر جذب جدّابیت‌های ظاهری می‌شوند و وقتی جدّابیت‌ها کم‌رنگ‌تر شوند، با مشکل مواجه می‌شوند. (۱۷) با اعتراف به این که در این نوع عشق‌ها جدّابیت‌های ظاهری و غریزه‌ی جنسی، نقش مهمی ایفا می‌کند، چگونه می‌توان آن را سنگ بنای زندگی قرار داد، جوانان را به این وادی سوق داد و آن‌ها را به تجربه‌های عشقی تشویق نمود که جز هیجان‌های بی‌اساس و فشارهای روحی و روانی ارمغانی به بار نمی‌آورد. اگر پسر یا دختری گرفتار نظر بازی و تنوع طلبی شود، هیچ‌گاه طعم شیرین آرامش و شادی و رضایت را در زندگی نخواهد چشید. آنچه مهم و ضروری است، تبیین راه‌های شناخت صحیح از طرف مقابل برای رسیدن به تفاهم و همسانی هر چه بیش‌تر و بررسی تعهد و عوامل مؤثر در تداوم آن است. بدون تردید، آنچه بعد از همسانی‌های لازم می‌تواند در مقابل وسوسه‌های هوس‌انگیز، تعهد عمیق ایجاد کند، ایمان و صداقت و معنویات است که مورد غفلت قرار گرفته است. دوام علاقه و دوستی میان اشخاص، به معرفت و صداقت و دوری از منافع فردی و گذشت و رها نمودن کبر و غرور باز می‌گردد؛ که مطمئن‌ترین راه دست‌یابی به این فضایل اخلاقی، تمسک به معنویت و معرفت است. «عشق، علاقه و تمایل انسان را به خارج از وجودش متوجه می‌کند، وجودش را توسعه داده و کانون هستی‌اش را عوض می‌کند و به همین جهت، عشق و محبت، یک عامل بزرگ اخلاقی و تربیتی است؛ مشروط بر این که خوب هدایت شود و به طور صحیح مورد استفاده قرار گیرد.» (۱۸) نکته‌ی دیگری که در تداوم عشق نقش مؤثری دارد، شناخت دقیق افراد از روحيات و علائق یک دیگر است که در بخش‌های آینده بدان خواهیم پرداخت. مگر در عرفان اسلامی مطرح نشده که «عشق زمینی» پیش‌درآمد «عشق الهی» است؟ (۱۹) پس چرا از عاشق شدن دخترها و پسرها جلوگیری شده، از آن منع می‌شود؟! دکتر سروش در لزوم ترویج عشق زمینی می‌گویند: «این جا در عشق زمینی، سکوی پرش هست.» (۲۰) این که گفته می‌شود «عشق مجازی» پیش‌درآمد «عشق حقیقی» است، به این معنا نیست که این عشق‌های نامشروع میان دختر و پسر نامحرم و بیگانه مقدمه‌ی عشق حقیقی است. عشق حقیقی، رسیدن به کمال و وصول به معشوق حقیقی و ازلی است. و بدیهی است با غوطه‌ور شدن در هوی و هوس و شهوت حیوانی که مورد غضب پروردگار است، نمی‌توان به عشق حقیقی دست یافت. آنچه مقدمه و پل عشق حقیقی به حساب می‌آید، عشق مجازی است نه «عشق جنسی و حیوانی». در عرفان اسلامی، عشق را به عشق حقیقی و مجازی تقسیم کرده‌اند و عشق مجازی را به «عقیف و حیوانی» عشق عقیف، به عشقی گفته می‌شود که مبدأ آن شباهت و همسانی نفس عاشق با نفس معشوق در جوهر و ذات او باشد. بیش‌تر اهتمام عاشق به روش‌های معشوق و آثاری است که از نفس وی صادر می‌گردد. این عشق است که نفس را نرم و پرشوق و وجد قرار می‌دهد. رفتی ایجاد می‌کند که عاشق را از آلودگی‌های دنیایی بیزار می‌گرداند. عشق حیوانی، عشقی است که منشأ آن، شهوت جوانی و طلب لذت و کام‌جویی بوده، بیش‌ترین عامل جذب و کشش عاشق، شکل و شمایل و حسن و زیبایی معشوق است و جدّابیت‌های جسمانی و ظاهری در آن، نقش اساسی را بازی می‌کند. این عشق ناشی از استیلاي نفس‌آواره بوده، بیش‌تر اوقات همراه با فجور، مفسد و انحرافات اخلاقی است. (۲۱) عشقی که گویند پل عشق حقیقی است، از قسم اول است (البته آن هم در بستر مشروع خود) زیرا کسی که طالب قرب الهی است نمی‌تواند با پیمودن راهی که مورد قبول او نیست، به این مقام دست یابد. پس عشقی که ناشی از حسن ظاهری نبوده، از شهوت و شوق جنسی دور باشد، پیش‌درآمد عشق

حقیقی است که با وصال تغییر می کند و مقاصد معنوی و روحانی خود را دنبال کرده، نقایص معشوق های مادی را برای انسان، واضح می نماید و به فرموده ی «خواجه نصیر»: در عشق عفیف، فرد از شهوات دور شده و از مشغله های دنیایی، جز فکر معشوق فارغ شده و تنها دغدغه اش رضایت اوست. اگر چنین عشقی برای کسی حاصل شود، روی آوردن به معشوق حقیقی برایش آسان تر از دیگران است زیرا نیازی به اعراض و دل کندن از سایر تعلقات ندارد (۲۲). در توضیح فرق میان عشق مجازی و عشق جنسی در عرفان اسلامی، از بیان استاد «شهید مطهری» مدد می جویم: عشق، اوج علاقه و احساس است، و این احساس ها دو نوعند که یکی آثار نیک و سازنده دارد و دیگری کاملاً آثار مخرب. برخی احساسات از مقوله ی شهوت و مخصوصاً از شهوت جنسی است ... و افزایش و کاهش آن، بستگی زیادی به فعالیت فیزیولوژیکی دستگاه تناسلی و سن جوانی دارد و با پا گذاشتن به سن از یک طرف و اشباع و افراز از طرف دیگر، کاهش می یابد و منتفی می گردد. جوانی که از دیدن رویی زیبا به خود می لرزد و از لمس دستی ظریف به خود می پیچد، باید بداند چیزی جز جریان مادی و حیوانی در کار نیست. این گونه عشق ها به سرعت می آید و به سرعت می رود قابل اعتماد و توصیه نیست خطرناک است فضیلت کش است. تنها با کمک عفاف و تقوا و تسلیم نشدن در برابر آن است که آدمی سود می برد یعنی خود این نیرو انسان را به سوی هیچ فضیلتی سوق نمی دهد اما اگر در وجود آدمی رخه کرد و در برابر نیروی عفاف و تقوا قرار گرفت و روح، فشار آن را تحمل کرد ولی تسلیم نشد، به روح قوت و کمال می بخشد. (۲۳) انسان آن گاه که تحت تأثیر شهوات خویش است، از خود بیرون نرفته است. شخص یا شیء مورد علاقه را برای خودش می خواهد و به شدت می خواهد، اگر درباره ی معشوق و محبوب می اندیشد بدین صورت است که چگونه از وصال او بهره مند شود و حداکثر تمتع را ببرد. بدیهی است که چنین حالتی نمی تواند مکمل و مربی روح انسان باشد و روح او را تهذیب نماید. از این جاست که امام صادق (علیه السلام) می فرماید: دل هایی که از یاد خدا غافل شده اند، گرفتار عشق های زمینی و باطل می شوند. (۲۴) اما نوع دیگری از احساسات (در آدمی است) که از لحاظ حقیقت و ماهیت، با شهوت مغایر است، که آن را عاطفه و رحمت می نامیم ... و انسان تحت تأثیر عواطف عالی، محبوب و معشوق در نظرش احترام و عظمت پیدا می کند ... و آماده است خود را فدای خواسته های او کند این گونه عواطف، صفا و صمیمیت و لطف و رقت و از خود گذشتگی به وجود می آورد ... (۲۵) این نوع احساسات است که اگر به اوج برسد، آثار نیکی بر آن مترتب است چون: تلاش خستگی ناپذیر در راه هدف، تلطیف عواطف، تکمیل نفس و پرورش روح، تمرکز نیروها و از بین بردن حصار خود پرستی. (۲۶) این نوع عشق، پایدار است و با وصال، تیزتر و تندتر می شود بر خلاف نوع اول که ناپایدار است و وصال، مدفن آن به شمار می آید. (۲۷) «موریس مترلینگ» نیز در تأیید ناپایداری عشق جنسی و تفاوت آن با عشق حقیقی می گوید: شما با دیدن یک روی دل آرام، فریفته ی صاحب آن صورت می شوید. گرچه این عشق ممکن است به عشق حقیقی مبدل شود، اما غالباً این عشق با وصل معشوق پایان می یابد چون عشق کششی است، کشش تا به هنگامی است که به وصل می رسد. اگر حقیقتی در لفاف این مجاز نباشد، پس از وصل، آن کشش تمام شده است زیرا وصل، آخر و سرانجام کشش است و نقطه ی مشخص دارد اما حقیقت، انتها ندارد. وقتی کشش به سوی حقیقت و برای رسیدن به آن یافت شد، تا ابد ادامه پیدا می کند هر قدر دایره ی آرزوهای شما بزرگ باشد، عشقی که نصیب شما می شود بزرگ تر است. (۲۸) نکته ای که در پایان باید تذکر داد این است که عرفا که می گویند: عشق مجازی تبدیل به عشق حقیقی، یعنی عشق به ذات احدیت می گردد، زمانی است که عشق با تقوا و عفاف و صبر و تحمل همراه شود تا زمینه ی آماده سازی و تکامل روح گردد. البته نباید فراموش کرد که این نوع عشق، با همه ی فوایدی که در شرایط خاص احیاناً به وجود می آورد، قابل توصیه نیست و از این نظر مانند مصیبت است که اگر بر کسی وارد شود و او با نیروی صبر و رضا با آن مقابله کند، مکمل و پاک کننده ی نفس است، اما مصیبت، قابل توصیه نبوده، نمی توان به این بهانه برای دیگران مصیبت ایجاد نمود. «راسل» در این جا سخن با ارزشی دارد و می گوید: رنج برای اشخاص واجد انرژی، چون وزنه ی گران بهایی است. کسی که خود را

کاملاً سعادت‌مند می‌بیند، جهدی برای سعادت بیش‌تر نمی‌کند، اما گمان نمی‌کند این امر بتواند بهانه‌ای باشد که دیگران را رنج‌دهیم تا به راه مفیدی قدم نهند. (۲۹) حال باید دید در میان این همه مدعیان عشق و دوستی، آیا عشقی عقیف و پاک و به دور از جاذبه‌ی جنسی پیدا می‌شود یا اولین چیزی که در عشق رایج یافت می‌شود، حیرت و شیفتگی از خط و خال است و بس. چه بسیار دختران و پسرانی که در دوران دوستی، تحت تأثیر جاذبه‌های ظاهری و آمال ذهنی، شیفته و واله طرف مقابل خود شدند، اما همین که در طول زندگی با خصوصیات اخلاقی هم، آشنا‌تر گردیدند و در سختی‌ها آزموده شدند، همه‌ی آن دوستی‌ها و محبت‌ها از میان رفته و اساس زندگی از هم پاشیده شده و یا زندگی‌شان تنها، معرکه‌ای برای تحمّل یک دیگر شده است. آیا عشق، امری ناپسند و مذموم است؟ جایگاه آن در عرفان اسلامی چیست؟ به نظر می‌رسد عشق عرفانی مساوی با محرومیت دنیایی و انزواطلبی است و «اگر عاشق خدا هم باشی، به او نمی‌رسی تا بمیری». (۳۰) در فرهنگ اسلامی، عشق و عاشقی امری ناپسند و مذموم نبوده، بلکه همان‌گونه که در آغاز بحث عشق ذکر شد - مایه‌ی نشاط و شادابی و تداوم زندگی است، اما در بستر مناسب خود. عشق حقیقی سرچشمه‌ی جوشان حیات است، نه این که مساوی با حرمان و هجران و انزواطلبی باشد. خواجه نصیر در این باره می‌گوید: عشق، به محبت شدید گویند و هر چه ادراک بالاتر باشد، عشق شدیدتر است و ادراک کامل، جز با وصول و رسیدن تام و کامل، حاصل نمی‌شود و عشق کامل جز با وصول کامل میسر نیست. پس عشق حقیقی، آن ابتهاج و شور و سروری است که از تصوّر حضور معشوق به انسان دست می‌دهد. (۳۱) عاشق کسی است که دل را از هر چه غیر اوست، خالی نموده، آن را حرم امن حضرت دوست قرار دهد. (۳۲) عارف عاشق در عین برخورداری از نعمت‌های دنیا، دلبسته‌ی آن‌ها نشده، تنها هدف او جلب رضایت الهی و وصول به مقام قرب اوست. رسیدن به این مراحل، در همین دنیا ممکن و شدنی است و عارف واصل با رسیدن به مقام قرب حق، همیشه احساس حضور نموده، به آرامش و خوش‌بختی واقعی دست می‌یابد، و عارفان راستین و علمای بزرگ شاهی صادق بر این مدعایند. بنابراین، پاک نمودن جامعه از هوی و هوس و دوری‌گزیدن از کویر تشنه‌ی شهوات اشباع‌نشده و دریا صفت، مجال و امکان ایجاد رابطه‌ی دل‌انگیز و معنوی را ایجاد می‌نماید، تنها انسان است که استعداد عشق ورزیدن را دارد و می‌تواند رابطه‌ی جنسی را به رابطه‌ی روحی و معنوی تبدیل نموده، وابستگی را از حدّ تأمین نیاز جسمی، به مرتبه‌ی وابستگی روحی و روانی ارتقا دهد و همان عشقی را تولید کند که مایه‌ی هنر و حماسه و ادب و فرهنگ بشری بوده است، همان عشقی که در زبان حکمای اسلامی، به عشق مثالی و عشق عقیف و به قول دانشمندان غربی، رماتیک و عشق افلاطونی و عشق معنوی خوانده شده است: ... این حقیقت است که هر چه موجود انسانی از حالت اولیه‌ی حیوانی خود دورتر می‌شود، عشق او روحانی‌تر می‌شود. (۳۳) ۲. آرامش روانی و کاهش التهاب‌ها بگذارید دختران در مدارس، آماده‌ی زندگی، عشق و ازدواج شوند، از تحمیل‌ها دست بردارید، یک مشت دختر افسرده و پسر عقده‌ای تحویل ندهید، این نسل را خراب نکنید و رابطه‌ی دختر و پسر را نابود نکنید. (۳۴) با توجه به قدرت و دامنه‌ی نفوذ عاطفی زن و مرد بر یک‌دیگر و نقش حسّاس آن دو در تأمین نیاز طبیعی و غریزی، در می‌یابیم که تأثیر‌پذیری آن دو، چنان شدید و وسیع است که گاهی مجرای صحیح عقل و خرد را به انحراف می‌کشاند، به ویژه زمانی که آتش شهوت شعله‌ور گردد. این تأثیر شگرف در زن، جلوه‌گری خاصی دارد و بر عواطف و احساس مرد بسیار نافذ است، تا بدان جا که ناخواسته آنان را در جهت امیال عاطفه‌آمیز و هوس‌آلود سوق می‌دهد. حال اگر در سطح جامعه و کوچه و خیابان، جاذبه‌های جنسی رواج یابد و دختر و پسر روابطی آزاد و مستمر داشته باشند، جلوه‌گری‌های ذاتی و طبیعی موجود در برخورد و رفتار و حالات دختران، موجب جلب توجه پسران و مردان شده، انحراف اذهان و آشفتگی فکر و دل آن‌ها را در پی دارد. در این میان دختران ضربه‌پذیرتر بوده، دائماً به فکر جلوه‌گری و دلبری‌اند و پسران نیز در آن دام گرفتار می‌گردند و به قول خانم دکتر «سعداوی»: چه بسیار دخترانی که به سبب شوق و دست‌یابی به نشانه‌های مقبول زیبایی و زنانگی به اختلال‌های روانی دچار می‌شوند. گمان و تصوّر چنین دخترانی آن است که زندگی و آینده‌ی آن‌ها به اندازه‌ی بینی و یا

خمیدگی مژه‌های آنان بستگی دارد، تا آن جا که حتی یک میلی متر کوتاهی طول مژه نیز می‌تواند به یک مسئله‌ی جدی و بحرانی در زندگی تبدیل شود (۳۵). «ویل دورانت» گوید: زنی که عاشق شد و معشوق خود را از دست داد، ممکن است این گم شده برایش جبران ناپذیر باشد. او روح خود را به تصویر خاصی پیوسته است و هر جا برود خطراتش او را دنبال خواهند کرد. (۳۶) و در این میان، خسارتهای جبران ناپذیری بر روح و روان او وارد می‌شود و بدون تردید، روابط کنترل شده و ضابطه مند، این التهاب‌ها را کاهش می‌دهد و دختر و پسر با آرامش و اطمینان خاطر بیش تری به دنبال تحصیلات و اهداف بلند زندگی خویش گام برمی‌دارند. اما نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی در معاشرت‌های بی بند و بار، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی می‌بخشد و تقاضای سکس را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی در می‌آورد. غریزه‌ی جنسی، غریزه‌ی ای نیرومند و عمیق و دریا صفت است و هر چه بیش تر اطاعت شود، سرکش تر می‌گردد؛ هم چون آتشی که هر چه به آن بیش تر خوراک بدهند شعله‌ورتر می‌شود. (۳۷) در گذشته پادشاهان بسیاری حرم سراهای گسترده داشتند؛ اما هیچ گاه حس تصرف و تملک زیبارویان در وجود آنان اشباع نشد. در دوران جدید، به برکت فرهنگ غرب، برای کسی که یک صد هزارم آن‌ها امکانات داشته باشد، میسر است که به اندازه‌ی آن‌ها از جنس زن بهره‌کشی کند. در نتیجه، روح بشر فوق العاده تحریک پذیر است و اشتباه است که گمان کنیم تحریک پذیری روح بشر محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می‌گیرد. هیچ مردی از تصاحب زیبارویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالاخره هیچ دلی از هوس سیر نمی‌شود. و از طرفی تقاضای نامحدود، خواه ناخواه انجام ناشدنی و همیشه مقرون به نوعی احساس محرومیت و دست نیافتن به آرزوها است و به نوبه‌ی خود منجر به اختلالات روحی و بیماریهای روانی می‌گردد که امروزه در دنیای غرب بسیار به چشم می‌خورد. (۳۸) نکته‌ی دیگر آن‌که، اگر در کوچه و خیابان، دلبری مرسوم گردد و جلوه‌گری، هنر دختران محسوب شود و در روابط دختر و پسر تجاذب و دل بندگی به میان آید، دخترانی که از زیبایی لازم برخوردار نیستند، در فشار و استرس بسیار قرار می‌گیرند و همیشه احساس کمبود و حقارت می‌نمایند. اگر این گونه روابط، سبب افزایش التهاب‌ها و خدشه دار شدن بهداشت روانی می‌شود، پس چگونه با این کلام علما سازگار است که می‌گویند: «انسان نسبت به هر چیزی که منع شود، حریص تر می‌گردد.» باید روشن شود که این منع و محدودیت، چه لزومی دارد و یا اگر لازم است تکلیف حرص و حساسیت کاذبی که ایجاد می‌شود چیست؟ (۳۹) در ابتدا باید گفت، اگر بخواهیم بر طبق برداشت پرسش کننده عمل کنیم، باید همه‌ی قوانین محدود کننده، اعم از قوانین مذهبی و اجتماعی و قوانین رایج کشوری را برداریم؛ زیرا هر قانونی نوعی محدودیت و حساسیت ایجاد می‌کند و شخص را نسبت به آن چه منع شده؛ حریص تر می‌سازد. به نظر می‌رسد که با اندک مراجعه به عقل و خرد نمی‌توان به این نظریه ملتزم شد؛ زیرا نتیجه‌ی آن، چیزی جز از بین رفتن نظام اجتماعی و زندگی فردی نیست. در زمینه‌ی مسائل اخلاقی و رفتار جنسی نیز برداشتن مرزهای دینی و خانوادگی چیزی جز فساد و فحشا به ارمغان نمی‌آورد. در میان سردمداران این نظریه، در قرون اخیر به «زیگموند فروید» و «برتراند راسل» بر می‌خوریم؛ راسل معتقد است: اثر معمولی تحریم عبارت است از یک حس کنج کاوی عمومی (۴۰) و فروید قائل است که: ناکامی‌ها به طور عام، معلول قیود اجتماعی است؛ چرا که سرکوب غرایز موجب اختلالات روانی و بیماری‌های روحی می‌گردد. (۴۱) در نقد این دو نظریه، به پاسخ استاد شهید «مرتضی مطهری» اشاره می‌کنیم: درست است که ناکامی‌ها، به خصوص ناکامی‌های جنسی، عوارض وخیم و ناگواری دارد و مبارزه با اقتضای غرایز در حدودی که مورد نیاز طبیعت است غلط است؛ ولی برداشتن قیود اجتماعی، حلال مشکلات نیست؛ بلکه بر آن می‌افزاید. در مورد غریزه‌ی جنسی و برخی غرایز دیگر، برداشتن قیود، عشق واقعی را می‌میراند و طبیعت را هرزه و بی بند و بار می‌کند. اتفاقاً در این موارد، هر چه عرضه بیش تر گردد، هوس و میل به تنوع افزایش می‌یابد و به گفته‌ی خود راسل (در کتاب زناشویی و اخلاق)، عطش روحی در مسائل جنسی غیر از حرارت است؛ آن چه با ارضا تسکین می‌یابد حرارت جسمی است نه عطش روحی. آزادی در مسائل جنسی، موجب شعله‌ور شدن شهوات به

صورت حرص و آز می‌گردد و این همان هوس است که ارضا شدنی نیست و سیری ناپذیر است و اشباع آن از راه فراوانی و آزاد گذاشتن، غیر ممکن است و درست مثل آن است که بخواهند آتش را با هیزم سیر کنند. اشتباه امثال فروید و راسل در آن است که پنداشته اند تنها راه رام کردن غرایز (از جمله غرایز جنسی)، ارضا و اشباع بی‌حد و حصر آن‌ها از طریق آزادی مطلق است؛ آن‌ها هم به این معنا که به مرد و زن اجازه‌ی هرگونه جلوه‌گری، معاشرت و تماس داده شود، بدون توجه به این نکته، چنین آزادی مطلقى و رها کردن آن‌ها و تسلیم شدن و در معرض تحریکات و تهییجات در آوردن، آن‌ها را دیوانه می‌سازد و چون امکان برآورده شدن کامل و تمام خواسته‌ها و انتظارات فردی هر شخص وجود ندارد، در نتیجه این غرایز با وضعی بسیار بدتر سرکوب می‌شوند و تولید عقده‌های روانی می‌کنند. (۴۲) پس گرچه برخی از ممنوعیت‌های جنسی، در روابط اجتماعی زن و مرد ممکن است عوارض روانی و رفتاری ایجاد کند، اما برداشتن ممنوعیت‌های قانونی و مشروع و دادن آزادی بی‌حد و مرز، عوارض بسیار خطرناک‌تر از آن تولید می‌کند و در این باره بهترین شاهد مثال، اوضاع و خیم و ناهنجار جوامع غربی و غرب زده است. آیا در جوامع غربی با برداشتن پرده‌ی شرم و حیا از مسائل جنسی و دادن آزادی‌های بی‌حد و مرز توانسته‌اند این مشکلات را حل کنند؟ سال‌هاست که مغرب‌زمین چه در تصویر و فیلم و مجله‌های مبتذل و چه در لباس، روز به روز اعضای محرک‌گریزه‌ی جنسی را آشکارتر ساخته است؛ اما می‌بینیم برخلاف این فرضیه، روز به روز آتش این‌گریزه برافروخته‌تر شده است. گریزه‌ی جنسی از این نظر تا حدودی شبیه به اعتیاد است. ممکن است کسی تصور کند علت اشتیاق معتادان به موادی مثل تریاک و هرویین این است که این مواد نایاب است و به مقدار بسیار کم در دسترس معتادان قرار می‌گیرد؛ بنابراین برای ریشه‌کن کردن اعتیاد باید هرویین را به مقدار زیاد در دسترس معتادان قرار داد. این فرضیه به ظاهر عاقلانه به نظر می‌رسد، اما در عمل نتیجه‌اش اعتیاد و وابستگی بیش‌تر معتاد به مواد مصرفی و افزایش مقدار موادی است که در هر روز مصرف می‌کند و آن قدر هر روزه بر مقدار آن می‌افزاید که جان او در معرض نابودی قرار می‌گیرد. پس تنها محدودیت‌ها نیست که بر حرص و ولع انسان می‌افزاید؛ بلکه دعوت‌ها و تحریک‌ها و عرضه‌شدن‌ها هم، بر میزان عطش نفسانی و شعله‌ور ساختن آتش هوی و هوس می‌افزاید. و اگر فرض کنیم حرف این مدعیان درست بوده، تنها راه حل این حساسیت، آزادی مطلق روابط دختر و پسر است و باید همه‌ی مرزها را از میان برداشت، در چنین فضایی، مسئله‌ی جنسی یکی از دغدغه‌های اصلی انسان می‌شود و بسیاری از توان و نیروی او را به خود اختصاص می‌دهد و او را از مسیر اصلی زندگی باز می‌دارد و بزرگترین مشکل همین است که آدمی در زندگی برای حل مسئله‌ی جنسیت، همه‌ی حقایق دیگر عالم و همه‌ی وظایف و اهداف خویش را فراموش کند تا مشکل‌گریزه‌ی جنسی را حل نماید. ما انسان را بزرگ‌تر از آن می‌دانیم که غمی جز مسئله‌ی تن و جنسیت خود نداشته باشد. این نوع راه حل دقیقاً انحطاط انسان است. کدام مسئله برای انسان بزرگ‌تر و مهم‌تر از این است که انسان به غیر از گریزه‌ی جنسی مسئله‌ی دیگری نداشته باشد؟ خواه آن را حل کرده و خواه حل نکرده باشد؟ چرا باید چنین بهای گزافی برای حل این مسئله پردازیم؟ (۴۳) ۳. استواری اجتماع دلیل دیگری که قائلین به روابط آزاد به آن تمسک می‌جویند، بحث رشد و تعالی جامعه در سایه‌ی روابط آزاد است تا دغدغه‌های ذهنی جوانان رفع شده، امکان پیشرفت برای زنان میسر گردد. به عنوان مثال گفته می‌شود: دختر و پسر به دوستانی از جنس مخالف احتیاج دارند و جدا کردن آنان از یک‌دیگر اثرات نامطلوبی بر فرد و جامعه دارد و امکان پیشرفت را کم می‌کند. (۴۴) خانم «مهرانگیز کار» در گفت‌وگویی بیان داشته است: پیش از انقلاب جاذبه‌ی فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی برای زنان بیش‌تر بود، ولی بعد از انقلاب برنامه‌ی جداسازی زن و مرد و تأکید بر نقش خانگی زنان، اعتماد به نفس زنان را از آن‌ها گرفت. (۴۵) اما با توجه به اهمیت حفظ و سلامت جامعه و استواری اجتماع، به صراحت می‌توان گفت: اگر بهره‌مندی‌ها و تحریک‌های جنسی از محیط خانه به بیرون کشیده شود و به جای آن که جوانان در محل درس و شغل خویش به کارهای مربوط به آن پردازند، متوجه یک‌دیگر شوند، وقت بسیاری تلف شده، فرصت جوانی و نشاط و شادابی روحی آنان به هدر می‌رود. ترویج روابط آزاد جنسی موجب فلج کردن

نیروی اجتماع است (۴۶) و جهان امروز، به نام آزادی زن و و به عبارت صریح تر، «آزادی روابط جنسی» روح جوانان را سخت فاسد کرده است و به جای این که این آزادی به شکفتن استعدادها کمک کند، به گونه ای متفاوت با قدیم، نیروها و استعدادهای انسانی را هدر داده است و می دهد. زن از کنج خانه بیرون آمده، اما به کجا رو آورده است؟ به سینماها، کنار دریاها، حاشیه ی خیابان ها، مجالس شب نشینی! زن امروزی به نام آزادی خانه را خراب کرده است، بدون این که مدرسه یا جای دیگری را آباد کرده باشد. (۴۷) مرحوم جلال آل احمد در کتاب غرب زدگی می گوید: از واجبات غرب زدگی، آزادی دادن به زنان است ... و از آن، تنها اجازه ی تظاهر و خود نمایی دادیم یعنی زن را که حافظ سنت و خانواده و نسل و خون است به ولنگاری کشیده ایم؛ به کوچه آورده ایم؛ به خود نمایی و بی بند و باری وا داشته ایم که سر و روی را صفا بدهد و هر روز ریخت یک مُید تازه را به خود ببندد و ول بگردد. ... ما در کار آزادی صوری زن، سال های سال پس از این هیچ هدفی و غرضی جز افزودن به خیل مصرف کنندگان پودر و ماتیک محصول صنایع غرب نداریم. (۴۸) اسلام با حضور مفید زن در اجتماع موافق است تا با حفظ شؤن و شخصیت، به عنوان یک انسان دارای تفکر، همچون مردان در عرصه هایی که مطابق با روحيات و استعدادهای اوست فعالیت نماید؛ نه مانند یک کالای تجاری که حتی حضور او در جامعه و اداره ها و فروشگاه ها تنها به منظور استفاده از ابزار جنسی و تحریک شهوانی باشد. در این باره مرحوم دکتر «شریعتی» می گوید: سرمایه داری زن را چنان ساخت که به دو کار بیاید: یکی این که جامعه هنگام فراغت، به سرنوشت اجتماع، به استثمار، به آینده ی خشک و پوچ و بی هدفی که بورژوازی برای او ساخته است نیندیشد و نپرسد چرا کار می کنم؟ و چرا زندگی می کنم؟ از طرفی که و برای چه کسی این همه رنج می برم؟ زن به عنوان ابزار سرگرمی و به عنوان تنها موجودی که جنسیت و سکسوالیته دارد به کار گرفته شده تا نگذارد کارگر و کارمند و روشن فکر در لحظات فراغت به اندیشه های ضد طبقاتی و سرمایه داری پردازد. ... و (هنر نیز بر اساس سفارش سرمایه داری) زیبایی و روح و احساس و عشق را به سکس تبدیل کرد و فرویدیسیم بازاری و سکس پرستی بسیار پست مبتذل را به عنوان فلسفه ی علمی و زیربنای انسان و ... واقعیت گرایی در آورد. ... و دیگر این که زن را فقط به عنوان موجودی که سکسوالیته (جنسیت) دارد، در تبلیغ کالا به کار گرفت ... این چنین بود که (در غرب) زن که دارای مقامی بسیار بزرگ و متعالی از نظر الهام و احساس و هنر بود، به شکل ابزاری در آمد برای استخدام در هدف های اقتصادی و اجتماعی و تغییر تیپ جامعه و نابود کردن ارزش های متعالی و اخلاقی و تبدیل کردن یک جامعه ی سنتی، یا معنوی و اخلاقی و یا مذهبی، به جامعه ی مصرفی و پوچ. (۴۹) اروپا می خواهد جامعه ی شرق را تغییر بدهد که هم مس و تاسمان (سرمایه) را غارت کند و هم بر اندیشه و احساسمان سوار شود ... و هم شعور و شناخت و اصالت اراده و ارزش های انسانی مان را نابود کند. پس باید قبلا از خود تخلیه شویم و همه ی ارزش های انسانی را فراموش کنیم و همه سنت هایی را که ما را بر پاهای خودمان نگاه می داشت، از دست بدهیم. در خود بشکنیم و خالی از ذهنیت، با روحی عاجز و فلج و بی محتوا به صورت ظرف هایی خالی در بیاییم؛ به صورت مَشکی خالی و تشنه و نیازمند فرمان استعمار که هر چه می خواهد به درونش بریزد و به هر ترتیب که اراده کند، به غارتش پردازد. (۵۰) در جوامعی که روابط آزاد و التهاب های جنسی حاکم است، دست های استعمارگر با استفاده از صفات روحی و شخصیتی زن که میل به خودنمایی و محبوبیت و جلوه گری دارد، او را به کالایی برای کام جویی بیش تر مردان و تبلیغ محصولات تجاری تبدیل نموده است که در این میان بیش ترین خسارت را زنان می بینند و علی رغم هیاهوی بسیار غرب، بیش تر زنان از دست یابی به پُست ها و مسئولیت های حساس محرومند. اسلام نه تنها با محدودیت، زن را به رکود علمی و اقتصادی و شخصیتی نکشانیده، بلکه در صدد آن است تا با تعدیل روابط، حضور زن را هر چه مفیدتر نماید و از جنبه های منفی آن بکاهد و به او کرامت و شخصیت و احترام بخشد. آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماع است، آلوده کردن محیط کار به لذت جویی های شهوانی است. (۵۱) در جامعه ای که دختران آن با جلوه گری و آرایش و اصرار بر جلب توجه مردان حضور یابند، از دقت و سرعت و تمرکز آنان کاسته شده، اثرهای نامطلوبی بر فرد و

جامعه ایجاد می‌شود. هر چه روابط دختر و پسر ضابطه مندتر شود و جامعه از تحریکات شهوانی و جلوه‌گری‌های جنسی دور گردد، اجتماع سالم‌تر و پاک‌تر خواهد شد و افراد جامعه بهتر به کار خود رسیدگی کرده، جوانان در محیط کار و درس و دانشگاه راحت‌تر خواهند بود. در جوامع غربی نیز اگر در کنار صنعت و فن آوری و نظم کاری، مسائل جنسی تحت کنترل درآید و از تهییج و تحریک آن جلوگیری شود، به پیشرفت‌ها و موفقیت‌های بیش‌تری خواهند رسید. حال آیا به راستی روابط آزاد و گسترش اختلاط، سبب پیشرفت جامعه است و تعدیل و ضابطه‌مندی روابط، سبب عقب‌افتادگی و به هدر رفتن نیروی مفید اجتماع است؟! ۴. استحکام پیوند خانوادگی در گفت و گو با یکی از روان‌پزشکان آمده است: لازمه‌ی دوام و استحکام زندگی، عشق است و عشق جز با آموزش و تجربه‌های متعدّد و ایجاد روابط حاصل نمی‌شود. لذا دختر و پسر باید قبل از ازدواج تمرین عشق کنند تا بتوانند زندگی سرشار از عشق را تدارک ببینند. (۵۲) بدون تردید در همه‌ی مرام‌های اجتماعی جهان، این نتیجه حاصل شده است که خانواده باید محفوظ و محترم بماند و زن و مرد باید دل بسته و وفادار به یکدیگر باشند تا آشیان دلپذیری برای فرزندان خویش بنا کرده، با تربیت آن‌ها آینده‌ی جامعه خویش را ترسیم کنند. در نتیجه رشد و پویایی فرد و جامعه و فرهنگ، مبتنی بر استحکام کانون خانواده می‌باشد و بدیهی است، هر چیزی که سبب تحکیم پیوند خانوادگی و ایجاد صمیمیت و یک‌دلی زن و شوهر گردد، خوب و پسندیده بوده، هر آنچه باعث سستی روابط آن‌ها و موجب دل‌سردی شود، به حال زندگی خانوادگی زیانمند است. روابط آزادانه‌ی دختر و پسر پیش از ازدواج، جدای از آن که موجب ایجاد عشق حقیقی و پاک نمی‌شود، خود خیانتی به عشق مقدّس است که سبب تنوّع طلبی گردیده و انتخاب همسر به ویژه در پسران را مشکل می‌سازد. «ویل دورانت» در این باره می‌گوید: ... مرد، نگران و مضطرب است که مبادا کسی پیش از او زنش را تصرف کرده باشد، ولی این نگرانی و اضطراب در زن کم‌تر است. (۵۳) پسری که قبل از ازدواج با افراد زیادی ارتباط داشته است، به هنگام ازدواج، به هر دختری که نظر کند، می‌پندارد او نیز با پسرهای متعدّدی ارتباط داشته و پاک و عقیف نیست. حال اگر جوانی با تجربه‌های قبل از ازدواج بخواهد کانون عشقی برپا کند و خانواده‌ای تشکیل دهد، اولین مشکل، بعد از رهایی از ناکامی گذشته و بدنامی، آرامش روانی بر باد رفته و دل‌گمشده‌ی اوست. از کجا معلوم بتواند از همه‌ی لذت‌ها و زیبایی‌ها چشم بسته، به همسر خویش چشم امید داشته باشد و دل از هر چه غیر اوست رها سازد و دل‌باخته‌اش گردد. چگونه می‌تواند آثار ناکامی گذشته را محو کند و محدودیت آینده را پذیرا باشد و حرمت چشم و دل را در زندگی زناشویی محترم دارد؟ چنین فردی در زندگی زناشویی و رضای کامل جنسی مشکل دارد و در تشویش و اضطرابی خسته‌کننده به سر می‌برد و به قول «ویل دورانت»: فساد پس از ازدواج، بیش‌تر محصول عادات پیش از ازدواج است... (که) در زیر عوامل سطحی طلاق، نفرت از بچه‌داری و میل به تنوّع طلبی، نهان است. میل به تنوّع گرچه از همان آغاز در بشر بوده است، ولی امروزه به سبب اصالت فرد در زندگی نو و تعدّد محرکات جنسی در شهرها و تجاری شدن لذت جنسی، ده برابر گشته است. (۵۴) در جامعه‌ای که روابط آزاد و اختلاط، رایج بوده و جلوه‌گری‌ها و فرهنگ برهنگی و بدحجابی حاکم باشد زن و مرد به هر سوی و هر کس نگاه کنند، همواره در زندگی در حال مقایسه‌اند. مقایسه‌ای میان آنچه دارند و آنچه ندارند و این مقایسه‌ها هوس را دامن می‌زند و خانواده را در معرض نابودی قرار می‌دهد. زنی که سال‌ها در کنار شوهر و در مشکلات با او زندگی کرده، پیداست اندک‌اندک بهار چهره‌اش، شکفتگی خود را از دست می‌دهد و روی در خزان می‌گذارد و در چنین حالی است که سخت محتاج عشق و مهربانی و وفاداری همسر خویش است. ناگهان زن جوان‌تری از راه می‌رسد و در کوچه و بازار و اداره و مدرسه با پوشش نامناسب خود، فرصت مقایسه‌ای به دست می‌دهد و این مقدمه‌ای می‌شود برای ویرانی اساس خانواده. (۵۵) و هر دختر جوانی که امروزه در اوج نشاط و شادابی جسمی، مغرور از دلبری‌ها و جلوه‌گری‌هاست، باید بداند که در فردایی نه چندان دور، همین سرنوشت برایش رقم خواهد خورد. پس یکی از مهم‌ترین ارکان زندگی، عشق و محبت و وفاداری است و زن و شوهر زمانی به این هدف می‌رسند که بتوانند از غیر همسر خود چشم پوشیده، از

هر نوع کامیابی جنسی در غیر از کانون خانواده پرهیز کنند... اختصاص یافتن استماعات و التذاذهای جنسی به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج مشروع، پیوند زن و شوهری را محکم می‌سازد و موجب اتصال بیش تر زوجین به یک دیگر می‌شود. فلسفه ی پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی، این است که همسر قانونی شخص از لحاظ روانی عامل خوش بخت کردن او به شمار برود؛ در حالی که در سیستم آزاد کامیابی، همسر قانونی از لحاظ روانی، یک رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می‌رود و در نتیجه کانون خانوادگی بر اساس دشمنی و نفرت پایه گذاری می‌شود. معاشرت های آزاد و بی بندوبار پسران و دختران، ازدواج را به صورت یک وظیفه و تکلیف و محدودیت در آورده است، و تفاوت جامعه ای که روابط جنسی را به محیط خانوادگی و کادر ازدواج قانونی محدود می‌کند با اجتماعی که روابط در آن اجازه داده می‌شود این است که ازدواج در اجتماع اول، پایان انتظار و محرومیت و در اجتماع دوم، آغاز محرومیت و محدودیت است. در سیستم روابط آزاد جنسی، پیمان ازدواج، به دوران آزادی دختر و پسر خاتمه می‌دهد و آن‌ها را ملزم می‌سازد که به یک دیگر وفادار باشند و در سیستم اسلامی به محرومیت و انتظار آنان پایان می‌بخشد. (۵۶) «ویل دورانت» در بیان نقش اساسی خانواده می‌گوید: وظیفه ی خانواده، به عنوان مرکز اخلاقی جامعه و رابط و پیوند دهنده ی آن، ناشی از خاصیت ایجاد وحدت انسان است و همه می‌دانند که اکنون این خاصیت اصلی از میان خانواده رفته است و اجتماع های صنعتی عصر ما، در وضع ناپایداری هستند. (۵۷) جدای از مطالب گذشته، درباره ی آثار منفی ارتباط، (مانند: ایجاد شک و تردید، و سوءظن نسبت به همسر آینده، مشکل اضطراب و تنوع طلبی و خطر برگشت به عادات پیشین و لغزیدن در فساد) که همه موجب سست شدن پیوند خانوادگی می‌شود، خطر دیگری نیز این گونه افراد را تهدید می‌کند. دختر و پسری که به وادی ارتباط پا می‌گذارند، در بسیاری از موارد با اولین کسی که آشنا می‌شوند ازدواج نمی‌کنند و چه بسا با دختر و پسر متعددی ارتباط داشته اند اما به لحاظ مسائل سلیقه ای و فکری و شرایط خانوادگی، بعد از مدتی با یکی از آن‌ها و یا شخص دیگری ازدواج می‌نمایند. حال چنین جوانی انتظار دارد که زندگی او سرشار از عشق و محبت و وفاداری بوده، کانون گرم خانوادگی اش متزلزل نشود؛ اما همیشه دل نگران است که مبادا روابط گذشته آثار بدی در زندگی اش بگذارد و افشای آن، سبب بروز مشکلاتی گردد؛ به ویژه در بافت اجتماعی جامعه ی ما. این نگرانی و تشویش، اثرهای مخربی بر بهداشت روانی او می‌گذارد و چه بسا با فاش شدن روابط گذشته، زندگی اش نیز از هم می‌پاشد و یا مجبور به انجام کارهای خلاف دیگری می‌شود؛ به عنوان نمونه: دختر جوانی که به تازگی ازدواج کرده است، در نامه ای می‌نویسد: من با پسری قبل از ازدواج دوست بودم؛ اکنون که ازدواج کرده ام آن پسر مرا تهدید می‌کند که یا خواهر شوهرت را برای دوست شدن با من آماده کن و یا این که من مسائل مربوط به دوستی میان تو و خود را افشا خواهم کرد. (۵۸) از این نامه به خوبی روشن است که آرامش روانی و زندگی این دختر به خطر افتاده و مجبور است، برای نجات خود، دختر معصوم دیگری را به بهانه های مختلف بفریبد و به ارتباط با جوانی که تنها قصد سودجویی دارد، تشویق نماید و آینده اش را به خطر اندازد. نکته ی دیگری که قابل توجه است، وضعیت پسر تهدید کننده است که قبلاً با این دختر ارتباط داشته و با او ازدواج نکرده و اکنون خواهان ارتباط و سوء استفاده از دختر دیگری است. باید نشست و وعده های شیرین و سوزوگداز عاشقانه ی او (!) را گوش نمود که دل هر دختر خامی را می‌لرزاند. خانواده در غرب به روایت آمار کارشناسان غربی در این زمینه آمارهایی را تهیه کرده اند که نشان می‌دهد، امروزه ساختار خانواده در آن جوامع، با مشکلات متعددی دست به گریبان است. آمار بالای طلاق، هم جنس بازی، زندگی زوجین در چارچوب های خارج از دایره ی ازدواج، عدم وفاداری زوجین به یک دیگر، بی بندوباری فرزندان، سطح بالای حاملگی دختران نوجوان و بالا رفتن تعداد کودکان و نوجوانانی که در خانواده های بدون پدر یا مادر بزرگ می‌شوند و...، پایداری خانواده ها را در آن جوامع با خطر مواجه ساخته است. که همه ی این ها نتیجه ی «لیبرالیسم جنسی» و آزادی های بی حد و مرز در روابط با جنس مخالف است. دقیقاً نیمی از جوانان امریکا با روابط جنسی افراد متأهل با دیگران مخالفتی نداشته، وفاداری زوجین به یک دیگر را

امری بیهوده و بی مورد می‌پندارد. (۵۹) با چنین نگرش‌هایی مشخص است که ساختار خانواده در این کشور از استحکام لازم برخوردار نخواهد شد و ارزش بنیادی خود را در اجتماع از دست خواهد داد. در آماری آمده است: در نروژ، دانمارک و سوئد از هر ده زوج موجود، سه تا چهار زوج زندگی مشترک خارج از دایره‌ی ازدواج دارند. این میزان در سوئیس، فرانسه و انگلستان و هلند بین یک تا دو، و در ایتالیا، اسپانیا، ایرلند و سایر کشورهای کاتولیک (که مذهب نقش بیش‌تری دارد) کم‌تر است. در امریکا، تجربه‌ی زندگی مشترک خارج از ازدواج و روابط قبل آن، از یازده درصد در سال ۱۹۷۰ به پنجاه درصد در سال ۱۹۹۳ رسیده است. در کشورهای غربی، طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۸ تعداد نوزادان نامشروع که نتیجه‌ی روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج بودند، به شدت افزایش یافت. در سوئد از هفده درصد در سال ۱۹۷۰ به پنجاه و یک درصد در سال ۱۹۸۸ رسیده. و طی سال‌های دهه‌ی ۱۹۸۰ تقریباً پانزده درصد از نوزادان اروپایی به‌طور نامشروع به دنیا آمدند که میزان آن در کشورهای کاتولیک بسیار کم‌تر بوده است. (۶۰) در آمار دیگری که درباره‌ی درصد ازدواج و طلاق ثبت شده، آمده است: دوازده درصد از زنان سی و پنج تا سی و نه ساله در امریکا در سال ۱۹۹۱ ازدواج نکرده‌اند؛ در حالی که در سال ۱۹۸۰ تنها میزان آن شش و دو دهم درصد بوده که در طی ده سال تقریباً دو برابر شده است. (۶۱) بنابر آمارهایی که سازمان ملل متحد ارائه داده است، در سال ۱۹۹۱، امریکا بالاترین میزان طلاق را دارد و بیست و نه درصد از زوجین که تجربه‌ی ازدواج دوم را دارند کم‌تر از دو سال پس از ازدواج به طلاق روی می‌آورند، این میزان در طی ده سال به حدود پنجاه درصد می‌رسد. (۶۲) ... در سال ۱۹۶۰ تنها نه درصد خانواده‌ها تک‌والدینی بودند، اما از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰ از شانزده درصد به بیست و چهار درصد رسید. جالب این‌که از این میزان، تنها یک درصد مربوط به خانواده‌هایی است که پدر با فرزند و یا فرزندان خویش زندگی می‌کند و بیست و سه درصد باقیمانده را خانواده‌هایی تشکیل می‌دهند که شامل مادر و فرزندان می‌باشند. (۶۳) در چنین جوامعی سرنوشت بشر به کجا خواهد انجامید؟ چه بر سر خانواده، مهر پدری و عطف مادری خواهد آمد؟ چه کسانی پاسخ‌گوی فرزندان نامشروع و بی‌پناهند؟ به راستی عامل این همه فساد و فحشا، سقط جنین، خانواده‌های بی‌سرپرست و زنان مضطرب و بی‌پناه چیست؟ یکی از مطالبی که بسیار بر روی آن تأکید شده است، و از دلایل و بهانه‌های ایجاد رابطه، بیان می‌شود شناخت قبل از ازدواج است که اگر میان دختر و پسر رابطه‌ای نباشد و طرفین از هم شناختی نداشته باشند، ازدواج آن‌ها کورکورانه خواهد بود. (۶۴) بدون تردید زوج‌های جوان باید با دیدی باز و آشنایی کامل از استعدادها و خصوصیات اخلاقی و فرهنگی یک‌دیگر، زندگی مشترک خود را آغاز نمایند تا در فراز و نشیب زندگی، با همراهی و همدلی مشکلات را پشت سر بگذارند. در اسلام نیز هم سطح بودن زوجین مورد تأکید قرار گرفته است. اما نکته‌ی اصلی در این است که آیا ارتباط و دوستی قبل از ازدواج، شناخت کامل را تأمین می‌کند؟ در آغاز باید به این نکته توجه نمود که چه شناختی تفاهم و درک متقابل را به همراه خواهد داشت و یک‌رنگی و یک‌دلی لازم را در زندگی به وجود خواهد آورد. واضح است زمانی شناخت کامل و دقیق به دست می‌آید که با عقل و خرد، فرد مقابل را از جهات مختلف مورد ارزیابی قرار دهیم. در ضمن باید تلاش‌های شناختی خویش را به گونه‌ای تحت کنترل در آوریم که از کج روی در اندیشه مصون بمانیم و در نتیجه، به شناخت یا بازشناسی صحیح از یک‌دیگر راه یابیم. سه عامل سبب شناخت صحیح و حفظ از اشتباه است: ۱. ارزشیابی کفایت ادله و شواهد: فرد دلایلی را که برای دست یافتن به نتیجه تدارک دیده است، ارزیابی می‌کند و آن‌ها را از جهت کفایت مورد بازبینی قرار می‌دهد (عقل‌ورزی). ۲. برخورداری از علم: هر کس از علم بیش‌تری برخوردار باشد، در مقام شناخت، امکان بیش‌تری برای عقلورزی خواهد داشت. احاطه‌ی علمی و برخورداری از اطلاعات گسترده، این امکان را برای فرد فراهم می‌آورد که مواد بیش‌تری برای ترکیب و مقایسه‌ی مطالب در اختیار داشته باشد و از این رو، به شناخت عمیق‌تر و بازشناسی دقیق‌تری دست می‌یابد و از نتیجه‌گیری خام دور می‌شود. ۳. کنترل حب و بغض: عقلورزی مستلزم آن است که از دخالت‌های انحراف‌آفرین حب و بغض جلوگیری شود؛ زیرا همان‌طور که دوستی مانع از بازشناسی ضعیف‌هاست، دشمنی مانع

از دیدن قوت هاست. هنگامی که دو پای حبّ و بغض در بند عقل گرفتار آید، آدمی می‌تواند از کج روی در شناخت و بازشناسی در امان بماند. (۶۵) حال، بسی روشن است که دوستی‌های خیابانی و تلفنی و روابط میان دختر و پسر، از آن جا که زیبایی و جذّابیت جسمانی و تشابه ظاهری در آن نقش پررنگی دارد و افراد در آن مقطع در هاله‌ای از احساسات و عواطف غوطهورند و در پی فردی هستند که با ساخته‌های ذهنی‌شان مطابق باشد، در ارکان شناخت ناتمام است و کوری حاصل از عشق و محبت بر آن حکومت می‌نماید. در این گونه روابط، چون احساسات و هیجانات و شور جوانی در حدّ بالایی قرار دارد، حسّ واقعیت آزمایی، ضعیف است و در مقابل، حالت‌های کام‌بخشانه، بسیار قوی هستند. دکتر... در مجله‌ی «ایران جوان» در ضمن گفت و گویی درباره‌ی روابط و عشق - علی‌رغم اصرار بر روابط آزاد - اذعان می‌دارد: در یک سری تحقیقات، به مردان مورد آزمایش گفتند که در این جا دو خطّ تلفن وجود دارد؛ یکی از آن‌ها با خانمی زیبا صحبت می‌کنید و در دیگری با خانمی زشت. هنگام صحبت با خانم زیبا آن‌ها فکر می‌کردند که او باهوش‌تر است و مثلاً معاشرتی هم هست و لذا خود این‌ها در صحبت با او معاشرتی می‌شدند و سعی می‌کردند جذّاب‌تر جلوه کنند؛ یعنی هر دو طرف، بهترین چیزهایشان را در ویتترین می‌گذارند و این ویتترین‌ها هستند که با هم صحبت می‌کنند. هنگامی که دست از پیش‌گویی کام‌بخشانه برداریم، انتظاراتمان هم متفاوت خواهد بود؛ یعنی هنگامی که با واقعیت‌ها روبه‌رو شویم، حس می‌کنیم معشوق، چهره‌اش عوض شده است. (۶۶) پس به اعتراف قائلین به روابط آزاد نیز این دوستی‌ها شناخت لازم برای زندگی را تأمین نمی‌کند و طرفین را از الزام‌های درونی نسبت به عشق، محبت، خانواده، احساس مسئولیت و مقدار ظرفیت‌های روانی و عاطفی یک‌دیگر با خبر نمی‌سازد؛ بلکه این آشنایی، سطحی و کاملاً عاطفی است و حرف‌هایی هم که در آن مقطع رد و بدل می‌شود به همین گونه است و در آن‌ها از اصول مؤثر در شناخت، خبری نیست. سرانجام آشنایی‌های تلفنی و ازدواج‌های خیابانی به حکایت آمارهای منتشر شده، این گونه ازدواج‌ها از استحکام کم‌تری برخوردارند و تعداد قابل‌توجهی از آن‌ها به طلاق کشیده می‌شوند. در این گونه روابط، طرفین، نقاط ضعف خود را می‌پوشانند و بیش‌تر سعی در جلب توجه دیگری دارند و نقش بازی می‌کنند. آن‌ها سعی دارند همان گونه باشند که طرف مقابل می‌پسندد! اگر سری به هفته‌نامه‌ها و مجلات خانوادگی بزنیم، صفحات هم‌راز و پزشک مشاور، مملو از غم‌نامه‌هایی است که دخترها و پسرها از دوستی‌ها و ازدواج‌های ناکام خود نوشته‌اند. بسیاری از ایشان، وقتی شور و اشتیاق اولیه‌شان فرونشست و با واقعیت‌های زندگی، بیش‌تر روبه‌رو شدند، با یک‌دیگر احساس نوعی بیگانگی و غرابت نموده، با عدم تفاهم در زندگی مشترک مواجه شده‌اند. بسیاری از ازدواج‌هایی که از روابط خیابانی، پارک و دانشگاه‌ها شروع شده‌اند، یا به سرانجام روشنی نرسیده، یا قبل از ازدواج رها شده و حاصلی جز بدنامی نداشته‌اند. عشق و علاقه‌هایی که از طریق آشنایی در خیابان و تماس تلفنی و ... حاصل می‌شود، به همان صورت که با شتاب ایجاد می‌شود، به سردی می‌گراید و خاموش می‌شود. دکتری جامعه‌شناس، دلیل ضعف چنین پیوندهایی را در بی‌پایه بودن عشق‌های زودگذر جست و جو می‌کند و می‌گوید: جوانانی که هم‌دیگر را در پارک‌ها و خیابان‌ها می‌یابند، یا از طریق تماس‌های تلفنی به هم دیگر علاقه‌مند می‌شوند، اصولاً مبنا و اساس علاقه‌مندی خود را بر همان نگاه‌های اولیه پایه‌گذاری می‌کنند و این عشق و علاقه وقتی ظاهری باشد، قاعدتاً بعد از مدّت زمانی به تحلیل می‌رود و نهایتاً خاموش می‌شود. لذا می‌بینیم که اغلب چنین ازدواج‌هایی حتی بعد از مدّت زمان کوتاهی (کم‌تر از یک سال) به طلاق می‌انجامد. (۶۷) جوانان شرکت‌کننده در مصاحبه‌ای درباره‌ی روابط دختر و پسر، علی‌رغم اصرار بر رفع محدودیت‌های موجود در جامعه و خانواده، در لابه‌لای سخن خود به این مفاسد اشاره نموده‌اند: پسری می‌گوید: من هیچ وقت امکان ندارد با دختری که دوست هستم، ازدواج کنم (و ازدواج طبق معمول و با همراهی خانواده پسندیده است) ... شما اگر معنای ازدواج را بدانید، آن وقت حسّاسیت مردهای ایرانی را می‌فهمید ... اگر دختری با چند تا پسر دوست بوده باشد، حاضر نیستیم با او ازدواج کنیم. دیگری می‌گوید: من اگر دختری داشته باشم نمی‌گذارم که با پسری ارتباط داشته باشد؛ چون این ارتباط بد جا

افتاده و اکثراً برای وقت تلف کردن است نه برای ازدواج. (۶۸) حال با توجه به این مسائل، اصرار بر روابط آزادانه ی دختر و پسر، چه ثمری می تواند به بار آورد؟ در جای دیگر از این مصاحبه، درباره ی مفاسدی که این نوع روابط به همراه دارد آمده است: به نظر من، اگر پس از ایجاد ارتباط، ازدواجی صورت گیرد، مشکل آفرین می شود؛ چون پسرهایی که (با دختری دوست می شوند، تا مشکلی در زندگی مشترک پیش می آید می گویند: آره، تو همان کسی بودی که با من دوست شدی.... (۶۹) در نتیجه، افراد طرفدار آزادی روابط نیز، به مفاسد و کج روی هایی که در آن یافت می شود، اذعان دارند. اسلام صحبت کردن زن و مرد و رسیدگی به کارهای روزمره ی زندگی را حرام نکرده است، بلکه در مواردی که دختر و پسر قصد ایجاد روابط را داشته باشند، برای آن ضوابطی نهاده و از بی بند و باری و فساد جلوگیری کرده است که در بخش های آینده بدان خواهیم پرداخت. در نتیجه به صرف ایجاد رابطه، شناخت لازم حاصل نمی شود؛ بلکه دقت بر بافت خانوادگی، فرهنگی، اقلیمی، شرایط محیطی که فرد در آن رشد یافته، میزان تحصیلات و شاخص هایی از این قبیل لازم است تا طرفین زمینه های تفاهم را دریابند. البته بعد از مطالعه و دقت در مطالب یاد شده، اگر شرایط مثبت بوده و دختر و پسر قصد ازدواج داشته باشند، می توانند برای اطمینان و ایجاد هماهنگی و همسانی بیش تر با نامزدی شرعی (عقد موقت) به خواست خود برسند که امروزه در بسیاری از مناطق ایران مرسوم شده است. بدین ترتیب، طرفین با راهیابی به مقصود از طریق مواجهه ی حسی و نظری (از راه صحیح و مورد پسند عرف و شرع) به شناخت کاملی از یک دیگر خواهند رسید. و اگر دختر و پسر، همسانی کامل نداشته و تعهد و گذشت و ایثار را اساس زندگی خود قرار ندهند و برای برآورده نمودن انتظارات طرف مقابل تلاش نمایند، ادعای عشق و عاشقی و دلدادگی های اولیه دوامی نداشته، سعادت و خوشی را در پی نخواهد داشت. «روژه موکی یلی» در کتاب روان شناسی زندگی زناشویی و کتاب عقده های روانی، آماری را در باره ی سرنوشت عشق های خیابانی آورده است: نود درصد افراد متأهل (در فرهنگ ما غربی ها) ازدواجشان پیامد عشقی بوده که نسبت به آن تردیدی نداشته اند و از این رقم نود و پنج و نیم درصد شوهران مورد پرسش، پس از گذشت سه سال از ازدواج خود، اظهار می دارند که در خانه احساس خوشوقتی نمی کنند و در همین شرایط نود و یک و نیم درصد زنان اظهار می دارند در خانه خوشوقت نیستند. (۷۰) جدا سازی دختر و پسر در جامعه و دانشگاه سبب بالا رفتن سن ازدواج می شود: ما الان دانشگاهی در کشورمان داریم که تمام کارکنان و استادان و دانشجویان از یک جنسند. یکی از مشکلات مدیران این دانشگاه این است که این دختران تا پایان تحصیلات، قادر نیستند ازدواج کنند. (۷۱) بدیهی است کاهش ازدواج، معضل بسیار خطرناکی است که آثار زیان باری بر فرد و جامعه می نهد. کاهش ازدواج و توسعه ی تجرد، قطع نظر از اثری که در بقای نسل بشر دارد، از نظر ایجاد یک نوع زندگی بدون احساس مسئولیت و قطع پیوندهای اجتماعی و بی تفاوتی در برابر رویدادهای اجتماعی - که از آثار قطعی زندگی افراد مجرد است - یک فاجعه ی بزرگ برای جوامع بشری محسوب می گردد و اگر انحرافات اخلاقی را که در این رهگذر دامن گیر بسیاری از افراد مجرد می شود، به آن بیفزاییم، اهمیت این مشکل اجتماعی، روشن تر خواهد شد. (۷۲) اکنون به بررسی یکی از عوامل اصلی این معضل اجتماعی می پردازیم: بدون تردید این وضعیت معلول یک یا دو عامل نیست؛ ولی نکته ی مورد نظر، کشف رابطه ی «اختلاط و توسعه ی روابط آزاد» با «ازدواج» است. با کمی تأمل در مطالبی که در صفحات پیشین ذکر شده است، در می یابیم که این آزادی ها سبب کاهش ازدواج می شود؛ زیرا سهولت ارتباط و بهره مندی آسان و رایگان سبب می شود که احساس نیاز درونی جوانان به جنس مخالف که خود زمینه ساز اصلی ازدواج است از مسیر صحیح منحرف شده، کام جویی های بدلی جای آن را بگیرد. در جامعه ای که پسر جوان به سادگی امکان ارتباط با دختری را داشته باشد و با کم ترین زحمت بتواند از جنس زن بهره مند شده، با او هم کلام و هم قدم شود و دوستی و عشق بازی نماید، دیگر چه لزومی دارد که خیلی زود خود را گرفتار ازدواج و محدودیت نماید و زیر بار مسئولیت سنگین تشکیل خانواده برود؛ آن هم با مشکلات و موانعی که امروزه بر سر راه آن است؛ در حالی که بدون قبول هیچ مسئولیتی، می تواند به افراد زیادی دسترسی داشته باشد. معاشرت های آزاد دختر و پسر،

ازدواج را به صورت یک وظیفه و تکلیف و محدودیت در آورده است. تفاوت جامعه ای که روابط جنسی را محدود و ضابطه مند می کند با اجتماعی که روابط آزاد را اجازه می دهد، در این است که: ۱. ازدواج در اجتماع اول، پایان انتظار و محرومیت و در اجتماع دوم، آغاز محرومیت و محدودیت است. در نظام روابط آزاد پیمان ازدواج به دوران آزادی دختر و پسر خاتمه می دهد و آن ها را وادار می کند که به هم وفادار باشند و در نظام ضابطه مند، به محرومیت و انتظار پایان می بخشد. ۲. در نظام روابط آزاد، پسران و دختران تا جایی که ممکن است از ازدواج و تشکیل خانواده سرباز می زنند و فقط هنگامی که نیروی جوانی و شور و نشاط آن ها رو به ضعف و سستی نهاد، برای فرار از احساس خستگی و دل زدگی و هراس زن از ورشکستگی و تنهایی، اقدام به ازدواج می کنند. (۷۳) در صفحات گذشته با وضعیت خانواده و ازدواج جوانان در اروپا و امریکا آشنا شدید، که در سایه ی اختلاط، به جای بالا-رفتن آمار ازدواج، آمار طلاق و مفاسد دیگر بالا رفته است. جوامع صنعتی با گسترش روابط آزاد، گرفتار معضلاتی در زمینه ی افزایش فساد و انحراف در اخلاق جنسی و تزلزل خانواده ها گردیده اند. در بسیاری از کشورهای غربی بیست تا سی و پنج درصد از زوج ها با این که با هم زندگی می کنند اما ازدواج رسمی ننموده اند و نیمی از جوانان امریکایی، روابط نامشروع را برای افراد متأهل جایز می شمارند و دوازده درصد از زنان سی و پنج تا سی و نه ساله ی امریکایی در سال ۱۹۹۱ ازدواج نکرده اند؛ در حالی که در سال ۱۹۸۰ میزان آن شش و دو دهم درصد بوده که در طی ده سال تقریباً دو برابر شده است. (۷۴) «ویل دورانت» آمار ازدواج و افزایش طلاق را - که ناشی از آزادی جنسی و گسترش روابط و تغییر اصول اخلاقی است - در دوران خود و قبل از آن نقل می کند و می گوید: در سال ۱۹۱۲ میانگین سن ازدواج در پاریس به سی رسیده بود و در انگلستان بیست و شش بود. احتمال می رود که در این هفده سال اخیر، این معدّل در انگلستان بالاتر رفته باشد و بقیه ی دنیای صنعتی متمدّن (!) نیز همین راه را پیموده باشند. ... این تأخیر ازدواج بیش تر در طبقات شهرنشین است ... و بسیاری از آن ها هرگز ازدواج نمی کنند. در سال ۱۹۱۱ از سی و شش میلیون نفر جمعیت انگلستان و ویلز یعنی از بیست میلیون نفر جوان، هفت میلیون تن خود را از قید ازدواج به کنار داشته بودند. روز به روز فرار مردان از ازدواج بیش تر می شود. هزاران زن آماده اند که امیال جنسی او را بر آورند. اگر داشتن فرزند رنج بار است، اگر به جای خانه در آپارتمان می توان زندگی کرد، ازدواج به جز ارضای میل جنسی (که آن هم آسان و فراوان یافت می شود) چه نفع دیگری دارد؟! ... وقتی جوان مجرّد مشکلات افراد متأهل را می بیند، تعجب می کند که چه امری موجب می شود که مردان چنین بردگی و رنجی را تحمل کنند ... پس از مراجعه به دخل و حساب خود، سعادت را در تنهایی می بینند. در همان شهری که موانعی سر راه ازدواج می گذارد برای تحریک غریزه ی جنسی و تسهیل ارضای آن، همه گونه وسایل را آماده می سازد. (۷۵) بنابراین عادی سازی روابط و بهره مندی آسان از جنس مخالف، سبب کاهش ازدواج می شود. اما در محیط سالم و پاک و به دور از محرّکات جنسی، جوانان برای پاسخ گویی به نیاز فطری و ندای طلبی که از عمق وجودشان بر می خیزد، راه صحیح را پیموده، و برای دستیابی به یک دیگر با پاکی و صیانت از روح و روان خود، به سوی ازدواج گام بر می دارند و با کمال افتخار مسئولیت آن را می پذیرند. نکته ی دیگر آن که پسران و دخترانی که به دانشگاه های مختلط راه نمی یابند، از ازدواج محروم نمی گردند و هم چنین سنّ ازدواج جوانانی که وارد محیط های علمی غیر مختلط، (همچون حوزه های علمیه) می شوند بالا-نرفته، بلکه برای پاسداری از حریم دل و ایمان در سنّ پایین تری به ازدواج روی می آورند. جدای از آن با صرف ادعای تأثیر اختلاط در پایین آوردن سنّ ازدواج، مشکلی حل نشده، بلکه باید با ارائه ی آمار واقعی و مستند به کارشناسی پرداخت. ۵. احساس نیاز به محبت و ابراز شخصیت یکی از دلایل پسران و دخترانی که خواهان روابط دوستانه هستند، هم سخن شدن با یک دیگر و احساس نیاز به رفیقی مهربان است. در نامه ای آمده است: دختری هستم بسیار غمگین؛ اگر ناراحتی خود را به مادرم بگویم، ناراحت می شود؛ بنابراین می خواهم پسری پیدا کنم و با او درد دل کنم. (۷۶) یکی از عواملی که نقش بسیاری در روی آوردن جوانان، به ویژه دختران، به ارتباط با جنس مخالف دارد، کشش درونی و نیاز شدید به محبت و

مهربانی است. کم نیستند دختران جوانی که با اولین نامه ی «فدایت شوم» جذب شده، دست پاچه می گردند و به نامه ها و نگاه های پسران پاسخ داده، خویشتن داری خود را از دست می دهند؛ اینان از کمبود محبت رنج می برند. دختر و پسری که در درون خانواده احساسات و عواطف آن ها ارضا نشود و به نیازشان به محبت و مهربانی توجه نشود و در جمع خانوادگی احساس غربت و تنهایی کنند، طعمه های آماده ای برای افراد فرصت طلب و سودجو می باشند و به راحتی به این وادی کشیده می شوند. اگر فضای خانواده ای از مهر و محبت و انس خالی بوده، خشکی و سردی و خشونت بر آن حاکم باشد و ضوابط اخلاقی و حدود اجتماعی، با بیانی روشن و منطقی برای افراد تبیین نشود، بدیهی است جوان آن خانواده، به دنبال راه فرار می گردد و دیگر به جوانب منفی آن توجه نمی کند؛ به ویژه جوانی که نیاز به ازدواج را در خود احساس کرده، اما همراهی و همدلی را در خانواده نمی بیند، با تنفّری که از جوّ حاکم احساس می کند، خواه ناخواه به سوی روابط پنهان کشیده می شود. اما روی سخن با جوانانی است که در این فضا گرفتارند؛ راستی چه باید کرد؟ آیا روی آوردن به دوستی های خیابانی و تلفنی راه حلّ درستی برای مشکل آنان است؟ چه بسیاریند دختران و پسرانی که در ابتدا بر اساس نیاز به محبت و برای جبران کمبودهای گذشته، در این وادی پانهادند و اندک اندک از درس و تحصیلات عالی باز ماندند و به مرور با پاسخ به تمایلات غریزی و لذایذ جنسی، اسباب بدنامی و تباهی خویش را فراهم آوردند که مشکلات و رنج های بعدی، صد بار از تنهایی اولیه سخت تر و شکننده تر است. این گونه افراد دچار آسیب های روانی و تربیتی و اجتماعی می شوند. دختری پانزده ساله در ضمن نامه ای می نویسد: «من دختری هستم که به علت کمبود محبت در خانواده، سال گذشته ناچار دست به خودکشی زدم (اما با کمک مادر و پزشکان) از مرگ نجات پیدا کردم ... مادرم در همه جا غرورم را می شکند، ولی برای خواهرم احترام زیادی قائل است؛ البته من در گذشته مرتکب اشتباه شده، با پسری دوست شدم که در همسایگی ما زندگی می کرد. به خدا نمی خواستم چنین کاری را انجام دهم، ولی بر اثر کمبود محبت و تحریک دوستان، مجبور به این کار شدم. مادرم از زمانی که به مسأله پی برده است، در هر کاری سرزنشم می کند. (۷۷) این نامه نمونه ای است از آسیبی که دختر به دلیل دوست شدن با پسر همسایه، در محیط خانه با آن رو به رو است. این آسیب نه تنها جایگاه او را در خانواده مورد تهدید قرار می دهد، بلکه احترام به خود و شرافت و کرامت نفسانی دختر را نیز با آسیب مواجه می سازد (هر چند این نوع برخورد خانواده ها نیز صحیح نیست)؛ و جدای از آن با اطلاع دیگران از این قضیه، در محله و نزد بستگان و دوستان نیز دچار مشکلات جدی می شود. دختر خانم هفده ساله ای می نویسد: من در زندگی شکست خورده ام و دیگر چاره ای جز خودکشی ندارم؛ چون دیگر حاضر نیستم بعد از این کار، مهر هیچ پسری را در دل جای دهم و همیشه در خود فرو رفته ام و از همه کس متنفرم؛ به هیچ یک از آن ها اطمینان ندارم؛ همه ی آن ها بی معنا هستند. در حالی که پسر عمه ام مرا بسیار دوست می داشت و من هم اوایل - قبل از آن که با آن آقا آشنا شوم - به پسر عمه ام علاقه ی زیادی داشتم، ولی او اصلاً خبر نداشت؛ چون غرورم به من اجازه نمی داد تا بفهمانم که به او علاقه مندم. ولی تحت تاثیر بعضی از دوستان ناباب با آن آقا آشنا شدم و عاقبت هم، چنان غرورم را شکست خورده یافتم که امروز چاره ای جز خودکشی برای خود نمی یابم. (۷۸) در آغاز نامه درباره ی چگونگی آشنایی خود با این پسر آورده است: من با تلفن با آن آقا آشنا شدم ... و ایشان پیوسته به من وعده ی ازدواج می داد. وقتی از او خواستم که برای خواستگاری بیاید، او گفت که خانواده ام با این کار موافقت نمی کنند؛ یعنی خانواده ی من اجازه ی وصلت با غریبه ها رانمی دهند. (۷۹) این نمونه ی دیگری است از افرادی که در ابتدا با غرور و خوشحالی و مستی و بدون در نظر گرفتن عواقب و جوانب آن، وارد این وادی خطرناک شده، اما بعد از مدتی حیثیت و شرافتشان آسیب می بیند و بانگاه و سخن مردم، مورد سرزنش و ملامت قرار می گیرند و سرانجام خود را در بن بست روحی دیده، قصد خودکشی می نمایند؛ و این حدّ نهایت عجز و بدبختی است. خودکشی، تنها فرار از واقعیت و تسلیم در برابر مشکلات است. بهترین راه مبارزه با مشکلات، ایجاد تحوّل در اعمال و رفتار است که به مرور، سبب تغییر دیدگاه دیگران می شود و همیشه به یاد داشته باشیم که گذشته ها را - هر چند با سختی - می توان

جبران نمود. عامل دیگری که سبب اقدام جوانان به برقراری روابط می شود، ابراز شخصیت و اثبات باعرضه بودن نزد دوستان ناباب است. در این میان، مسئله ی رقابت نوجوانان و به رخ کشیدن برای هم سالان، نقش عمده ای ایفا می کند. برخی از نوجوانان برای این که در جمع دوستان مورد تحسین قرار گیرند و یا از ترس این که بی عرضه و بی جرئت معرفی شوند، به دنبال دوست پسر یا دختر می گردند و حتی کسانی که به خوبی از عواقب سوء این کارها آگاهند، در بعضی موارد با صحنه سازی ها و نامه نگاری های قلابی، این طور نشان می دهند که آن ها نیز دوستانی دارند و آن چه بیش تر به این قضیه دامن می زند، احساس رسالت در مورد پیدا کردن دوست برای یک دیگر است که عامل تسهیل کننده در جهت برقراری روابط نادرست بین دختران و پسران است. (۸۰) از یکی پیغام می گیرند و به دیگری می رسانند و واسطه ی ردّ و بدل کردن نامه ها می شوند و حتی به دروغ مطالبی از قول کسی به دیگری می گویند. این ها عواملی است که سبب ورود دختر و پسر در وادی ارتباط شده و آن ها را از عواقب آن غافل می نماید. در نامه ای آمده است: مادرم هشت صبح از خانه بیرون می رفت و تا هشت غروب به خانه نمی آمد من تنها در خانه می ماندم و به کارها می رسیدم زولی در عوض، ناسزا و کتک، جبران زحمات من بود. بعد از آن دیدم خیلی تنها هستم، به همین دلیل دل به دریا زدم و با دختر همسایه آشنا شدم. او از من بزرگ تر بود و نامزد داشت و او یک برادر شوهر داشت که وقتی به خانه ی آن ها می رفتم، گاهی او را می دیدم. دختر همسایه مرا فریب داد و حرف هایی به دروغ از طرف برادر شوهرش به من گفت و من با خود گفتم: شاید برادر شوهرش با من ازدواج کند و من از غم ها رها شوم. به این ترتیب با او آشنا شدم. حدود یک سال و نیم از آشنایی من با او می گذشت که یکی از اقوامان با خبر شد و به خانواده ام خبر داد (که سبب کتک خوردن و تنبیه و بدبختی من شد). الان چهار سال و نیم (از آن روز) می گذرد و من در خانه مثل پرنده ای در قفس هستم و به انتظار نشسته ام که یکی بیاید و مرا از این زندان غم و تنهایی نجات دهد. در این غم نامه نکات مهمی جلب توجه می کند که می تواند برای همه ی پسران و دختران جوان مفید باشد: ۱. دختر برای فرار از تنهایی و کمبود محبت، اقدام به ارتباط نمود، ولی سرانجام، همانند بسیاری دیگر، گرفتار غم و تنهایی و غربتی چند برابر اول شد. ۲. دختر همسایه نقش واسطه را بازی نمود و به دروغ او را به این وادی کشاند. ۳. او به خیال ازدواج و در آرزوی این که با آن پسر ازدواج می کند، راضی به ارتباط شد. ۴. آسیب روانی و اجتماعی که او را گرفتار کرد، شور و نشاط و شادابی او را از بین برد و آینده اش را به تباهی کشاند، و در جمع نیز بدنام گردید. چه بسا دخترانی که در زیر این فشار و این که دیگر کسی به خواستگاری آن ها نمی آید، دست به خودکشی می زنند و خود را گرفتار قهر ابدی الهی می نمایند. جوانان و نوجوانان عزیز باید توجه داشته باشند: گام نهادن در این میدان رنگارنگ و فریبنده، آینده ی تاریکی دارد و همچون سرگذشت هایی که ذکر شد، جز بدنامی و ناکامی، سرانجام دیگری ندارد. چه خوب است جوانان با آن همه شور و احساس و نیروی جوانی، به دنبال کسب اهداف بلند در زندگی رفته، آینده ای درخشان را برای خود رقم زنند و سبب سربلندی خانواده و جامعه گردند و با رعایت اصول اخلاقی و حدود اجتماعی، راهی درست را برای نیازهای خود انتخاب کنند. ۶. احترام به شخصیت دختر و پسر و شکوفایی استعدادها ی آن ها جلوگیری از روابط دختر و پسر، موجب روی آوردن جوانان به اموری می شود که شخصیت آن ها را خدشه دار می کند. به عنوان مثال در هفته نامه ی «ایران جوان» آمده است: «محدودیت ارتباط میان دختر و پسر، به روی آوردن جوانان به مسائل غیر اخلاقی و پیدا شدن نوع پوشش عجیب و غریب برخی، به قصد جلب توجه انجامیده است.» (۸۱) و هم چنین پیرامون لزوم تجربه های عشقی قبل از ازدواج بیان شد: «در حقیقت عاشق شدن یکی از ظرفیت های خود شکوفایی است.» (۸۲) برچیده شدن محدودیت های اجتماعی، در ارتباط دختر و پسر و غوطهور شدن در دریای پر تلاطم احساسات، شور و هیجان جنسی را در جامعه دو چندان کرده، سبب فزونی التهاب می گردد. این کار توجه دختر و پسر را به یک دیگر جلب نموده، موجب گسترش جلوه گری می شود. در این میان تجارت عشق، شیوع یافته، افراد بازیچه ی هوس می گردند و گرایش به آراستگی ظاهری و آرایش افراطی، روز به روز بیش تر شده، پیروی از مُد روز، فزونی می یابد و تا بدان جا که همه ی

فکر و اندیشه‌ی جوان را تسخیر می‌کند و هویت و شخصیت خود را در مقبولیت و جذابیت و همراهی با دنیای مُد می‌جوید. همان طور که در صفحات قبل نقل کردیم، دختر تمام خوش بختی را در شکل بینی و مژه و پسر در پرورش اندام و آرایش مو و... می‌بیند. وقتی تمام هدف و آرزوی جوانان، جلب نظر جنس مخالف باشد، ناخود آگاه به ویتترین های متحرکی تبدیل می‌شوند که بازیچه‌ی امیال تولید کنندگان کالا و شرکت های تجاری اند و شخصیت انسانی آنان مسخ می‌شود. در چند سال اخیر، در اثر نفوذ فرهنگ غرب و گسترش روابط، مشاهده می‌شود برخی از جوانان برای جلب توجه بیش تر با شکل و شمایل عجیب و غریبی در جامعه ظاهر می‌شوند و حالتی مضحک و زننده به خود می‌گیرند. استاد شهید «مرتضی مطهری» در کتاب مسئله‌ی حجاب، به نقل از یکی از مجلات، متن شکایت نامه‌ی مردی از همسرش را این گونه نقل می‌کند: زنم در موقع خواب به یک دلقک درست و حسابی مبدل می‌گردد. موقع خواب برای این که موهایش خراب نشود، یک کلاه توری بزرگ به سرش می‌بندد، بعد لباس خواب می‌پوشد، در این موقع است که جلوی آینه‌ی میز آرایش می‌نشیند و گریم صورتش را با شیر پاک کن می‌شوید. وقتی رویش را برمی‌گرداند احساس می‌کنم او زن من نیست زیرا اصلاً شکل سابق را ندارد. ابروهایش را تراشیده و چون مداد ابرو را پاک کرده، بی ابرو می‌شود. از صورتش بوی نامطبوعی به مشام من می‌رسد زیرا کرمی که برای چین و چروک به صورتش می‌مالد، بوی کافور می‌دهد و مرا به یاد قبرستان می‌اندازد... و برای این که ناخن های دست و پایش مانیکور شده و دراز است و به لحاف نگیرد و چندشش نشود و احیاناً نشکند، دست و پای خود را در کیسه می‌کند و به همین ترتیب می‌خوابد. (۸۳) این نمونه ای از زن به اصطلاح آزاد است که در ورطه‌ی تجدد مآبی به تباهی کشیده شده و ارزش و شخصیت انسانی و زنانگی خود را از دست داده است و تنها مردی را که در نظر ندارد شوهر بیچاره اش است. بدیهی است ارزش و شخصیت انسان بالاتر از آن است که با این گونه مسائل درهم کوبیده شود. آزادی های غربی، افراد جامعه را به منجلا ب فساد جنسی می‌کشاند که اسارت و نابودی فکر و جان و روان را به دنبال دارد و حیات سالم اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد. نگه داشتن حریم میان دختر و پسر، سبب جلوگیری از مفاسد مذکور و افزایش قدر و منزلت زن به عنوان محبوب و مطلوب می‌شود. حیا و عفاف و ستر و پوشش، تدبیری است که خود زن با یک نوع الهام برای گران بها کردن و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار برده است. زن با هوش فطری و با یک حس مخصوص به خود، دریافته است که از لحاظ جسمی نمی‌تواند با مرد برابری کند... و از طرف دیگر نقطه - ضعف مرد را در همان نیازی یافته است که خلقت در وجود او نهاده است که او را مظهر عشق و طلب، و زن را مظهر معشوقیت و مطلوبیت قرار داده است. زن متوسل به زیور و خود آرایی و تجمل شده که از آن راه، قلب مرد را تصاحب کند و با دور نگه داشتن خود از دسترس مرد، آتش عشق و طلب او را تیزتر کند و در نتیجه مقام و موقع خود را بالا برد. (۸۴) «راسل و ویل دورانت» درباره‌ی هسته‌ی مرکزی عشق می‌گویند: نکته‌ی اساسی و هسته‌ی فکری عشق رمانتیک، آن است که فرد، معشوق را چیزی فوق العاده ارزشمند و صعب الوصول می‌داند. هر چند بیش تر زحمت بکشد، احساس او بیش تر است و این عشق با منع و جلوگیری، به سوی درون نگری و تخیل سوق داده می‌شود و قوی می‌گردد. (۸۵) در جامعه‌ی ای که در هر کوچه و خیابانی، دخترها و زن ها به جلوه‌گری پردازند و میان جنس مخالف به راحتی ارتباط و دوستی برقرار باشد، دست یابی به ظاهر معشوقه‌ها سهل الوصول بوده و زن به قدر و منزلت حقیقی خویش در فلسفه‌ی وجودی اش، که همان مظهر معشوقیت است، دست نمی‌یابد. و اگر زنی شایسته‌ی توهین باشد، آن است که در غیاب همسر، زیبایی خود را در معرض تجارت می‌گذارد و برای تفتن و اسراف در محبت، به سوداگری می‌پردازد و سرتاسر روز را به آرایش و گرد زنی سر و صورت و پیچ دادن مو و پوشیدن لباس می‌گذراند. (۸۶) زنان بی شرم جز در لحظاتی زود گذر، برای مردان جذاب نیستند. (۸۷) ۷. لزوم اختلاط میان دختر و پسر در مدارس و دانشگاه ها برخی جداسازی پسر و دختر در مدرسه ها و یا دانشگاه را صحیح ندانسته، قائل به اختلاط در محیط آموزشی شده اند. در مجله‌ی ای در ضمن گفت و گو درباره‌ی چگونگی روابط دختر و پسر آمده است: نکته‌ی دیگر این که روش غلط جداسازی دختران و پسران را در دانشگاه هم

اجرا کرده اند و موجب شده اند که معمای ارتباط دختر و پسر پیچیده تر شود. در حالی که دانشگاه محیط سالمی است. (۸۸) بحث اختلاط زنان و مردان در مراکز آموزشی، بحثی دامنه دار و بسیار مفصل و طولانی است که ما در این جا به اختصار آن را بررسی می کنیم (۸۹): در ابتدا باید گفت: این مسئله حتی در میان خود غربیان و به خصوص بعضی از کشورهای اروپایی و امریکایی دارای مخالفان بسیاری است. در بیش تر کشورهای جهان، مدارس به صورت غیر مختلط اداره می شوند و در بیش تر کشورهای دارای مذهب کاتولیک در اروپا و امریکا، حتی فرانسه و انگلستان و نیز بسیاری از مدارس متوسطه و دانشکده ها در خود امریکا و امریکای لاتین و بیش تر کشورهای شرق، هنوز دختران در مدارس جدا از پسران تحصیل می کنند. هم چنین در کشورهای نظیر بلژیک، آلمان، اتریش، مجارستان، اسپانیا و یونان، از آموزش مختلط در سطح مدارس متوسطه استقبال نشده است. (۹۰) حتی در کشورهایی نظیر شوروی سابق، تا اواسط قرن بیستم، اختلاط جنس ها در مدارس به صورت رسمی و جامع نبود و بیش تر مدارس به صورت غیر مختلط اداره می شد. قبل از هرگونه پیش داوری در این رابطه، ابتدا برخی از نظرات موافق و مخالف را با استفاده از منابع معتبر نقل می کنیم و سپس به بررسی آن ها می نشینیم: الف. نظر موافقان موافقان و حامیان تعلیم و تربیت مختلط، مستندات و دلایل روی آوری جوامع گوناگون به این شیوه را ذکر کرده اند که مهم ترین آن ها بدین قرار است: ۱. تعلیم و تربیت مختلط با عدالت و انصاف سازگارتر است و همه از فرصت های تحصیلی و امکانات آموزشی، به یک اندازه استفاده می برند. ۲. غالباً گفته می شود که جو اخلاقی مؤسسات آموزشی مختلط، بهتر از مؤسسات غیر مختلط است. ۳. تعلیم و تربیت مختلط از نوع غیر مختلط آن اقتصادی تر است. برخی از آن ها معتقدند که آموزش و تحصیل دختران جوان و زنان در کنار پسران و مردان، بسیاری از هزینه های اقتصادی را کاهش می دهد و به عکس، اگر دو جنس در مدارس جدا از هم و در عرض یک دیگر تحصیل کنند، دارای هزینه های اضافی بسیاری خواهند بود. و این را یکی از دلایل مهم آموزش مختلط می دانند. ۴. تجربه ی تحصیل و آموزش دختران و پسران جوان در مدارس مختلط، برای کارهای گروهی آن ها در آینده مفیدتر است. ۵. مردان و زنانی که در مؤسسات آموزشی، با فضای باز و بدون قید و بند جنسیتی تحصیل و کار کنند، برای انجام کارهای مشترک در آینده و ساختن جهانی بهتر، آمادگی بیش تری خواهند داشت. از مجموعه ی این دلایل استفاده می شود که مراکز و مؤسسات آموزش، نباید در انحصار مردان باشد؛ بلکه چنین مراکزی باید برای زنان نیز وجود داشته باشد تا آن ها ضمن تحصیل و کسب معلومات و معارف، برای کسب درآمد و شغل نیز آماده شوند. (۹۱) در پاسخ باید گفت ریشه ی این تفکر، تلقی غلط از تساوی حقوق زن و مرد (۹۲) و پیروی از نهضت «فیمینسم» (۹۳) است. پرسشی که مطرح است این است که به چه دلیلی حتماً باید این مراکز به صورت مختلط وجود داشته باشد و زنان در کنار مردان به تحصیل پردازند؟ بلکه می توان گفت به ظاهر یکسان قرار دادن زن و مرد در همه ی عرصه ها و کارها، در بسیاری از موارد نقض غرض نموده و سبب ظلم به زنان و نادیده گرفتن حقوق واقعی آنان می شود. زیرا اصلی ترین حق زن آن است که توانایی ها و استعدادها و ویژگی های فطری و طبیعی اش مورد توجه واقع شود. در زمینه ی مسئله ی آموزشی نیز می توان گفت: باید پیرو آموزش جداگانه بود و با در نظر گرفتن استعدادها و نیازهای هر یک از دو جنس، مواد آموزشی را تدارک دید. همان طور که در بعضی از مناطق، نظیر کشور اسپانیا اجرا می شود که مواد آموزشی در هر نظام برای هر یک از دو جنس دختر و پسر متفاوت بوده، برای هر کدام از آن ها به طور جداگانه کتاب های درسی متناسب با خودشان، با توجه به نیازهایشان، تهیه و تدارک دیده شده است. (۹۴) علاوه بر این ها آثار و تبعات دیگری - که در ضمن نظر مخالفان آموزش مختلط بیان می شود - نیز دامن گیر آنان می شود و همان طور که گفته شد در بسیاری از کشورها صاحب نظران، از آن استقبال ننموده اند. این نکته که جو اخلاقی مؤسسات در صورت اختلاط بهتر می شود، بر پایه ی نظر «فروید و راسل» بنا شده است که می گویند محدودیت و جدا بودن از هم، سبب حرص و حساسیت بیش تر می شود، این را در ضمن عنوان دلیل دوم در بخش دوم کتاب پاسخ گفتیم. (۹۵) اما دخالت مسائل اقتصادی، دلیل ناقص و نادرستی است. نکته ی مهم در این است که آیا یک مرکز آموزشی و تربیتی، یک بنگاه

تولیدی و اقتصادی است تا پیش از هر چیز تنها بُعد اقتصادی و صرفه جویی مادی آن در نظر گرفته شود! مراکز آموزشی به هدف تولید کالا- تأسیس نشده اند، بلکه مقصودشان تربیت صحیح و هر چه بهتر انسان است، تا تمام استعدادهای او به صورت کامل، شکوفا و پرورش یابد و اگر لازمه‌ی آن صرف هزینه‌هایی هم باشد، باید برای تأمین هدف والای تعلیم و تربیت آن را پذیرفت. نکته‌ی دیگر آن که تربیت و بالندگی صحیح نیروی انسانی، از جهتی در دراز مدت، سبب صرفه جویی بسیار اقتصادی است. آیا دلایل اقتصادی می‌تواند توجیهی برای نادیده گرفتن آن همه تفاوت‌ها و نیازها باشد؟ جای تأسف است که باید گفت به اعتراف این قائلین، تعلیم و تربیت مختلط، ابتدا از یک نیاز اقتصادی ناشی شده و آن گاه به یک اصل تربیتی تبدیل شده است. (۹۶) ب. نظر مخالفان بیش تر دانشمندان و صاحب نظران علوم تربیتی و علوم اجتماعی، با تعلیم و تربیت به شیوه‌ی مختلط به مخالفت پرداخته، آن را مخالف علایق و خصوصیات و نیازهای جنسی هر کدام از دو جنس و نیز مخالف علایق و ویژگی‌های فرهنگی در جوامع گوناگون دانسته اند. ۱. به سبب تفاوت‌های زیستی و روانی دو جنس زن و مرد و در نتیجه، تفاوت آن‌ها در نیازهای آموزشی، آموزش یکسان و مشابه برای دو جنس غیر ممکن می‌نماید و باید برای هر گروه، برنامه‌ریزی آموزشی مطابق با نیازهای آن‌ها صورت پذیرد. ۲. به دلیل تفاوت‌های موجود، بخصوص اختلاف دختران و پسران در بلوغ، رقابت در مدارس مختلط، نابرابر شده، غالباً سبب افت تحصیلی پسران و ناراحتی‌های روحی آن‌ها می‌شود. ۳. هر یک از دانش آموزان دختر و پسر، در صورتی می‌توانند با کیفیت بهتر به تحصیل ادامه دهند که با هم جنس خود در یک کلاس بوده، دارای کادر آموزشی و اداری هم جنس خود باشند. به گفته‌ی «آستن» وقتی هم دانشجویان و هم اعضای هیئت علمی یک آموزشکده، به طور عمده از یک جنس باشند، تحصیل دانشجویان در آن مؤسسه‌ی آموزشی، تأثیرات مثبت بسیاری در پی خواهد داشت. در تحقیقات دیگری ثابت شده است که مهم ترین عامل تبیین الگوهای شغلی موفق برای زنان، تحصیل آن‌ها در مؤسسه‌های آموزشی زنانه است نه مختلط. ۴. دوران جوانی و نوجوانی، زمان اوج احساسات و غرایز جنسی است و اختلاط سبب دل بستگی هر یک از دو جنس به دیگری می‌شود. همین مسئله، افت تحصیلی و افزایش انحرافات اخلاقی را در پی خواهد داشت و اداره‌ی آن مؤسسه‌ها را برای مدیران آن‌ها با مشکلات بسیاری همراه خواهد کرد. در مجله‌ای به نام «پلین تروت» آمده است: تا چند دهه‌ی پیش، داشتن یک طفل نامشروع یکی از بدترین اشتباهاتی بود که یک دختر جوان می‌توانست در زندگی خود مرتکب شود، اما اکنون مدیر یک دبیرستان دخترانه در یکی از شهرهای بزرگ امریکا می‌گوید: این موضوعی است که به طور کلی از جانب بچه‌ها پذیرفته شده است و این دیگر یک داغ و نشان بدنامی - به آن صورتی که قبلاً تصور می‌شده - نیست. در دهه‌ی ۱۹۸۰، تعداد اطفال نامشروعی که زاییده‌ی همین اختلاط و آزادی‌های جنسی است، سه برابر شده و میزان سقط جنین در دهه‌ی ۱۹۶۰، یکصد هزار مورد، در دهه‌ی ۱۹۷۰، بیش از پانصد هزار مورد، و در دهه‌ی ۱۹۸۰، به بیش از یک و نیم میلیون مورد افزایش یافته است. (۹۷) دلایل دیگری نیز وجود دارد از قبیل: به خطر افتادن سلامت جسمی و روحی، به ویژه برای دختران، ازدواج‌های زودرس و بدون شناخت کامل و احساسی، که غالباً به جدایی و طلاق کشیده می‌شوند، مشکلات برنامه‌ریزی مختلط براساس نیازهای زیستی - روانی و تحصیلی دو جنس با در نظر گرفتن گرایش‌های تحصیلی و شغلی دختران و پسران که چه بسا غیر ممکن می‌باشد. این دلایل و دلایل دیگری از این قبیل، بسیاری از محققان و صاحب نظران علوم تربیتی را به مخالفت با این نظریه وادار می‌کند. (۹۸) در نتیجه اختلاط در مراکز آموزشی، از جهات علمی مورد خدشه واقع شده و ذکر نکاتی کلی و مبهم و بدون نظرات کارشناسی درباره‌ی اختلاط در دانشگاه‌ها صحیح نیست. در ضمن، جوان در دانشگاه نیز همچون سایر مراکز و نهادهای اجتماعی، در معرض تبعات و آثار منفی اختلاط است. ۸. افزایش مفاسد و جرم و جنایات یکی از روان‌پزشکان چنین می‌گوید: اشاره‌ی مکرر من به رفتارهای همراه هم در همین رابطه است. هنگامی که انسان‌ها از رفتارهای طبیعی مثلاً قدم زدن محروم باشند، رفتارهای اغراض جنسی بیش تر می‌شود و فساد گسترش می‌یابد. (۹۹) آقای دکتر سروش می‌گوید: (تحریم ابراز دوستی بین دختر و پسر) باعث شده ابراز محبت بین هم جنس

زیاد شده و هم جنس بازی - که در تاریخ فرهنگ ما متأسفانه وجود داشت - گاهی شکل هایی به خود می گرفت که بعضی ها رنگ و لعاب اسلامی هم به آن می داده اند. (۱۰۰) | اندکی تأمل در کشورهای غربی و جوامع غرب زده کافی است تا به صحت و سقم مطلب نخست پی برد. آیا در این کشورها که در این زمینه آزادی کامل دارند و روابط دختر و پسر را تجویز نموده اند، فساد و فحشا از مجامع علمی و عمومی آنان رخت بر بسته یا این که سبب گسترش انحرافات شده است؟ آیا دختر و پسر که در خیابان ها آزاد بوده، در ایام جوانی و زمان حکومت غرایز، عشق بازی را تجربه می کنند، عشقی که سرآغاز آن شوق جنسی و جسمی است، این دوستی را همین جا رها کرده و به روابط عادی اکتفا می کنند؟ و آتشی که با این گونه روابط شعله‌ور گردیده است، به راحتی فروکش می کند؟ چه بسیار دوستی ها که از روابط عادی آغاز شده و ولی نگاه های هوس آلود و تسلط طبیعی شهوت، آن را به ناکجا آباد کشانیده، سبب بدبختی و بدنامی طرفین گردید و حتی افشا شدن برخی از این روابط بعد از ازدواج، کانون گرم خانوادگی را متلاشی نموده، سبب بروز مشکلات فردی و اجتماعی شده است. در مجلات مختلفی که درباره ی جوانان و مسائل خانوادگی چاپ می شود، می توان نامه ها و سرگذشت های زیادی را دید که حکایت از عشق نامشروعی دارد که در اثر ارتباط و اختلاط زن و مرد به وجود آمده و سبب قتل و جنایت و یا تزلزل خانواده شده است. در تحقیقی که در نیواورلئان امریکا (۱۹۸۲) در مورد خودکشی انجام گرفته است، مشخص شده که ویژگی مهم عده ی زیادی از زنانی که دست به خودکشی زده اند، این است که پس از برقراری ارتباط با مردان و بچه دار شدن، نتوانسته اند همسر را برای خود حفظ کنند. اینان تا توانسته اند از بدن خود به سایرین بهره داده اند، به این امید که شاید کسی نیز حاضر باشد در غم ها و شادی های آن ها شریک باشد و ولی نتوانسته اند به این مقصد نایل شوند. (۱۰۱) از جمله مفاسد آن، آمار سقط جنین است که علی رغم آموزش های گسترده و در دسترس قرار دادن وسایل ضد بارداری، حکایت تکان دهنده ای است: یک پزشک امریکایی که در زایشگاهی کار می کند، ادعا نموده است: چهل و هفت درصد از زایمان های تحت نظر وی، مربوط به موالید نامشروع بوده است. به ادعای این شخص اکثر موالید مربوط به زنان پایین تر از بیست سال، مربوط به فرزندان نامشروع بوده است. (۱۰۲) بنابر آمارهای منتشر شده ی سال ۱۹۹۳ هر ساله حدود یک میلیون زن نوجوان امریکایی حامله می شوند که چهل درصد از آنان داوطلبانه و سیزده درصد آنان به علت بیماری، اقدام به سقط جنین می کنند و چهل و هفت درصد با قیمانده فرزند نامشروع خود را به دنیا می آورند. (۱۰۳) سقط جنین در امریکا در سال ۱۹۹۱ به تعداد یک میلیون و سیصد و هشتاد و هشت هزار و نهصد و سی و هفت بوده، در این سال در مقابل هر هزار نوزادی که متولد شده سیصد و سی و نه مورد سقط جنین صورت گرفته، که نود درصد در درمانگاه های سرپایی بوده است و تمایلی به رفتن به بیمارستان ها نداشتند. (۱۰۴) که در این صورت آمار واقعی بیش از این میزان است. وهم چنین در آماری درباره ی میزان مبتلایان به ایدز در کشور امریکا آمده است: افراد (سیزده تا بیست و نه سال) از هر هزار نفر، پنج نفر در سال ۱۹۸۸ مبتلا بودند و در حالی که در سال ۱۹۸۴ تعداد آن ها یک و نیم در هر هزار نفر و در گروه سنی (سی تا سی و نه) از هر هزار نفر یازده نفر بود و در حالی که در آمار سال ۱۹۸۴، دو نفر بوده است. (۱۰۵) این ها نمونه ای از افزایش مفاسد اجتماعی در کشوری است که ضابطه مندی در روابط جنسی را از میان برداشته و قائل به روابط آزاد شده اند. بسی روشن است که عادی سازی روابط و گسترش آن، پاسخی درست به نیاز طبیعی جوانان نیست و موجب جلوگیری از فساد نمی شود بلکه جوانان را بیش تر در دنیای هوس و امیال جنسی سوق داده و پاکی و سلامت روحی و جسمی را دشوار می سازد. محدودیت روابط دختر و پسر و رابطه ی آن با هم جنس بازی در ابتدا نظر آقای دکتر را به جوامع غربی جلب نموده، سؤال می کنیم اگر در جامعه ی ما علت پیدایش این انحراف اخلاقی، محدودیت در روابط دختر و پسر و حجاب آن ها است، چرا در کشورهای غربی که این گونه محدودیت ها وجود ندارد هم جنس بازی، آن هم با این گستردگی به وجود آمده و رواج یافته و سرانجام به ازدواج رسمی هم جنس بازان منتهی شده است؟ روزنامه ی «اطلاعات» بیش از سی سال پیش در مطلبی تحت عنوان «تلاش برای آزادی هم جنس بازی در امریکا» چنین نوشته است: در

واشنگتن، یک گروه مطالعاتی (تشکیل شده از: پزشک، حقوق دان، جامعه شناس و روان شناس) توصیه کرده است که به پیروی از انگلستان هم جنس بازی میان افراد بالغ را با رضایت آزاد بگذارد ... این گروه نظر داده است که، در امریکا سه تا چهار میلیون فرد بالغ هم جنس باز وجود دارد (البته در آن زمان، از جمعیت صد و هشتاد میلیونی امریکا در حدود نیمی زن و از نود میلیون دیگر نیز حداقل در حدود بیست میلیون نابالغ بودند بنابراین از هر شانزده الی هفده نفر در امریکا یکی هم جنس باز بود). در ادامه ذکر شده: در عده‌ی زیادی نیز تمایلات هم جنس بازی وجود دارد (۱۰۶). در آماری که در سال‌های اخیر از کشور ایالات متحده گرفته شده، آمده است: سی و پنج درصد از کل افراد جامعه‌ی امریکا و چهل و پنج درصد از جوانان آن موافق هم جنس بازی اند. (۱۰۷) و با کمی دقت در می‌یابیم، با گسترش آزادی جنسی در مغرب زمین و برداشتن مرزهای اخلاقی و کشف حجاب و عادی شدن روابط زن و مرد، هم جنس بازی نیز گسترش پیدا نمود، تا بدان جا که در سال‌های اخیر در برخی کشورها به صورت ازدواج قانونی درآمده و موجب پیدایش امراض مهلکی گردیده است؟ استاد شهید مرتضی مطهری می‌فرماید: در گذشته افراد بی‌خبر ... می‌گفتند انحراف جنسی، یعنی هم جنس بازی، فقط در میان شرقی‌ها رایج است و علتش هم دسترسی نداشتن به زن، بر اثر قیود زیاد و حجاب است؛ اما طولی نکشید که معلوم شد رواج این عمل زشت در میان اروپایی‌ها، صد درجه بیش تر از شرقی‌هاست. ما انکار نمی‌کنیم که دسترسی نداشتن به زن، موجب انحراف می‌شود و باید شرایط ازدواج قانونی را سهل کرد؛ ولی بدون شک آن مقدار که تبرج و خودنمایی زن در اجتماع و معاشرت‌های آزاد، سبب انحراف جنسی می‌شود، به مراتب بیش تر از آن است که محرومیت و عدم دسترسی سبب می‌گردد. (۱۰۸) ریشه‌ی شیوع هم جنس بازی، در تحریم روابط دختر و پسر نیست؛ بلکه ناشی از نبودن تربیت صحیح در خانواده‌هاست و علل تربیتی مختلفی دارد که در جای خود قابل بررسی است، به عنوان مثال، از عوامل مؤثر در ابتلای به هم جنس بازی، می‌توان از ساختار غلط خانواده و مسائل اجتماعی نام برد. ساختار خانواده‌ی هم جنس بازان پسر به صورتی است که پدر منزوی شده، رفتار خصومت آمیز نسبت به وی دیده می‌شود؛ مادر فریب دهنده و اغوا کننده و بسیار نزدیک به فرزند و حامی وی است؛ در نتیجه نوجوان الگوی مردی و هویت مردانگی خود را نمی‌شناسد. در مطالعه‌ی خانواده‌ی این نوجوانان، دیده شده است که مادران از نظر عاطفی، ارتباط بسیار نزدیکی با فرزندان خود داشته‌اند و بیش از حد از او حمایت کرده و اعتماد به نفس را از آنان گرفته‌اند. و هم چنین نقش هم سالان ناباب را نباید نادیده گرفت. (۱۰۹) عامل دیگر، ساختار روحی - روانی نوجوان است نوجوانان، تازه موفق به کشف خود شده‌اند و در بیان مسائل شخصی با دیگران خجالت می‌کشند و به دنبال محرم راز هستند. دوستانی پیدا می‌کنند که همدل آنان باشند. این بحران غریزی و زمینه‌ی روانی، سبب می‌شود که با هم تن به انحرافات دهند. (۱۱۰) عوامل مختلف دیگری نیز در پیدایش این انحراف مؤثر است و عدم دسترسی به جنس مخالف، تنها درصد کمی از آن را احراز می‌کند. آقای دکتر در ادامه می‌گوید: هم جنس بازی گاهی شکل‌هایی به خود می‌گرفت که بعضی‌ها رنگ و لعاب اسلامی هم به آن می‌داده‌اند. البته بر اهل تحقیق روشن است که در هیچ یک از کتاب‌های فقهی و اخلاقی شیعه و علمای اهل سنت، اثری از این کلام ایشان یافت نمی‌شود و در هر جا که اسمی از آن به میان آمده، به حرمت و قباح آن تصریح شده و در احکام جزایی اسلام برای آن مجازاتی سخت تر از روابط نامشروع با جنس مخالف، مقدر گردیده است. (۱۱۱) البته فرقه‌های انحرافی مختلفی در قرون گذشته با نام اسلام ظهور کردند که پس از مدتی افول نموده و از صفحه‌ی تاریخ محو شدند. یکی از این گروه‌های انحرافی «صوفیه» بودند که دکان زهد و دین‌فروشی گشوده و انحرافات اخلاقی در میان‌شان دیده می‌شد که در همان زمان، علمای تشیع با آنان به مخالفت برخاسته، کتابهایی در رد عقاید و اعمال آنان نوشتند و با سعی و مجاهده‌ی علمای راستین، این گروه رسوا و از میان برداشته شدند و اگر در گوشه و کنار اندکی باقی مانده باشند، دیگر کسی رفتار و افکار ایشان را به حساب اسلام و تشیع نمی‌گذارد. و چه بهتر بود آقای «سروش» به جای واژه‌ی «بعضی‌ها» که دو پهلو و شبهه‌انداز است، اشاره‌ی مستقیم به این فرقه‌ی ضالّه می‌کردند، تا کسی گمان نکند در دوره‌ای از تاریخ اسلام، علمای

اسلام (۱۱۲) به خصوص علمای شیعه، به این انحراف، رنگ و لعاب اسلامی دادند. در صفحات گذشته دلایل آزادی ارتباط را بررسی نموده و به این نتیجه رسیدیم که به پاس احترام به عشق و برای دست یابی به آرامش روانی و استواری اجتماع و استحکام پیوند خانوادگی و ... روابط آزاد و مختلط دختر و پسر را نمی توان توصیه نمود. اگر به سرنوشت جوانان و آینده ی مملکت خود بیندیشیم، باید راه کاری ارائه دهیم که در عین پاسخ به نیازهای طبیعی، آنان را از انحراف در فساد و تباهی باز دارد. با نگاهی به جوامع غربی و مشکلات و معضلات فرهنگی و اخلاقی که دامن گیر آن دیار شده است، در می یابیم که آنان با شعار به ظاهر فریبنده ی آزادی جنسی، خود را در گردابی مهلک اسیر و گرفتار نموده اند. اباحه گری جنسی و لیبرالیسم اخلاقی، انسان را هم چون برده ای حقیر در برابر لذات در آورده است. امروزه در میان اندیشمندان غربی نیز نظرات «فروید و راسل» و امثال آنان درباره ی اخلاق جنسی نخ نما شده و با صراحت اذعان می کنند که برای تضمین سلامت فرد و اجتماع، رعایت ضوابط خاصی در زمینه ی مسائل جنسی لازم است. «ایور موریش»، یکی از جامعه شناسان غربی، درباره ی نقش تربیت در امور جنسی می گوید: ... زندگی، همواره در نکته ی ساده ی "زندگی چیست" خلاصه نمی شود، چگونه زیستن نیز در این موضوع دخالت دارد. در واقع جامعه ممکن است برای اختلاط دو جنس تمهیدات کافی برای تغییر زیستی - اجتماعی مورد نظر «آبرال» فراهم کند، اما در عین حال، ممکن است خود را به عنوان یک جامعه نابود سازد. تغییراتی که امروزه در الگوهای مناسبات جنسی صورت می گیرد، باید خواه ناخواه ما را به ملاحظه ی این نکته رهنمون شود که آیا در نهایت به خوش بختی انسان و به ادامه ی بقای او منتهی خواهد شد یا خیر؟ (۱۱۳) نتایج بزرگ ترین تحقیقی که تاکنون در مورد معاشرت آزاد دختران و پسران در امریکا صورت گرفت، بسیار ناخوشایند است. براساس این تحقیق، در معاشرت دختران و پسران، تقریباً از هر ده دختر و ده پسر یک پسر و دختر توسط معاشر خود قربانی هتک حرمت و یا خشونت فیزیکی می شوند. آن چه بر وخامت این معاشرت های آزاد می افزاید، این است که در جوانانی که مورد سوء استفاده قرار می گیرند، احتمال ابتلا به ناهنجاری های تغذیه ای یا اقدام به خودکشی، نسبت به سایر دانش آموزان به میزان چشم گیری افزایش می یابد (۱۱۴). غرب با تحریف مفهوم آزادی و تساوی حقوق زن و مرد، جامعه ی انسانی را به انحطاط کشانده است. اسلام پرچم دار عدالت و تساوی است و همه ی انسان ها را از زن و مرد، برابر و یکسان می داند و مطابق با روحيات و نیازمندی های روانی و جسمی هر یک از آن دو، تکالیف و حقوقی را برای آنان معین نموده است، اما تشابه ظاهری قوانین، درست نبوده، ظلم و جفایی بیش نیست. (۱۱۵) در بخش بعدی، پاسخ درست به نیاز طبیعی جوانان و راه حل اسلام را بیان می نمایم. ----- (۱)

هفته نامه ی آبان، ش ۱۱۲، ص ۷، ۹/۱۱/۷۸، ژو ایران جوان، ش ۱۵۶ و ش ۱۳۴، ص ۲۷ و ۲۸. (۲). ایران جوان، ش ۱۳۵، ص ۳۵. (۳). هفته نامه ی پیام هامون، ش ۵۳، ص ۶، ۱۲/۱۰/۷۸. (۴). ایران جوان، ش ۱۳۵، ص ۲۳. (۵). همان. (۶). از پرسش های رسیده به مرکز. (۷). ایران جوان، ۵/۱۰/۷۸، ش ۱۵۶، ص ۲. (۸). ایران فردا، ۲۲/۱۰/۷۸، ش ۶۶، ص ۳۰، ناصر ایرانی. (۹). مرتضی مطهری، مسئله ی حجاب، ص ۷۳ و ۷۴. (۱۰). موریس مترلینگ، عقل و سرنوشت، ج ۳، ص ۱۴۶. (۱۱). جواد محدثی، نگاه تا نگاه، ص ۷. (۱۲). نظامی گنجوی. (۱۳). عصبانی های عصر ما، ص ۱۳۸ و ۱۳۹. (۱۴). لذات فلسفه، ص ۲۱۴. (۱۵). ایران جوان، ش ۱۳۵، ص ۲۰. (۱۶). همان. (۱۷). همان، ص ۲۲. (۱۸). مرتضی مطهری. جاذبه و دافعه ی علی (علیه السلام)، ص ۴۶. (۱۹). ایران جوان، ۱۳۵، ص ۳۷. (۲۰). سخن رانی دکتر سروش، عشق زمینی، مجله ی صبح، ۱۶/۴/۱۳۷۴. (۲۱). خواجه نصیرالدین طوسی، شرح اشارات. (۲۲). همان، ج ۳، ص ۳۸۴. (۲۳). مرتضی مطهری، جاذبه و دافعه ی علی (علیه السلام) ص ۴۹ و ۴۷. (۲۴). محدث قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۹۸. (۲۵). مرتضی مطهری، همان، ص ۴۹ و ۵۰. (۲۶). همان، ص ۴۱ و ۴۲. (۲۷). همان، ص ۴۹ و ۵۰. (۲۸). موریس مترلینگ، عقل و سرنوشت، ج ۳، ص ۱۴۸. (۲۹). راسل، زناشویی و اخلاق، ص ۱۳۴، به نقل از مرتضی مطهری، همان، ص ۵۲. (۳۰). ایران جوان، ش ۱۳۵، ص ۳۷. (۳۱). شرح اشارات، ج ۳، ص ۳۶۰. (۳۲). محمد محمدی ری شهری، میزان

- الحکمه، ج ۸، ص ۲۲۷ و ۳۵۹. (۳۳). روان شناسی عشق ورزیدن، ص ۷۳. ر.ک: مقدمه ای بر روان شناسی زن، ص ۲۳۱. (۳۴). ایران جوان، ۵/۱۰/۷۸، ش ۵۶، ص ۲. (۳۵). چهره ی عریان زن، ص ۱۶۸. ر.ک: مقدمه ای بر روان شناسی زن، ۱۱۰. (۳۶). ویل دورانت، لذات فلسفه، ۱۴۰. (۳۷). مرتضی مطهری، مسئله ی حجاب، ص ۸۴. (۳۸). همان، ص ۸۷. (۳۹). ایران جوان، ۱۳۵، ص ۳۴. (۴۰). برتر اندراسل، جهانی که من می شناسم، ترجمه ی روح الله عباسی، ص ۷۰. (۴۱). چارلز کادور و دیگران، نظریه های جمعیت، ترجمه ی احمد رضوانی، بخش سوم، ص ۳۷۸. (۴۲). مرتضی مطهری، مسئله ی حجاب، ص ۱۱۴ و ۱۱۷ تا ۱۲۰. (۴۳). غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، با تلخیص و تصرّف. (۴۴). مجله ی ایران جوان، خرداد ۷۸. (۴۵). هفته نامه ی پیام هامون، ۱۲/۱۰/۷۸، ش ۵۳، ص ۶. (۴۶). مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص ۹۲. (۴۷). همان، ص ۲۲۱. (۴۸). جلال آل احمد، غرب زدگی، ص ۱۰۲. (۴۹). دکتر شریعتی، مجموعه آثار زن ۲۱، ص ۹۰ و ۹۱. (۵۰). همان، ص ۹۲ و ۹۳. (۵۱). مرتضی مطهری، حجاب، ص ۹۳. (۵۲). ر.ک: مجله ی ایران جوان، ش ۳۵، ص ۲۲، آموزش عشق. (۵۳). لذات فلسفه، ص ۱۳۶. (۵۴). همان، ص ۹۴ و ۹۷. (۵۵). فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۷۰. (۵۶). مسئله ی حجاب، ۸۹ و ۹۰. (۵۷). ویل دورانت، لذات فلسفه، ۹۸. (۵۸). دکتر علی اصغر احمدی، تحلیلی تربیتی بر روابط ...، ص ۴۹. (۵۹). رونالد اینگلهارت، تحول فرهنگی در جامعه ی پیش رفته ی صنعتی، ترجمه ی مریم وتر، ص ۵۰۰. (۶۰). جلیل روشن دل و رافیک قلی پور، سیمای زن در جهان، ایالات متحده ی امریکا، ص ۳۵. (۶۱). همان، ص ۳۷. (۶۲). همان، ص ۴۱. (۶۳). همان، ص ۳۲. (۶۴). مجله ی ایران جوان، ش ۱۳۵، ص ۲۱ و ۲۲. (۶۵). دکتر خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۱۷ و ۱۸. (۶۶). ایران جوان، ش ۱۳۵، ص ۲۲. (۶۷). دکتر شیخی، هفته نامه ی دیدگاه، پیش شماره ی ۳، آبان ۷۹، ص ۵. (۶۸). ایران جوان، ش ۱۳۵، ص ۳۶. (۶۹). همان، ش ۱۳۵، ص ۳۶. (۷۰). روزه موکی یلی، عقده های روانی، ترجمه ی شجاع رضوی، ص ۱۰۱. (۷۱). ایران جوان، ش ۱۳۵، ص ۳۵. (۷۲). ویل دورانت، لذات فلسفه، ۹۴. و ناصر مکارم شیرازی، مشکلات جنسی جوانان، ص ۳۲. و مرتضی مطهری، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، ص ۶۷ و ۶۶. (۷۳). مرتضی مطهری، مسئله ی حجاب، ۹۰ و ۹۱ و لذات فلسفه ص ۱۶۷ و ۱۶۸. (۷۴). سیمای زن در جهان، ایالات متحده ی امریکا، ص ۳۵. (۷۵). ویل دورانت، لذات فلسفه، ص ۹۳ و ۹۴. (۷۶). از پرسش های رسیده به مرکز. (۷۷). دکتر سید علی اصغر احمدی، تحلیلی تربیتی بر روابط، ص ۱۲۳. (۷۸). همان. (۷۹). همان. (۸۰). همان، ص ۶۴. (۸۱). ایران جوان، ش ۱۶۵، ص ۴۱. (۸۲). ایران جوان، ش ۱۳۵، ص ۲۰. (۸۳). مسئله ی حجاب، ۱۰۷. (۸۴). همان. (۸۵). (۸۶). همان، ص ۱۲۸ و ۱۲۹. و رزنشویی و اخلاق، ص ۶۷. و هنر عشق ورزیدن، ص ۱۲۳. (۸۶). لذات فلسفه، ص ۱۶۰. (۸۷). همان، ص ۱۲۹. (۸۸). ایران جوان، ش ۱۳۵، ص ۳۵، و نوروز ۱ / ۵ / ۸۰. و سیاوش (آتش و پنبه نیستیم) (۸۹). برای اطلاعات بیش تر رجوع شود به مقاله ی اختلاط زنان و مردان در مراکز آموزشی، آقای اسدالله طوسی، مجله ی معرفت، شماره ی ۳۲، مؤسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی، مطالب مربوط به بحث اختلاط در مدارس ... در صفحات بعدی این مقاله استفاده شده. . the american peoples encyclopedia (۱۹۵۰), v.۳۸۹, p.۶۱۴. & v. ۵, p.۷۵۳. willysing goodsell op. cit, v.۳۸۴, p.۶۱۴. . (۹۲). c. a. eg, op. cit, v. ۷. p.۱۴ / willysing goodsell op. cit. برای اطلاع بیش تر بر معنای صحیح تساوی حقوق زن و مرد، ر.ک: مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۱۴ و ۱۲۲ و ۱۵۹ تا ۱۷۲. feminism. (عقیده به برابری زن و مرد و طرفداری از زنان) (۹۴). موریس دویس و هانری پیرون، روان شناسی اختلافی، ترجمه ی محمد حسین سروری، ص ۱۹۷. (۹۵). (ص ۳۳. ۹۷). ج. c. w. op. cit. v. ۶. p. ۴۰۱. روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۱۳ مرداد ۱۳۶۴. . the american (۹۹). peoples encyclopedia, v.۵, p.۲۰۰. ایران جوان، ش ۱۳۵، ص ۲۳. (۱۰۰). برای اطلاع بیش تر بر سخنان آقای سروش درباره ی عشق زمینی و نقد نظرات ایشان، ر.ک: سجاد فیاضی، هم گام با سروش عشق. (۱۰۱). دکتر علی اصغر احمدی، تحلیلی تربیتی بر روابط ...، ص ۸۳. (۱۰۲). سیمای زن در جهان، ایالات متحده ی امریکا. (۱۰۳). همان، ص ۳۶. (۱۰۴). همان، ص ۹۷.

(۱۰۵). همان، ص ۹۳. (۱۰۶). روز نامه ی اطلاعات ۲۹/۷/۴۷. ص ۳. (۱۰۷). رونالد اینگلهارت، تحول فرهنگی در جامعه ی پیش رفته ی صنعتی، ص ۳۲۱. (۱۰۸). مسئله ی حجاب، ص ۱۲۱ و ۱۲۲. (۱۰۹). دکتر سیداحمد احمدی، روان شناسی نوجوانان و جوانان، ص ۱۲۳. هم چنین ر.ک: دکتر کرمانی، نوجوانی، ص ۱۱۵ و ۱۱۴. (۱۱۰). دکتر علی قائمی، شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان، ص ۱۶۷. (۱۱۱). ر.ک: مباحث حدود در کتاب های فقهی مانند: شرایع الاسلام و الروضة البهیة (شرح لمعه). (۱۱۲). الفقه علی المذاهب الاربعه، عبدالرحمن الجزیری، ج ۵، ص ۱۳۹. (۱۱۳). ایور موریش، در آمدی بر جامعه شناسی تعلیم و تربیت، ترجمه ی غلامعلی سرمد، ص ۳۸. (۱۱۴). روزنامه ی کیهان، ۱۰ شهریور ۱۳۸۰، ص ۱۹. (۱۱۵). برای مطالعه ی بیش تر ر.ک: مرتضی مطهری، نظام حقوقی زن در اسلام؛ آیت الله جوادی آملی، زن در آئینه ی جلال و جمال.

روابط، از منظر دین و اخلاق

ادیان الهی همیشه با افراط و تفریط مبارزه کرده، راه میانه و متعادل را در دستور کار خود قرار داده اند. غریزه ی جنسی که قوی ترین و پرجاذبه ترین نیاز مادی انسان به حساب می آید، از این افراط و تفریط ها به دور نیست و در منظر بعضی زشت و ناپسند و مذموم و در مسلک دیگر، تنها هدف زندگی ارضای هر چه بیش تر آن است. روشن است که کسانی مزه و طعم شیرین زندگی را می چشند که نسبت به خود و نیازهای فطری و طبیعی خویش، شناخت کامل داشته، برای برآورده ساختن این نیازها، راه درست و معقولی انتخاب کنند. بی توجهی بسیاری از جوانان نسبت به مسائل دینی و ضوابط اخلاقی، از آن جا ناشی می شود که مذهب را مساوی با محرومیت از خواسته های طبیعی خود می دانند و برای رسیدن به امیال و آرزوهای خویش از ضوابط دینی گریزانند و اگر بدانند دین اسلام در عین تأکید فراوان بر عفت و سلامت نفس، به نیازهای طبیعی بشر پاسخ گفته است و محرومیت جنسی را پیشنهاد نمی کند، دیوارهای بی اعتمادی و بدبینی فرو ریخته، با آغوش باز پذیرای تعلیم حیات بخش اسلام خواهند بود. در این بخش، نظر دین اسلام را در این باره، در قالب پرسش و پاسخ بیان می کنیم. آیا برای جلوگیری از تماس زن و مرد، زن باید در خانه بماند و با مردان هیچ گونه تماسی نداشته باشد؟ (۱) تعالیم اسلامی برای آن است که به انسان حیات و پویایی بخشد و به او روح و بینش و جنبش دهد. بنابراین تعلیماتی که اثر حیات بخشی ندارد و بر عکس مردگی و سکون ایجاد کرده، بشر را از جنبش و حرکت باز می دارد و او را جامد و افسرده می کند، از اسلام نیست. (۲) احکام اسلامی از تعادل و توازن خاصی برخوردار بوده، مطابق با روحیات و نیازمندی های واقعی او تنظیم شده است. حرف زدن زن و مرد و برخورد آنان در زندگی روزمره، بدون اشکال است؛ مانند روابطی که استاد و دانشجو، کارمندان ادارات و... در سطح جامعه با هم دارند. اسلام می گوید نه حبس و رکود و نه اختلاط و روابط آزاد؛ بلکه حضور زن در جامعه جایز است؛ البته با حفظ حریم. سنت جاری مسلمین از زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) همین بوده است که زنان از شرکت در مجالس و مجامع منع نمی شده اند؛ ولی همواره اصل «حریم» رعایت شده است. در مساجد و مجامع، حتی در کوچه و معبر، زن با مرد مختلط نبوده است. (۳) اسلام می خواهد جامعه عاری از هر گونه نگاه و رفتار هوس آلود و سرشار از کار و فعالیت و پیشرفت باشد و زن و مرد فارغ از دغدغدهای شهوانی، به تحصیل و سایر کارهای زندگی برسند. آیت الله «جوادی آملی» درباره ی حدود و روابط اجتماعی زن و مرد می گوید: در بخش مسائل اجتماعی، قرآن ما را متوجه کرده و می فرماید: گاهی تعصب جاهلی یا رواج فرهنگ ناصواب یا تعصب خام و مانند آن، به مرد این چنین تلقین می کند که نمی توان با زن در یک مؤسسه همکاری کرد یا زن در جامعه نمی تواند حضور فعال داشته باشد. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: این گونه از تعصبات و رسومات جاهلی را که فرهنگ باطل است، بزدا کنید. «... و عاشروهنّ بالمرءوف و ان کرهتوهنّ...» (۴) و اگر خوششان نمی آید که آن ها مانند شما سمتی داشته باشند و در جامعه و صحنه ی سیاست و صحنه ی درمان و پزشکی و صحنه ی فرهنگ و تدریس حضور داشته باشند، این امر را تحمل کنید؛ شاید خیر فراوانی در این کار باشد و شما نمی

دانید. (۵) اسلام زن را در سایه ی حجاب و سایر فضایل به صحنه می آورد تا معلّم عاطفه، رقت، درمان، لطف، صفا، وفا و مانند آن شود. دنیای کنونی حجاب را از زن گرفته است، تا زن به عنوان بازیچه به بازار بیاید و غریزه را تامین کند. زن وقتی با سرمایه ی غریزه به جامعه آمد، دیگر معلّم عاطفه نیست فرمان شهوت می دهد، نه دستور گذشت. شهوت جز کوری و کری چیزی به همراه ندارد. لذا اسلام اصرار دارد که زن در جامعه بیاید ولی باحجاب بیاید یعنی باید درس عفت و عاطفه بدهد نه این که شهوت و غریزه بیاموزد. (۶) هر چند همیشه نقش زن در خانواده و حضور مؤثر او از اهمیت ویژه ای برخوردار است، زن محور مهر و محبت خانه و قطب عواطف و احساسات زندگی بوده و شور و نشاط خانه از وجود اوست و مادری که چشم امید جامعه، به نسلی است که در دامان پاکش پرورش می یابد. نکته ی دیگر آن که مفید بودن زن برای جامعه، منحصر به کار در اداره و یا شرکته نیست بلکه اگر شخصی یکی از مواردی را که جامعه نیازمند آن است، بر عهده گیرد و ثمره ی تلاش او در راستای اعتلای اجتماع باشد، حضور مفید دارد همانند دانشمندی که یک عمر مشغول تحقیق و نگارش است، بدیهی است پرورش صحیح نیروی انسانی و تربیت درست آن از مفیدترین کارها بوده و کار گشایی آن از مشاغل دیگر بیش تر است. پیشرفت تحصیلی جوانان و بالا رفتن سطح فرهنگ عمومی و کاهش بزهکاری و انحرافات جوانان و اعتیاد ... همه ی این ها به طور مستقیم بستگی به کانون خانواده دارد و زن می تواند محوری ترین نقش را در سلامت خانواده ایفا نماید. روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در جمع یاران و اصحابش نشسته بود «اسماء» بنت یزید انصاریه به نمایندگی از زنان به حضور پیامبر رسید و پس از ایراد خطبه ای، درباره ی خانه نشینی زنان و برخورداری مردها از فضیلت جهاد و حج و جمعه و... سؤال نمود. پیامبر (صلی الله علیه و آله) رو به اصحاب کرد و (در تحسین او) گفت: شما تا کتون زنی به این فضیلت دیده اید که در مسائل دینی این چنین سؤال کند؟ سپس رو به زن کرد و فرمود: ای زن برگرد به همه ی زن هایی که تو نماینده ی آن هایی اعلام کن که مسئولیت تربیت خانواده و تشکیل خانه، شوهرداری، حسن تبعل، (که چشم و گوش شوهر در بیرون به گناه نیفتد و دستش به خیانت باز نشود)، نیک شوهر داری کردن و حفظ خانواده و به دوش کشیدن ارکان آن و حفظ فرزندان و اموال و تامین آبرو، معادل همه ی آن فضایی است که بر شمردی. (۷) در نتیجه تبدیل خانواده از کانون تربیت جسم و جان آدمی به یک خوابگاه و محل استراحت افرادی که از کار روزانه خسته و کوفته اند، از اشتباهات جامعه ی امروزی است. چرا بر منع صحبت خواهران با برادران اصرار می شود؟ آیا حرف زدن دختر و پسر و مشورت با هم حرام است؟ (۸) در پاسخ پرسش پیشین گفته شد: اسلام صحبت نمودن زن و مرد و برخوردهایی را که لازمه ی رسیدگی به کارهای روز مره است حرام ننموده، دختر و پسر نیز می توانند به صورت عادی و عاری از هر گونه شائبه ی جنسی، با هم سخن بگویند هم چنان که با جنس موافق خود صحبت می نمایند. البته اگر حساسیتی در این باره وجود داشته باشد، به روحيات و سن و شرایط ویژه ی آن دو بستگی دارد. همان طور که در بخش اول بیان شد، دختر و پسر با رسیدن بلوغ، سرشار از غرایز و عواطف بوده، از هم تأثیرپذیری بسیاری دارند. در این سن، حکومت و سلطه ی غرایز جنسی فراگیر می شود و بر اعمال و رفتار و اندیشه ی جوان سایه می افکند. احساس نیازی که در جوانان نسبت به جنس مخالف وجود دارد، باعث می شود که آنان هر لحظه به دنبال پاسخی برای ارضای آن و جبران کمبود روحی- روانی باشند. در بسیاری از برخوردها، دختر و پسر، هر چند به بهانه های گوناگون با هم آشنا می شوند، اما اندک اندک براساس تسلط طبیعی غرایز، نگاه و سخن و رفتارشان رنگ و بویی دیگر گرفته، معنای خاصی پیدا می کند. و چه بسا بعد از مدتی به یکباره متوجه می شوند، عواطف و احساسات آنان بازیچه ی هوس شده است. با توجه به مطالب فوق و آن چه در بخش دوم گذشت، حساسیت جامعه و خانواده ها معنا پیدا می کند. از آن جا که اسلام روابط آزاد را توصیه نمی کند، برای جلوگیری از روابط نامشروع چه راه حلی پیشنهاد می نماید؟ (۹) برخی می گویند: بی اعتنایی به همه ی ارزش ها چاره ی رفع تعارضات یک جامعه ی تکثرگرای فرهنگی است هم چنان که امروزه در خارج از کشور، روابط بیرون از محدوده ی زناشویی، و هم جنس بازی، امری روا شمرده می شود. (۱۰) راه های ارضای غریزه ی جنسی برای پاسخ گویی به

نیازهای جنسی دختر و پسر دو راه وجود دارد: ۱. ازدواج قانونی و شرعی زن و شوهر با عشق و محبت و شادی، زندگی مشترک را پایه‌گذاری کنند و از شیرینی‌های زندگی و لذایذ مشروع بهره‌مند گردند و کانون زناشویی را کانون خوشی‌ها و کامیابی‌های جنسی قرار دهند و حداکثر سعی خود را برای لذت بخش نمودن این کانون صرف نمایند؛ اما اجتماع بیرون، باید محیط کار و فعالیت و برخوردهای دیگر باشد. ۲. بی‌بندوباری و هرج و مرج جنسی؛ لذایذ و کامیابی‌های جنسی از محیط خانواده و همسر قانونی به اجتماع بزرگ کشیده شده، کوچه و خیابان و مغازه‌ها و محیط‌های اداری و مراکز تفریحی و ... آماده‌ی انواع کامیابی‌های جنسی نظری و لمسی و ... بوده و دختر و پسر آزادانه با هم ارتباط داشته باشند. اسلام و آرامش‌گریزه‌ی جنسی الف. ارتباط قانونی و انضباط جنسی مطابق آیین اسلام، در آغاز هر ارتباطی باید تعهدی میان افراد به صورت رسمی وجود داشته باشد؛ هر چند این دوستی‌ها موقت و برای زمانی محدود باشد. بعد از انجام این تعهد (به صورت عقد دائم یا موقت) ارتباط، جایز و پسندیده است و در صورتی که شرایط ازدواج دائم مهیا نباشد، عقد موقت و نامزدی شرعی، بهترین راه حل است؛ و بر اندیشمندان و مسئولان جامعه لازم است که فرهنگ عمومی را بر مبنای احکام واقعی اسلام رشد و تعالی بخشند. در سایه‌ی روابط قانونی، از هرج و مرج جنسی و بی‌بند و باری جلوگیری شده، به نیازهای طبیعی نیز پاسخی درست داده می‌شود. اشباع‌گریز و سرکوب نکردن آن، یک مطلب است و آزادی جنسی و رفع مقررات و موازین اخلاقی مطلب دیگر. می‌توان امیال‌گریزی را به حد کافی اشباع کرد و پاسخ گفت و جلوی هیجان‌های بی‌جا و ناراحتی‌ها و احساس محرومیت‌ها و سرکوب شدن‌های ناشی از آن را گرفت. (۱۱) اسلام اصرار فراوانی دارد که محیط خانوادگی آماده‌گی کامل برای کامیابی زن و شوهر داشته باشد و دختر و پسری که پیمان عشق و زناشویی می‌بندند، در زیر سایه‌ی محبت و وفاداری، از لذت‌های زندگی بهره‌مند گردند و خواسته‌های یک دیگر را به گونه‌ای بر آورده سازند که با خروج از خانه، همه‌ی هیجان‌ها فرو خفته باشد و محیط اجتماع، محل کار و فعالیت و تلاش برای رشد و تعالی فرد و جامعه بوده و از هر نوع کامیابی جنسی در آن محیط خودداری شود. فلسفه‌ی تحریم نظربازی (۱۲) و تمتعات جنسی از غیر همسر قانونی و حرمت خود آرایی (۱۳) و تبرج زن برای بیگانه همین است. اما کشورهای غربی راه دوم را انتخاب کرده و کامیابی‌های جنسی را از کانون خانوادگی به محیط اجتماعی کشانده‌اند و به نام آزادی، لیبرالیسم جنسی را رواج داده‌اند و بر اساس نظر «فروید و راسل» و امثال آنان، آزادی بی‌قید و شرط و شهوترانی را پذیرفته‌اند و اکنون شاهد آثار هولناک و مخرب آن می‌باشند که آمار فاجعه‌های شهوانی در روزنامه‌ها و رسانه‌ها و نوع روابط ناهنجار دختر و پسر، و مرد و زن و ... شاهد گویای این مطلب است. (۱۴) اگر بر فرض، از وجود فرزندان نامشروع، بی‌سرپرست، نوزادان پیدا شده در زباله‌دان‌ها و توالت‌ها، کورتاژها، قتل‌ها و ضایعه‌های دیگر اخلاقی و انسانی آزادی جنسی چشم‌پوشی کنیم و همه را فراموش شده بگیریم، با این فاجعه‌ی بزرگ، که شخصیت انسانی زن، نابود شده، تبدیل به توپ شهوانی می‌شود که هر لحظه مورد حمله‌ی چشم‌ها و لمس‌ها و قوه‌ی شهوانی مردان شهوتران است، چه کنیم؟ با بازیچه شدن زندگی پر از آمال و اهداف انسان که باید به سوی کمال و تعالی رشد نماید، چه می‌توان نمود؟ در چنین جامعه‌ی پرتلهایی از در و دیوار آن، از کوچه و خیابان و مدارس و اداره‌ی آن، جز شهوت و خودنمایی و ناز و نیاز چیز دیگری دیده نمی‌شود و همه چیز در عین رنگارنگ بودن تنها یک رنگ دارد؛ آن هم لذت بیش‌تر، با غفلت کامل از عواقب و پیامدهای آن. تنها ملاک، منافع شخصی و لذت فردی است و این که چه بر سر دیگران و جامعه و فرهنگ و آینده‌ی نسل بشری می‌آید، اهمیتی ندارد. اگر بتوان ادعا نمود که حداقل در کامیابی جنسی و ارضای کامل شهوات و عشق و دوستی موفق بوده‌اند، خوب است؛ اما در همین یک مورد نیز با مشکل رو به رو هستند. متفکر شهید «مطهری» در این باره می‌گوید: در مورد‌گریزه‌ی جنسی و برخی‌گریز دیگر، برداشتن قیود، عشق به مفهوم واقعی را می‌میراند و طبیعت را هرزه و بی‌بندوبار می‌کند. در این مورد هر چه عرضه بیش‌تر گردد، هوس و میل به تنوع افزایش می‌یابد ... راسل در کتاب زناشویی و اخلاق اعتراف می‌کند که عطش روحی در مسائل جنسی، غیر از حرارت جسمی است. آن چه با ارضا تسکین می‌یابد،

حرارت جسمی است نه عطش روحی (۱۵). و «ویل دورانت» تصریح دارد: میل به تنوع، گرچه از همان آغاز در بشر بوده، ولی امروزه به سبب اصالت فرد در زندگی نو و تعدد محرکات جنسی در شهرها و تجاری شدن لذت جنسی، ده برابر گشته است. (۱۶)

ب. هدایت و حمایت جوان به عقیده‌ی اسلام برای آرامش غریزه دو چیز لازم است: ۱. ارضای غریزه در حدّ حاجت طبیعی؛ ازدواج دائم به عنوان راه حل اساسی و ازدواج غیر دائم در شرایط خاص. ۲. جلوگیری از تهییج و تحریک آن در سطح جامعه و رسانه‌ها. (۱۷) البته ایجاد میدان سالم فعالیت اجتماعی، فرهنگی و ورزشی و گسترش آن، می‌تواند نقش بسیار مؤثری در کنترل و هدایت نیروی جوان داشته باشد و در صورتی که این میادین، مطابق با موازین اخلاقی و به دور از اختلاط و هم‌دوشی برپا شود، توجه جوان را از مسائل جنسی به سوی خود معطوف داشته، سبب سلامت و رشد او خواهد شد. در نتیجه می‌بینیم، تعالیم دینی ما به این نیازها توجه نموده و به آن‌ها پاسخ درست داده است؛ ولی اگر در اجرای دستورهای الهی و راه کارهای دینی، هنوز مشکلی باقی است، این ایراد به جامعه و افراد آن باز می‌گردد؛ نه به دین اسلام. بنابراین جوانانی که مدعی سنت شکنی و عدم رعایت ضوابط اجتماعی و یا خانوادگی اند، چه خوب است در راه صحیح و شرعی آن گام برداشته، خویشتن و جامعه را از ناپاکی و انحراف دور نگه دارند. دیدگاه اسلام درباره‌ی مسائل جنسی چیست؟ آیا مسئله‌ی جنسی امری پلید و مذموم است؟ برای ما مسلمانان که علاقه‌ی زوجین را به یک دیگر یکی از نشانه‌های بارز وجود پروردگار، و نکاح را سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌دانیم، هنگامی که می‌شنویم، بعضی از آیین‌ها علاقه‌ی جنسی را پلید، و آمیزش جنسی را (حتی با همسر شرعی و قانونی) موجب تباهی و به دور از اخلاق می‌دانند، دچار تعجب می‌شویم. (۱۸) «برتراند راسل»، فیلسوف اجتماعی مشهور می‌گوید: ... عوامل و عقاید مخالف جنسیت، در اعصار خیلی قدیم وجود داشته و به خصوص در هر جا که مسیحیت و دین بودا پیروز شد، عقیده‌ی مزبور تفوق یافت و در نقاط دیگر دنیا ادیان و راهبانی بوده اند که طرفداری از تجرد می‌کرده اند، مانند «اسنیت‌ها» در میان یهودیان و بدین طریق یک نهضت عمومی ریاضت در دنیای قدیم ایجاد شد. (و تجرد، ارزش قلمداد شده و عقاید تحقیرآمیزی راجع به زن رواج یافت. (۱۹) این عقاید، کشمکش جانکاهی میان غریزه‌ی جنسی از یک طرف و عقاید مذهبی از طرف دیگر به وجود آورد و موجب غربت دین گردید. اما در منطق عالی اسلام، کوچک‌ترین اشاره‌ای به پلیدی علاقه‌ی جنسی و آثار ناشی از آن نشده است؛ بلکه اسلام تمام تلاش خود را برای تنظیم این علاقه به کار برده است و اگر نکوهشی درباره‌ی مسائل جنسی در متون دینی دیده می‌شود، درباره‌ی نگاه استقلالی و هدف قرار گرفتن آن است و در واقع نکوهش شهوترانی و غرق شدن در دریای هوس و انحراف غریزه از راه‌های مشروع است. در منظر دین، علاقه‌مندی و کشش درونی به مسائل جنسی، مردود نبوده، با معنویت و روحانیت منافات ندارد؛ بلکه جزء خلق و خوی انبیا معرفی شده است. (۲۰) در قرآن کریم علاقه‌ی زوجین به یکدیگر از نشانه‌های بارز وجود پروردگار بیان گردیده است. (۲۱) رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) - طبق روایات فراوانی که رسیده است -، محبت و علاقه‌ی خود را به همسر خویش در کمال صراحت اظهار می‌کرده‌اند. (۲۲) و روش کسانی که میل به رهبانیت پیدا نموده بودند را سخت تقبیح می‌نمودند. اسلام، التذاذ و کام‌جویی زن و شوهر از یک دیگر را نه تنها تقبیح نکرده؛ بلکه ثواب‌هایی هم برای آن قائل است. (۲۳) شاید برای یک غربی و غرب زده، شگفت‌انگیز باشد اگر بشنود اسلام مزاح و و ملاحظه‌ی زن و شوهر، آرایش زن برای همسر و پاکیزه بودن شوهر برای زن را مستحب می‌داند و زنی را که در آرایش و زینت برای شوهرش کوتاهی کند و هم چنین مردانی را که در ارضای زن خود بی‌توجه باشند، مورد نکوهش قرار داده است. (۲۴) در نتیجه، آن چه مذموم است بی‌بندوباری و انحراف است که هم شخصیت و کرامت زن و مرد را نابود می‌کند و هم خانواده را که مرکز ویژه‌ی تربیت فرزندان، و مکان امنی برای پرورش نسل آینده است، از بین می‌برد. اهداف ازدواج چیست؟ و چه آثار و فوایدی دارد؟ (۲۵) همان گونه که گفتیم، خداوند در قرآن، خلقت زن و شوهر و محبت و مودت میان آن‌ها را از نشانه‌های حکمت خود معرفی می‌کند. (۲۶) پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «هیچ کانونی در اسلام بر پا

نشده که نزد خداوند محبوب تر و عزیزتر از ازدواج باشد.» (۲۷) و هم چنین امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «دو رکعت نماز انسان متأهیل افضل و بالاتر از هفتاد رکعت نماز انسان مجرّد است.» (۲۸) ازدواج بهترین پاسخ به نیازهای جنسی و عاطفی انسان است و هدف‌ها و نیازهای بی شماری را تأمین می کند که از جمله ی مهم ترین هدف های ازدواج نیل به آرامش و سکون، تأمین نیازهای جنسی، بقای نسل، تکمیل و تکامل فردی و اجتماعی، سلامت و امّیت و سرانجام، تأمین نیازهای روانی و اجتماعی فرد را می توان نام برد. (۲۹) اهداف ازدواج ۱. ایجاد محیطی خصوصی برای آرامش و آسایش: نیاز به آرامش که ریشه در سرشت آدمی دارد، بر اساس تعلیم مکتب اسلام یکی از مهم ترین و شاید اولین انگیزه ی ازدواج محسوب می گردد. ازدواج در حقیقت، کانونی تشکیل می دهد که در آن، زن و مرد احساس آرامش کنند زیرا زنان و مردان آرامش دهنده ی روانی یک دیگرند و خداوند می فرماید: «یکی از نشانه ها این است که برای شما همسری از جنس خودتان بیافرید تا با او انس گیرید و در کنارش آرامش بیابید.» (۳۰) ۲. تأمین نیازهای جنسی: انسان دارای مجموعه ای از نیازها و غرایز است که عدم ارضا یا نقص در ارضای هر کدام از آن ها موجب ایجاد تزلزل در شخصیت می گردد و ازدواج، بهترین پاسخ به این غریزه است و رهبانیت و پس زدن آن صحیح نیست زیرا پیامدهای مختلف روحی و جسمی دارد. اسلام، غرق شدن در هوی و هوس و ارضای آزاد و نامشروع را صحیح نمی داند، چون جز تشنگی سیری ناپذیر و تنوع طلبی و اضطراب، چیز دیگری در پی نخواهد داشت بنابراین باید به ضرورت تأمین نیاز جنسی توجه نمود، اما نه تنها از بعد مادی و جسمانی بلکه در نتیجه ی تأمین صحیح، فرد از لحاظ روانی و اخلاقی نیز به آرامش می رسد. بنابراین فرد پس از ازدواج می تواند این غریزه ی مهم حیاتی را با شیوه ای مطلوب و معقول و اجتماع پسند ارضا کند و در سایه ی آن، به آرامش دست یابد. (۳۱) ۳. دوستی و محبت و عشق: آدمی در هر سن و مرحله ای از حیات خویش، به محبت احتیاج دارد و علاقه مند است که دیگران به او مهر بورزند. (۳۲) استاد شهید مطهری در این باره می گوید: پسر و دختری که هیچ کدام آن ها در زمان تجرّدشان در هیچ چیزی نمی اندیشیدند مگر آنچه مستقیماً به شخص خودشان ارتباط داشت، همین که به هم دل بستند و کانون خانوادگی تشکیل دادند، برای اولین بار خود را به سرنوشت موجودی دیگر علاقه مند می بینند. شعاع خواسته هایشان وسیع تر می شود و چون صاحب فرزند شدند، به کلی روحشان عوض می شود... (۳۳) و اگر به اتحاد روح زن و شوهر و عواطف صمیمانه ای که تا آخرین روزهای پیری - که غریزه ی جنسی فعالیت ندارد - توجه کنیم به این نقش ازدواج بهتر پی می بریم. ۴. تکمیل و تکامل: هیچ انسانی به تنهایی کامل نیست؛ به همین جهت پیوسته در صدد این است که نقص و کمبود خویش را جبران کند، جوانان با گزینش همسری شایسته، موجبات رشد و تکامل خود را فراهم می کنند و در مسیر زندگی، از نظرات و تشویق ها و حمایت های یک دیگر بهره مند می شوند. «شهید مطهری» درباره ی نقش تربیتی ازدواج می گوید: یک پختگی هست، که جز در پرتو ازدواج و تشکیل خانواده پیدا نمی شود، در مدرسه پیدا نمی شود، در جهاد نفس، نماز شب و ارادت نیکان پیدا نمی شود، این را فقط در همین ازدواج و تشکیل خانواده باید به دست آورد. (۳۴) ۵. تولّد فرزند و بقای نسل و سلامت آن: میل به داشتن فرزند و تداوم نسل ها و پرورش انسان ها از انگیزه و اهداف مهمی است که در طول دوره های گوناگون، همواره عامل مهم ازدواج و تشکیل خانواده بوده است. تشکیل خانواده، ایجاد کانون پذیرایی نسل آینده است و سعادت نسل ها بستگی به وضع خانوادگی دارد و سلامت امّیت فرزندان در گرو استحکام خانواده می باشد. (۳۵) ۶. سلامت و امنیت فردی و اجتماعی: خانواده کوچک ترین واحد اجتماعی و مقدّس ترین نهاد بشری است و در بردارنده ی پاک ترین و عمیق ترین مناسبات انسانی است که برای سلامت و امّیت و سعادت فرد و اجتماع، سودمند و ضروری است. قرآن کریم زن و شوهر را به لباس یک دیگر تشبیه نموده است. (۳۶) همان طور که انسان همیشه با لباس است و لباس، هم مایه ی آراستگی و زیبایی و هم جامه ی ستر و عفاف اوست، زن و شوهر نیز همین گونه اند. لباس از همه چیز به تن انسان نزدیک تر است و محرم تر و آن گاه همین لباس در عین نزدیکی به تن، بدن را از دیگران می پوشاند و دور می سازد؛ همان طور که از نوع لباس فرد می توان به شخصیت و افکار او پی

برد، از نوع همسری که بر می‌گیرند نیز می‌توان به شخصیت و هویت او پی برد. ... تفاوت دختر و پسری که تشکیل خانواده می‌دهند با دختر و پسری که در یک جامعه‌ی بی‌بند و بار، رابطه‌ی جنسی برقرار می‌کنند، این است که زن و شوهر مطابق تمایل قرآنی در حکم لباس یک‌دیگر و مایه‌ی عفت و پوشیدگی هم می‌باشند و حال آن‌که دو تای دیگر موجب برهنگی و بی‌عفتی یک‌دیگر می‌شوند. (۳۷) «ایور موریش»، جامعه‌شناس غربی معاصر، درباره‌ی نقش خانواده در زمینه‌های مختلف می‌گوید: «برخی از وظایف روانی و اجتماعی، در نقش تربیتی خانواده مستترند. مناسبات جنسی و عاشقانه برای انسان نیاز اساسی محسوب می‌شود و هر چند واضح است که می‌توان این نیازها را در خارج از نهادهای خانواده و ازدواج برآورده کرد ولی این نکته نیز واضح است که ارضای کاملاً نامحدود خواسته‌های جنسی، به فروپاشی نظام جامعه و مناسبات آن منجر می‌شود. ... خانواده واحد بسیار تخصصی تأمین محبتی است که به حصول اطمینان از ثبات عاطفی کمک می‌کند. تحقق این امر هنگامی است که زن و مرد در شرایط امروزی، زندگی موفقیت‌آمیز داشته باشند. ثبات عاطفی در بلندمدت، بسیار بیش‌تر از هیجانات جسمانی برای انسان جنبه‌ی حیاتی دارد. (۳۸) «ویل دورانت» درباره‌ی نقش ازدواج می‌گوید: اگر با جوانی خرد و تعقل یار می‌بود، عشق را از هر چیزی گرامی‌تر می‌داشت و روح و جسم را برای پذیرایی عشق، تمیز و پاکیزه نگاه می‌داشت و ایام عشق را با ماه‌های نامزدی طولانی‌تر می‌ساخت و آن را با ازدواج پر از آداب و تشریفات، تضمین می‌کرد و با تصمیم جدّ تمام، همه را پیرو آن می‌ساخت. اگر عقل و حکمت با جوان بود، عشق را عزیز می‌داشت و آن را با اخلاص تقویت می‌کرد و با فداکاری عمیق‌تر می‌ساخت و با آوردن فرزند به آن حیات و زندگی می‌بخشید. (۳۹) پس تا انسان زنده است و زندگی می‌کند، نیازمند یار و یآوری مهربان و رفیقی همدل و همراه و پشتیبان لحظه‌های تنهایی است و همسر انسان بهترین فرد است. این جاست که دین مبین اسلام بر ازدواج تأکید فراوانی داشته، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و سایر معصومین (علیهم السلام) بر آن توصیه می‌نمودند. می‌فرمایند: انسان با سنّ بلوغ باید ازدواج کند. آیا در آن بحران فکری و روحی و جسمی و تزلزل شخصیت، ازدواج موفقیت‌آمیز است؟ آیا بهتر نیست تا فراهم شدن شرایط مناسب صبر کنند؟ (۴۰) فرایند بلوغ، یکی از حساس‌ترین دوره‌های زندگی هر فرد است. نوجوانان در این دوره، تمایلات و خواهش‌های گوناگون و متفاوتی داشته، این دوران برای آنان نوعی تولد مجدد به حساب می‌آید. عده‌ای از روان‌شناسان، رشد و تحوّل انسان را یک پدیده‌ی مداوم و پیوسته نمی‌دانند؛ بلکه آن را متشکل از مراحل و دوره‌های مختلف می‌دانند که از جمله دوره‌های آن «بلوغ» است که می‌توان آن را نوعی بحران بلوغ نامید که با آن، بی‌سروسامانی روانی آغاز می‌شود. (۴۱) و حدّ فاصلی میان کودکی و بزرگی است. اما در مقابل این گروه، برخی دیگر از روان‌شناسان، رشد را امری مداوم و پیوسته می‌دانند که از کودکی شروع شده، بدون انقطاع، ادامه داشته، در هنگام بلوغ، آهنگی سریع‌تر می‌یابد؛ بنابراین آن را نمی‌توان بحران بلوغ نامید. (۴۲) چرا که: ۱. کلیه‌ی نوجوانان، بحران و انقلاب عمیق و شدید شخصیتی را نمی‌گذرانند و تحمّل بلوغ بر حسب وضعیت اجتماعی و شخصی افراد مختلف تغییر می‌کند. ۲. تغییرات بیولوژیک (زیستی) را نمی‌توان، بحران در تمام زمینه‌های روانی و رفتاری دانست. ۳. در روان‌شناسی اجتماعی و تحلیل روانی، تعارض‌ها را منحصر به دوره‌ی بلوغ نمی‌دانند و نشانی از بحران خاصی در دوره‌ی بلوغ نمی‌بینند. پس به صورت کلی و فراگیر نمی‌توان قائل شد که همه‌ی نوجوانان و جوانان دچار بحران شدید فکری و تزلزل شخصیت می‌شوند؛ به صورتی که قادر به تصمیم‌گیری درست نیستند، و همین دو دسته شدن روان‌شناسان، می‌تواند شاهدی بر عمومیت نداشتن این قضیه باشد که همه‌ی جوانان دچار این بحران نشده، بلکه به دو گروه تقسیم می‌شوند. اما بر این نکته نیز ادغان می‌کنیم که جوانی، بدون دغدغه‌های مختلف روحی و فکری نیست و جوان در پی جستجوی مفاهیم و صفاتی است که تشکیل‌دهنده‌ی شخصیت و هویت اوست و او در پی بازسازی و پی‌ریزی هویت شخصی است و از جمله مشغله‌های ذهنی او اهداف بلند، انتخاب شغل، رفتار و تمایل جنسی و مذهب و ارزش‌های اخلاقی است. (۴۳) بدیهی است، همان‌گونه که گفتیم، در ایام جوانی، شوق جنسی و احساسات، بر روان آدمی سایه انداخته، ناخودآگاه به رفتار و

سخن و نگاه جوان رنگ و لعاب دیگر می بخشد. در این میان، التهاب و هیجان چنان به اوج می رسد که آهنگ صدا و رفتار و حرکات را تحت تأثیر قرار می دهد. و اگر به این بیداری طبیعی غریزه، محرکات عصر ارتباطات (فیلم و عکس و...) را ضمیمه کنیم در می یابیم که کف نفس و صبر، بسیار مشکل است و اگر این تمایلات شدید از راه صحیح و قانونی ارضا نشود، امکان انحراف جوان می رود و این انحراف، اغلب به صورت کام جویی بدلی تجلی می کند که آثار مخربی بر روح و روان و جسم او نهاده، سلامت فرد و جامعه را به خطر می اندازد. از جمله ی انحرافات، ابتلا به خودارضایی، هم جنس بازی، خود فروشی و چشم چرانی را می توان نام برد. حال باید بدانیم با طبیعت و غریزه چه رفتاری کنیم؟ آیا طبیعت حاضر است خواسته های خود را به تأخیر بیندازد؟ آیا تا ما آمادگی لازم را تحصیل نکردیم، غریزه ی جنسی ما را رها می کند؟ آیا باید به خاطر خطرات ناشی از دوران بلوغ، از ازدواج سرباز زد و رهبانیت و یا انحراف در مفاسد را پذیرفت؟ این جاست که بسیاری از دست اندرکاران امور جوانان، ازدواج را به عنوان تنها راه صحیح و کامل، پیشنهاد نموده، بر این باورند که جامعه، دولت و خانواده، باید تمام تلاش خود را برای تسریع در امر ازدواج جوانان معطوف سازند. خود جوانان نیز خواستار تسهیلات هر چه بیش تر در این امرند تا پاسخ گوی نیازهای روحی و جسمی آنان باشد. بنابراین دین حیات بخش اسلام تأکید فراوانی بر ازدواج داشته، آن را مایه ی سلامت دین و روان جوان می داند. (۴۴) البتّه تنها بلوغ جسمی را نمی توان شرط ازدواج دانست بلکه رسیدن به سنّ رشد نیز لازم است. شهید «مطهری» (رحمهم الله) در این باره می گوید: از نظر اسلام مسلمّ است که پسران اگر به سن بلوغ برسند و واجد عقل و رشد باشند، اختیاردار خود هستند. (۴۵) از شرایط لازم ازدواج، شناخت درست دختر و پسر از یک دیگر و رعایت شرایط همسانی در مسائل اعتقادی و خانوادگی و تحصیلات است و جوان و نوجوان می تواند برای جبران ضعف های ناشی از این دوره، از کمک خانواده و مشاوران دلسوز استفاده نموده، از تجارب آنان بهره مند شود. در پایان، خاطر نشان می شود که نقش ازدواج در رشد و تعالی فکری و روحی جوانان، نباید مورد غفلت واقع شود. ازدواج، ظرفیت ها و استعداد های خفته ی جوان را شکوفا کرده، به آهنگ رشد آن سرعت می بخشد. جوان با احساس مسئولیت در رفتار و اعمال خود دقیق تر شده، سریع تر به پختگی اجتماعی می رسد و نسبت به مسائل جامعه نیز حساس تر می شود و با دقت و تیزبینی بیش تری بدان ها می پردازد. بهترین زمان برای ازدواج چه سنی است؟ آیا ازدواج در اوایل جوانی با شرایط کنونی جامعه مناسب است؟ (۴۶) پروردگار عالم، انسان را به گونه ای آفرید که بدون همسر، ناقص است و برای رشد و تعالی و پاسخ گویی درست به نیازهای روحی و جسمی، نیازمند تشکیل خانواده می باشد. همیشه برای جوان این پرسش مطرح است که «چه زمانی ازدواج کنیم؟» در پاسخ باید گفت: زمان مناسب، هنگامی است که بلوغ جنسی و عقلی در انسان به کمال برسد و انسان به حدّ رشد رسیده باشد. هر زمانی که از درون انسان، این نیروی فطری و غریزی، ندای طلب سرداد و احساس نیاز روحی و جسمی انسان را گوشزد نمود و خویش را آماده ی قبول مسئولیت احساسات و عواطف طرف مقابل معرفی نمود، هنگام ازدواج است. هر کس می تواند به خوبی این ندا را از درون خود بشنود؛ البته به شرطی که این نیرو در اثر بعضی عوامل، که باعث بلوغ زودرس می شوند، منحرف و بیمار نشده باشد. کسی که به خوبی غوغای درونش را درک می کند و احساس نیاز به همسر را هم چون غذای روزانه لمس می کند و به سوی جنس مخالف کشیده می شود و همیشه غرق در افکار و رؤیایها، دل نگران تنهایی و پریشانی خود است و به خوبی می داند که ایام بچگی، گذشته و تحوّل در او به وجود آمده و دایم به دنبال گم شده ای است که آرامش بخش لحظه های سکوت و تنهایی او باشد و همچون یار و یاور غمخوار با تمام وجود درکش کند، چنین کسی به بلوغ لازم برای ازدواج رسیده است و تأخیر در آن جز پشیمانی و حسرت ارمغان دیگری ندارد. البته جوانی که هنوز ازدواج را نوعی بازی کودکانه می پندارد و تنها هدف آن را تخلیه ی نیروی تحریک شده از محرکات گوناگون، تلقی می کند، هنوز به بلوغ فکری لازم نرسیده است. جوان باید به این نکته برسد که در کنار همسر، جدای از آن که به نیازهای روحی و جسمی خود پاسخی درست می دهد، در مقابل سلامت جامعه ی امروز و آینده مسئول است؛ بنابراین در انتخاب همسر باید دقت

لازم را نموده، فردی را برگزیند که با تعهدی عمیق و مقدس، به سوی ایجاد کانونی گرم و با صفا برای تأمین نیازهای روحی و روانی و جسمی و تربیت نسل آینده، گام بردارد. چه بسا جوانانی با رسیدن به بلوغ لازم، احساس نیاز نموده، خویشتن داری برایشان مشکل است، اما به سبب فضای جامعه و به خیال عدم استقلال مالی و به ویژه با عدم مساعدت خانواده، تن به ازدواج نمی دهند. بسی روشن است چنین جوانی که به بهانه های تحصیل و مشکلات مالی و هزینه ی جشن، ازدواج را به تأخیر بیندازد، خواه ناخواه طراوات و طهارت روح او از بین رفته و به روابط غیر قانونی با جنس مخالف تن داده، به انحراف کشیده می شود که به اعتراف همه ی روان شناسان و جامعه شناسان، عواقب آن از هر معضل دیگری زیان بارتر است. جوان فرسوده ای می گفت: چندین سال است که استمنا می کنم. اکنون برایم همسری گرفته اند، به او میل ندارم و نمی توانم از او لذت ببرم. هنوز هم استمنا می کنم و این کار را بر مباشرت با همسر ترجیح می دهم (۴۷). به اعتراف کارشناسان علوم تربیتی و علوم اجتماعی، ازدواج در سنین جوانی، بهترین راه حل برای سلامت فرد و جامعه است. دختر و پسر می توانند با نامزدی شرعی، هم از لذایذ زندگی بهره مند شوند و هم عفاف و طهارت جسم و روح را نگه دارند و در عین حال، به خاطر این که مسئولیت های زندگی بر دوششان نیست، ادامه ی تحصیل دهند. بدیهی است در صورت همراهی و برنامه ریزی درست خانواده ها، می توان این گونه نامزدی را راه حل مناسبی برای وضعیت کنونی جامعه دانست. (۴۸) هر چند باید در مدت زمان آن دقت نمود و مناسب با شرایط و محیط افراد عمل کرد تا آثار سوئی از آن به بار نیاید. آیا هم کلام و هم قدم شدن در حد شرعی برای آشنایی قبل از ازدواج اشکال دارد؟ در ابتدا باید اشاره نمود که منظور از هم کلام شدن و هم قدم شدن در حد شرعی چیست؟ اگر منظور شما، رابطه ی رسمی و با موافقت خانواده و به صورت عقد موقت است - که در برخی از مناطق ایران مرسوم شده است - اشکالی ندارد. بلکه از جهات مختلف مفید می باشد و دختر و پسر می توانند برای شناخت و تفاهم بیش تر تلاش نموده، آماده ی زندگی مشترک گردند. اما اگر مراد، رابطه ای غیر از آن باشد، دیگر شرعی نبوده و مانند سایر دوستی ها و رابطه هاست، اگر دختر و پسری مراحل انتخاب را گذرانند و از جهات مختلف به نظرات مثبتی رسیدند و قصد ازدواج دارند، می توانند با هماهنگی خانواده ها، با هم صحبت و تبادل افکار کنند تا تصمیم نهایی را بگیرند و در این صورت، هم کلام شدن بدون اشکال است، البته فقط برای مدتی که لازم است، معمولاً با یک یا دو جلسه. در این جا لازم است یادآوری کنیم که هدف بیش تر جوانان، به ویژه دختران در برقراری ارتباط با جنس مخالف، ازدواج بوده، در آرزوی یافتن همدلی صادق برای زندگی مشترکند، این دسته از جوانان باید بدانند که ازدواج باید با دیدی باز و شناختی کامل از روحيات و اخلاق و سلیقه های یک دیگر صورت پذیرد تا دختر و پسر به اتحاد و یکرنگی هر چه بیش تر رسیده، در فراز و نشیب زندگی، یار و یاور هم باشند و به کمک عشق و محبت راستین، در کوران مشکلات مقاومت نمایند. اما چه شناختی برای ازدواج لازم است و چگونه می توان به خصوصیات واقعی طرف مقابل پی برد و از زوایای مخفی اندیشه و روحيات و اخلاق او سر در آورد؟ آیا به صرف اظهار محبت به روش های گوناگون، می توان به همه ی این ها پی برد؟ آیا دختر و پسری که غرق در احساسات و غرایز بوده، همه چیز را با خوش بینی و حسن نیت - که لازمه ی این سن و سال است - می بینند می توانند به شناخت لازم برسند؟ جدای از آن که گزینه ی جنسی و شهوات نیز بر دل و دیده ی آن ها حکومت می کند. دوستی ها و روابط قبل از ازدواج، شناخت لازم را برای زندگی تأمین نمی کند و دو طرف را از الزامات و تعهدهای درونی نسبت به عشق و خانواده و مسئولیت زندگی و مقدار ظرفیت های روانی و اخلاقی آن ها باخبر نمی سازد، بلکه شناختی سطحی و کاملاً عاطفی و احساسی است. در شناخت لازم برای ازدواج، باید معیارها و ملاک های اساسی، چون: ایمان و دین داری، اصالت و شرافت خانوادگی، اخلاق نیک و حسن معاشرت، رعایت همسانی و کفو بودن در مسائل فرهنگی، خانوادگی و اقتصادی و... را در نظر گرفت، و با مطالعه بر روی خانواده ی طرف مقابل و اخلاق و ایمان سایر اعضا و آشنایی با بافت فرهنگی و تربیتی آنان و با صحبت های رسمی با طرف مقابل - البته به دور از تسلط گزینه ی جنسی و احساسات - می توان به شناخت لازم دست یافت. در صورتی که خانواده

بر اساس آشنایی سطحی و خیابانی بنا شود، در معرض خطر از هم گسستگی است و با مشکل کوچکی متزلزل می‌شود. در یکی از نشریات، حکایت هشدار دهنده‌ای درج شده که مردی بعد از پنج ماه زندگی مشترک، به دادگاه آمده بود تا همسرش را طلاق دهد و در بیان علت آن می‌گفت: از همسرم شناخت کافی نداشتم و امروز دیگر نمی‌توانم زندگی ام را با او ادامه دهم. او در چگونگی آشنایی و ازدواج خود می‌گوید: در یک تولیدی پوشاک کار می‌کنم. چند وقت قبل از ازدواج با او، بر حسب تصادف، شماره‌ی محل کار مرا می‌گیرد که برای اولین بار پاسخ گوی تماس او می‌شوم و دوباره این کار تکرار می‌شود و نهایتاً به ملاقات‌های حضوری در خیابان و ازدواج می‌انجامد؛ اما حالا دریافتم که این ازدواج پیامد خوبی ندارد. (۴۹) دکتر «شیخی» در مصاحبه‌ای می‌گوید: عشق و علاقه‌هایی که اغلب در آشنایی‌های خیابانی و ... حاصل می‌شود، بیش‌تر در همان دوران پدیدارند و هنگام تشکیل زندگی، این قبیل دوست داشتن‌ها به سردی می‌گراید و در نهایت، برخی به طلاق می‌انجامد. (۵۰) پس بهتر است، از این گونه دوستی‌ها پرهیز نمود و به تعالیم تربیتی اسلام تمسک جست و چشم و دل خود را پاک نگه داشت و به هنگام ازدواج، با مشاوره‌ی خانواده، با دختری با ایمان و عفیف و خانواده‌دار ازدواج نمود و خود را از آلودگی‌ها حفظ کرد. روابط دو دانشجویی که با توافق خود و والدین قصد دارند در پایان تحصیلات با هم ازدواج کنند، چگونه است؟ ازدواج مهم‌ترین حادثه‌ی زندگی انسان است که خوش‌بختی و سلامت آینده، در گرو این تصمیم است. اگر بتوانیم یار و یاور پاک و صادق برای زندگی مشترک برگزینیم و همدلی همراه بیابیم، می‌توان گفت که به خوش‌بختی و شادی دست یافته‌ایم. نکته‌ی مهم، در یافتن شخص مناسب و شناخت صحیح از اوست. روابط دو دانشجو - هرچند با توافق والدین - اگر بدون خواستگاری رسمی و عقد شرعی موقت یا دائم باشد، از نظر شرعی توجیه پذیر نیست. حال در این هنگام که دو جوان به تفاهم رسیده و هم‌دیگر را قبول دارند و دو خانواده نیز موافقتند، چه خوب است این روابط به صورت رسمی در آورده شود که هم سبب پایداری و تعهد عمیق شود و از تزلزل خارج گردد و هم از نظر شرعی، نگاه‌ها و روابط دوستانه و عاشقانه حرام نباشد و زوجین در کمال آرامش روحی و روانی از گرمای وجود هم لذت برده، خود را از آلودگی‌ها مصون دارند. البته گفتنی است که ازدواج باید با دیدی باز و شناختی کامل از روحیات و سلیقه‌های فردی صورت گیرد و دختر و پسر از اندیشه‌ها و زوایای مخفی اخلاق و رفتار یک‌دیگر، تا حد امکان، شناخت پیدا نمایند و هر چه این شناخت عمیق‌تر باشد، در زندگی به اتحاد و وحدت بیش‌تری رسیده، در فراز و نشیب زندگی با اندک ناملایمات و اختلاف سلیقه، کانون گرم خانوادگی به خطر نمی‌افتد. در ازدواج باید به معیارهایی که در پاسخ پرسش قبل ذکر شده، توجه کافی نمود تا به آینده‌ای سرشار از صفا و یکرنگی و محبت دست یافت. چگونه می‌توان دوستی قبل از ازدواج را به صورت شرعی انجام داد؟ (۵۱) یکی از مشکلاتی که جامعه‌ی امروزی با آن رو به روست، بحث ارتباط دختر و پسر است. البته این مسئله در این سؤال، با عنوان دوستی قبل از ازدواج مطرح شده و شاید منظور رابطه‌ای است که مقدمه‌ی ازدواج به حساب آید. به راستی چرا امروزه برخی از جوانان، بر دوستی و روابط اصرار می‌ورزند و انگیزه‌ی اصلی آن‌ها چیست؟ آیا غیر از این است که در حال حاضر، محرکات جنسی فزونی یافته و جلوه‌گری و دلبری و بدحجابی‌ها فراوان شده و نگاه‌های هوس‌آلود و حجب و حیا کم‌رنگ شده است؛ تا حدی که بعضی از جوانان پاک و معصوم و متشعراً ما نیز به دنبال راه حل شرعی برای این نوع کامیابی‌های انحرافی و زودگذرند؟ البته در طبیعت انسان، کشش درونی به جنس مخالف وجود دارد که اسلام برای ارضای صحیح آن، ارتباط قانونی و ضابطه‌مند را مطرح کرده و خواستار آن است که افراد در سطح جامعه، بر اساس احترام متقابل و بر مبنای عواطف پاک و خالصانه و به دور از هوی و هوس با هم ارتباط داشته باشند. در نتیجه، حکم دوستی‌های قبل از ازدواج، اگر تنها برای کامیابی‌های جنسی و در اثر غلبه‌ی شهوانی باشد، معلوم است. و اگر دختر و پسر بعد از شناخت اجمالی با فرد و خانواده‌ی او، احساس تفاهم نمایند و در ظاهر نیز مانعی بر سر راه ازدواج آنان نباشد و خودشان هم قصد جدی داشته باشند، می‌توانند به صورت رسمی، به دور از مسائل شهوانی، چند جلسه‌ای با هم صحبت کنند تا به صورت دقیق با افکار و عقاید هم آشنا شوند و

بهتر است برای آشنایی کامل، مدتی به صورت نامزدی شرعی (بعد از عقد موقت یا دائم) با هم ارتباط داشته باشند تا آماده‌ی زندگی مشترک گردند. جوانی هستم که هر گاه به ارتباط دختر و پسر فکر می‌کنم، به آن علاقه مندم، اما اجازه‌ی این کار را به خود نمی‌دهم؛ چه کنم؟ (۵۲) در بخش نخست و صفحات پیشین، درباره‌ی نیاز طبیعی دختر و پسر به یک دیگر مطالبی بیان شد. آنچه مهم است زمینه‌سازی و ایجاد بستری مناسب برای پاسخ به آن است. بنابراین کشش درونی به جنس مخالف و میل به دوستی و مصاحبت با آنان، امری طبیعی است، اما نکته‌ی مهم در این است که آیا ارتباط و دوستی، نیازهای روحی و روانی شما را به طور کامل ارضا می‌نماید و یا این که برای حلّ یک مشکل، گرفتار مشکلات متعددی می‌گردید؟ اگر تا کنون به این کار اقدام نکرده‌اید و به خود اجازه‌ی ایجاد رابطه نداده‌اید، از این تصمیم درست خود، خرسند باشید زیرا جوانانی که به این راه کشیده می‌شوند، اولین چیزی که از دست می‌دهند، گوهر ارزشمند عفاف و پاکی است. در پاسخ به پرسش‌های قبلی درباره‌ی آثار و پیامدهای منفی این گونه روابط، به اندازه‌ی کافی سخن گفتیم که از جمله‌ی آن‌ها، کاهش آرامش روانی، استواری اجتماع، تزلزل کانون خانواده و افزایش فساد و انحرافات را می‌توان نام برد. بنابراین درست است که جوانان بعد از بلوغ و بیداری غریزی، به طور طبیعی به جنس مخالف علاقه مند می‌گردند و خواستار ایجاد روابط دوستانه می‌شوند تا روح و جسم آنان را آرامش بخشد، اما دوستی‌های خیابانی و ... پاسخ درستی نبوده، مشکل جوانان را حل نمی‌کند و همان گونه که گفتیم، ازدواج، صحیح‌ترین راه است. جوان با پذیرش پیمان زناشویی و با مورد اعتماد قرار گرفتن، پیوسته احساس ارزشمندی می‌نماید، و شخصیت او تثبیت و استعدادهایش شکوفا می‌گردد. این تحوّل، جوان را از انحراف در هرزگی و بی‌برنامگی و اسراف و فرو رفتن در لاک خود باز می‌دارد. پسری که ازدواج نموده است، دیگر در هیچ غروبی دلش نمی‌گیرد و در روز تعطیل، بی‌حوصله و سر در گم نمی‌ماند. بلکه در کنار همسر و فرزند خود، در کنار همه‌ی عشق و امید و در دنیایی از احساسات پاک، شادمانه پرواز می‌کند و اگر برای جوانی، شرایط ازدواج فراهم نیامده و یا فرد مورد نظر را نیافته است، باید با عفاف و خویش‌داری و پرهیز از محرکات جنسی، از گوهر طهارت و سلامت پاسداری کند تا به لطف و یاری پروردگار، در زندگی، موفق و سربلند باشد. -----

(۱). از پرسش‌های رسیده به مرکز. (۲). مرتضی مطهری، حق و باطل، ص ۱۳۵. (۳). همو، مسئله‌ی حجاب، ص ۲۴۱. (۴). سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۹. (۵). آیت الله جوادی آملی، زن در آئینه‌ی جلال و جمال، ص ۳۹۴ و ۳۹۵. (۶). همان، ص ۳۹۷. (۷). علامه‌ی طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۳۷. (۸). از پرسش‌های رسیده به مرکز. (۹). از پرسش‌های رسیده به مرکز. (۱۰). ماه نامه‌ی کیان، بهمن ۷۷، مصاحبه با آقای فولادوند. (۱۱). مرتضی مطهری، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، ص ۶۹. (۱۲). ر.ک. سوره نور، آیه‌ی ۳۱. (۱۳). ر.ک. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۳. (۱۴). در بخش‌های بعدی به این آمار و ارقام خواهیم پرداخت. (۱۵). مرتضی مطهری، مسئله‌ی حجاب، ص ۱۱۳ و ۱۱۴. (۱۶). ویل دورانت، لذات فلسفه، ص ۹۷. (۱۷). مسئله‌ی حجاب، ص ۱۳۰. (۱۸). مرتضی مطهری، اخلاق جنسی در اسلام و غرب، ص ۱۰. (۱۹). راسل، زناشویی و اخلاق، ص ۲۵ و ۲۶، به نقل از اخلاق جنسی در اسلام و غرب، ص ۱۰. (۲۰). وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳. (۲۱). سوره‌ی روم، آیه‌ی ۲۱. (۲۲). مرتضی مطهری، اخلاق جنسی در ...، ص ۱۵. (۲۳). وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۷۵، باب ۴۹ نکاح و ص ۸۳ باب ۵۷ نکاح. (۲۴). وسائل الشیعه، کتاب التکاح، ج ۱۴، ص ۹ و ۷۴ و ۷۵ و ۸۳ و ۱۱۸. (۲۵). از پرسش‌های رسیده به مرکز. (۲۶). ر.ک. سوره‌ی رم، ۲۱. (۲۷). وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳. (۲۸). همان، ص ۶. (۲۹). شکوه نوابی نژاد، مشاوره‌ی ازدواج و ...، ص ۵. (۳۰). سوره‌ی روم، ۲۱. (۳۱). همان، ص ۶ و ۷، برای مطالعه درباره‌ی اهداف ازدواج ر.ک: آیت الله امینی آیین همسر داری، ص ۱۱ - ۲۳. (۳۲). استادان طرح جامعه و آموزش خانواده، جوان و تشکیل خانواده، ص ۱۰۹ و ۱۲۹. (۳۳). شهید مرتضی مطهری، جاذبه و دافعه‌ی علی (علیه السلام)، ص ۴۰. (۳۴). جوان و تشکیل خانواده، ص ۱۰۸ و ۱۲۹، کتاب مشاوره‌ی ازدواج، ص ۵ - ۱۰. (۳۵). مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۳۹۸. (۳۶). ر.ک. سوره

ی بقره، ۱۷۸. (۳۷). غلامعلی حداد عادل. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۷۲. (۳۸). ایور موریش، درآمدی بر جامعه شناسی تعلیم و تربیت، ص ۱۷۲. (۳۹). ویل دورانت، لذات فلسفه، ص ۴۶۲. (۴۰). از پرسش های رسیده به مرکز. (۴۱). احمد احمدی، روان شناسی نوجوان و جوانان، ص ۲۰. نماینده ی این گروه پیاژه و الون هستند. (۴۲). نماینده ی این گروه، گزل می باشد. روان شناسی نوجوان و جوانان، ص ۱۹. (۴۳). دکتر ایزدی، مسائل نوجوانان، ص ۲۲. به نقل از روان شناسی نوجوان و جوانان، ص ۱۱۸. (۴۴). وسائل الشیعه، ج ۱۴، کتاب النکاح، ص ۱ - ۳۰. (۴۵). مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۷۷. (۴۶). از پرسش های رسیده به مرکز. (۴۷). علی اکبر مظاهری، جوانان و انتخاب همسر، ص ۲۴. (۴۸). ر.ک: آل اسحاق، دوران نامزدی، حل مشکل جوانان، رسالت: شماره ی ۲۱۰۲، ۱/۲/۱۳۷۲، هم چنین ر.ک: جوانان و انتخاب همسر، ص ۲۴۰. (۴۹). هفته نامه ی دیدگاه، پیش شماره ی ۳، آبان ۷۹، ص ۵. (۵۰). پیشین (۵۱). از سؤالات ارسالی به مرکز. (۵۲). از پرسش های رسیده به مرکز.

آثار ارتباط و پیامدهای آن

در بخش های پیشین درباره ی دلایل طرفداران روابط دختر و پسر و پاسخ به آن از نظر دین اسلام سخن گفتیم و با برخی از آثار و تبعات آن آشنا شدیم. در این بخش به برخی دیگر از آثار دنیوی و اخروی آن اشاره می کنیم و مسائلی را که به گونه ای با بحث ما در ارتباط است، ذکر می کنیم. روابط نامشروع چه تأثیری در روحیه و ایمان و اعتقادات جوانان دارد؟ (۱) اگر انسان به غرایز و شهوات، به عنوان تنها هدف زندگی نگاه کند، دیگر نمی توان راه مخصوصی را برای او پیشنهاد کرد و از چشم چرانی و خودارضایی گرفته تا هم جنس بازی و هرگونه انحراف دیگر در نظر او جایز و پسندیده است. هر چند در ستیز با کرامت انسانی باشد و منجر به نابودی جامعه ی بشری گردد. آن چه امروزه جوامع غربی، شاهد پیامدهای منفی آن است معلول اصل لذت جویی و حکومت غرایز و روابط مختلط و آزاد است. امروزه بعد از اجرای فراگیر نظرات امثال «فروید و راسل» در جوامع غربی و غرب زده، شاهدیم که روز به روز بر آمار بیمارهای روانی و خودکشی اضافه می شود و آنان که عمری را در راه لذت جویی، سپری کرده اند، در نهایت به بن بست و پوچی رسیده و هویت انسانی خویش را از دست داده اند. در بخش دوم درباره ی آثاری نظیر از دست دادن آرامش روانی و افزایش التهاب ها و عضلاتی که دامن گیر اجتماع می شود، سخن گفتیم و اکنون تأثیرات آن را در روح و روان و ایمان انسان از نگاه احادیث معصومین (علیهم السلام) پی می گیریم: در معارف دینی، زمانی که خواهش های نفسانی از دایره ی شرافت انسانی خارج و هدف زندگی واقع گردد، مورد نکوهش واقع شده، به عنوان عاملی که مخرب دنیا و آخرت انسان است، معرفی شده است. همه ی انسان ها موظفند برای پاسداری از حریم عفاف و پاکی، کمال دقت را بنمایند. با نگاهی به داستان حضرت یوسف، در می یابیم که ایشان نیز در عین برخورداری از مقام والای معنوی، در مقابل وسوسه ای شیطانی و دعوت به شهوت، به خدا پناه برد و از او مدد جست. آثار و پیامدهای پیروی از شهوات ۱. آثار دنیایی حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: قرین الشهوة مریض النفس، معلول العقل (۲) کسی که با شهوت همراه است، جان و عقلش مریض و بیمار است. و در حدیث دیگری می فرماید: «و کم من شهوة قد اورثت حزناً طویلاً» (۳) چه بسیار شهوت (و لذات زود گذری) که حزن و اندوهی طولانی بر جای می گذارد. روزنامه ها و مجلات خانوادگی، مملو از حکایت هایی است که افراد در پی یک نگاه شهوت آلود و یا برای رسیدن به هوی و هوس، عقلشان مغلوب شهوت شده، دست به کارهایی زدند که یک عمر باید تاوان آن را بپردازند و جدای از عذاب اخروی، در دنیا جز بدنامی و تباهی و بدبختی چیز دیگری نصیبشان نشده است. در حدیثی آمده است: کسی که به سوی شهوات گام بردارد و پیشی جوید، آفات و بلاها نیز همان گونه به سوی او می آید. (۴) گناهایی که آشکارا انجام می پذیرد، تخلفی شدید است و سبب تعجیل در نزول بلاها و نقمات می شود. (۵) ۲. آثار معنوی و اخروی امام علی (علیه السلام) می فرماید: هیچ

چیزی همانند غلبه‌ی شهوت، تقوا را نابود نمی‌سازد (۶) و نیز فرمودند: شهوت و حکمت الهی در یک قلب جمع نمی‌شوند. (۷) در این باره روایات بسیاری موجود است که هر کدام اثری از آثار منفی گناهان و پیروی از شهوت را یاد آوری می‌کند و انسان را از عواقب سوء آن آگاه می‌سازد و آن چه در همه‌ی روابط و دوستی‌های نامشروع پیدا می‌شود، نگاه شهوت آلود و غلبه‌ی شهوت و هیجان‌های نامشروع است و اگر این روابط از حد دوستی‌های معمولی خارج شده، به روابط نامشروع زناشویی منجر شود، جدای از عواقب بسیار زیانبار فردی و اجتماعی، عذاب دردناک اخروی را نیز به دنبال دارد که در قرآن کریم به آن تصریح شده است. (۸) و در حدیثی از پیامبر، آلوده شدن به گناه زنا را همانند کشتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) و نابود کردن خانه‌ی کعبه و از بزرگ‌ترین گناهان بنی آدم ذکر می‌کند. (۹) در حدیثی دیگر، آثار شوم دنیایی آن را از بین رفتن آبرو، تعجیل در نابودی و فنا و قطع رزق، و در آخرت، حسابرسی دقیق و سخت و گرفتار شدن به قهر الهی و خلود در آتش جهنم می‌شمارد. (۱۰) زشتی و قباحت این پدیده‌ی شوم به حدی است که امروزه همه‌ی اندیشمندان عالم به آن اعتراف نموده و از آثار هولناک اجتماعی آن نگرانند. تأثیرهای منفی روابط از جهت اجتماعی چیست؟ پروردگار، دختر و پسر را برای ازدواج خلق کرده و جامعه این نقش را از آنان پذیرفته است. لیکن باید توجه داشت که عجله کردن در این راه و بی‌توجهی به واقعیت‌های اجتماعی، می‌تواند لطمه‌های جبران‌ناپذیری به تشکیل خانواده و خوش‌بختی آینده بزند و از آن جا که نوجوانان و جوانان از لحاظ شرایط روانی و عاطفی در برهه‌ای حساس از زندگی خویش به سر می‌برند که میل به دگرخواهی و احساس نیاز به جنس مخالف شدید است و تمام فکر و آرزوهای جوانان را در بر گرفته و تنها هدفشان دست‌یابی و وصال به طرف مقابل است، چه بسا از آثار و تبعات اعمال خود غافل گشته، به گونه‌ای رفتار می‌کنند که با جامعه‌ی پیرامون آن‌ها هماهنگ نبوده، برای همیشه باید تاوان کارهایشان را بپردازند. «ویل دورانت» تصریح می‌کند: جوان که پس از سال‌ها ناز پروردگی، از خانواده به اجتماع قدم می‌نهد، خود را آزاد می‌یابد و جام لذت آزادی را تا جرعه‌ی آخر سر می‌کشد، ... عاشق‌ترین چیزها و مبالغه‌ها و نامحدودیت‌هاست ... زندگی او در زمان حال است و افسوس گذشته را نمی‌خورد و از آینده نمی‌ترسد و با خوش‌دلی و سبک‌رویی، از تپه‌ای بالا می‌رود که قلّه، طرف دیگر آن را از چشم او پنهان داشته است. (۱۱) در این باره «ریموند بیچ» می‌گوید: یکی از ویژگی‌های جوانان این است که هر وقت هر چه دلشان می‌خواهد می‌کنند، بدون آن که نگران نتایج کار خود باشند؛ اما قوانین اخلاقی انعطاف‌ناپذیرند. قراردادهای اجتماعی بر اساس تمییز خوب از بد ایجاد شده‌اند، نه از روی هوس و دل‌خواه. و به همین دلیل، زمان هم قادر نیست آن‌ها را تغییر دهد؛ رعایت این قرار دادهای موفقیت و خوش‌بختی افراد را تضمین می‌کند. کسانی که به هواداری از تمایلات آنی خود، از این راه، منحرف می‌شوند، بعدها - هنگامی که دیگر خیلی دیر است - پی می‌برند که از منبع خوش‌بختی خود برداشت بیهوده‌ای کرده‌اند و هرگاه به سیاهه‌ی اعمال خویش رسیدگی کامل کنند، متوجه می‌شوند که زندگی آن‌ها هرگز نیازمندی‌های عمیق قلبشان را برنیاورده است؛ در حالی که دسته‌ی دیگر که همواره پایه‌ی زندگی را محکم می‌کنند، نه تنها از شادی‌های قلبی لذت‌سرشاری می‌برند؛ بلکه از دوران جوانی که مقدمه‌ی زندگی حقیقی است، نشاط و حظ وافر می‌گیرند. (۱۲) چه دوستی‌هایی که در آغاز از روی صداقت و پاکی و برخاسته از نیاز به محبت شروع شده، اما به سبب تحریک‌پذیری بسیار و غلبه‌ی غرایز، جز بدنامی، ارمغانی به بار نمی‌آورد. به عنوان مثال، دختری که در شهری کوچک، نامه‌ای از پسری دریافت کرده بود، در حالی که منحصراً یک نامه به پسر داده بود، به علت بروز اختلاف خانوادگی، پسر نامه‌ی وی را در پانصد نسخه تکثیر و در سطح شهر پخش می‌کند. دختر بعد از آن واقعه، در وضعیتی قرار می‌گیرد که حتی از خانه نیز نمی‌تواند خارج شود. (۱۳) چه بسیار دخترانی که تنها به خاطر معشوقه بودن و به پاس آن که دلی دل‌داده‌ی او شده است و به احترام وعده‌های دروغین ازدواج، پا در این میدان نهاده و مهر پسر را به حریم دل خویش راه داده است؛ اما بعد از آن که لطافت روح و عفت و پاکی او خدشه دار شد و از زمره‌ی دختران خویشان دار، خارج گردید، پسر، دل در گرو دیگری نهاده و او را در عرصه‌ی بدنامی، با دنیایی از غم و اندوه و ناکامی

رها نموده و به دنبال طعمه‌ی پاک و زلال دیگری است تا قسم‌ها و وعده‌های دروغین او را باور کند و به قطرات خونی که از قلب کاغذی او جاری است، ایمان آورد. چنین جوانی به هنگام ازدواج، به هر دختری برسد، با شک و تردید به او می‌نگرد و انتخاب همسر برایش مشکل می‌شود. و با این که ده‌ها گل را بوییده است، به دنبال غنچه‌ی تازه شکفته‌ای است که لطیف و پاک باشد. به ویژه در جامعه‌ای که بافت سنتی دارد و در عمق وجود افرادش وجدان و اخلاق حاکم است، بیش‌تر افراد، حتی کسانی که اهل رعایت ضوابط اخلاقی نیستند، دخترانی را که سابقه‌ی روابط و دوستی دارند، فاقد عفت و جاهت لازم دانسته، آنان را برای ارضای شهوات و چشم‌چرانی خویش شایسته‌تر می‌دانند تا شریک زندگی و محرم اسرار. در نتیجه دخترانی که با این عنوان معرفی شوند، بد نام شده، دچار آسیب‌های روانی و اجتماعی می‌گردند و آینده‌ی آن‌ها به خطر می‌افتد. جوانی در گفت و گویی درباره‌ی چگونگی روابط دختر و پسر، علی‌رغم اصرار بر رفع محدودیت‌های موجود در جامعه و خانواده می‌گوید: من هیچ وقت امکان نداشت با دختری که دوست هستم ازدواج کنم... (و ازدواج طبق معمول و با همراهی خانواده پسندیده است... شما اگر معنای ازدواج را بدانید، آن وقت حساسیت مردهای ایرانی را می‌فهمید. اگر دختری با چند پسر دوست بوده باشد، حاضر نیستم با او ازدواج کنم. (۱۴) «ویل دورانت» به صراحت می‌گوید: زنان بی‌شرم، جز در لحظاتی زودگذر، برای مردان جذاب نیستند... مردان جوان به دنبال چشمان پر از حیا می‌باشند و بدون آنکه بدانند، حس می‌کنند که این خودداری ظریفانه (حیا و عفاف) از یک لطف و رقت عالی خبر می‌دهد. (۱۵) دختران جوان باید بدانند، آن که هر روز در پی دلداری است و عاشق هزار معشوق است، همچون صیادی است که با دانه‌های رنگارنگ خود، در پی شکار صید است. نه عاشق دلداده. عاشق، خانه‌ی دلش را تنها، مهمان سرای یک دوست می‌کند. دل بستن به دل هر جایی، غوطهور شدن در مردابی بیش نیست. نکته‌ی دیگر آن که: پایه و اساس عشق و محبت، تعهد عمیق به یک دیگر است و در جایی که محرک‌های جنسی فزونی یابد، هوس، جانشین عشق شده، تنوع طلبی به جای تعهد و وفاداری می‌نشیند که در این باره، در بخش‌های گذشته بحث شده است. آقای دکتر سروش در حرمت شرعی ابراز دوستی میان دختر و پسر نامحرم تشکیک کرده می‌گوید: در فرهنگ گذشته‌ی ما، ابراز دوستی بین زن و مرد و دختر و پسر، به هر شکلش تحریم شده بود که همه‌اش معلوم نیست جنبه‌ی شرعی داشته باشد بلکه جوانب عرفی و اجتماعی ایرانی هم دارد. مسئله‌ی حلیت و حرمت، مال مقام اختیار است. در جبر که مسائل اختیاری نیست نه حلال دارد نه حرام. من نفهمیدم، عشق حرام یعنی چه؟ اصلاً عاشقی، ترک اختیار است. (۱۶) گفتیم که صرف ارتباط و صحبت کردن و برخورد زن و مرد با هم در زندگی روزمره بدون اشکال است اما دوستی‌ها و روابط عاشقانه‌ای که آقای دکتر در این سخنرانی به آن پرداخته است و بر ترویج آن تأکید می‌ورزد، به هیچ وجه قابل توجیه نیست و جدای از مشکلات و معضلاتی که گفته شد، امنیت و سلامت نسل جوان را به خطر می‌اندازد. این نوع دوستی‌ها و روابط در فرهنگ و فقه اسلامی نیز مورد تأیید قرار نگرفته، تشکیک ایشان در حرمت این گونه روابط، مستند فقهی ندارد. در بخش دوم، مسئله‌ی عشق و عاشقی را مطرح نمودیم و چنین نتیجه‌گیری می‌شد که ارتباط آزاد، با پاسداری از حریم عشق، منافات دارد و هوس و شهوت را جایگزین آن می‌نماید. اما در مورد مسئله‌ی غیر اختیاری بودن عشق و حلال بودن آن، باید بگوییم که اگر بپذیریم، پیدایش عشق و سلطه‌ی آن بر جان و روان آدمی، غیر اختیاری و خارج از اراده‌ی انسان است، اما به خوبی روشن است که مقدمات پیدایش آن، که از نگاه و ارتباط به وجود می‌آید، اختیاری است. هم چنین در صورت پیدایش عشق، دنبال آثار و تبعات آن رفتن و تماس و نامه‌نگاری‌های بعدی و ایجاد و حفظ ارتباط با نامحرم، همه تحت اراده و اختیار آدمی است. از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) نقل شده که فرموده اند: من عشق فکتم و عفت فمات، مات شهیداً کسی که عاشق شود، پس آن را پنهان کرده و عفت پیشه کند و در این حالت بمیرد، شهید از دنیا رفته است. (۱۷) بر این اساس، رابطه‌ی دوستانه و عاشقانه، با غیر همسر قانونی، در فرهنگ قرآن کریم مردود است. برای روشن شدن ریشه‌های این تفکر به مطالب ذیل توجه فرمایید. مرحوم «طبرسی» در تفسیر مجمع البیان می‌گوید: در دوران جاهلیت، رسم بر این

بود که زنان، علاوه بر شوهر خود با یک مرد دیگر رابطه‌ی عاشقانه برقرار می‌کردند که در مسائل زناشویی در اختیار شوهرشان بودند اما لمس و بوسه را از عاشق و دل‌داده‌ی خویش دریغ نداشتند. (۱۸) «برتر اندراسل» می‌گوید: چیز غریبی است که نه کلیسا و نه افکار جدید اجتماعی، هیچ کدام معاشقه‌های جنسی را به شرطی که از حد کوتاه معین پیش‌تر نروند، سرزنش نمی‌کند. این که گناه از چه حدی به بعد شروع می‌شود امری است که صاحب نظران در آن اختلاف دارند. یکی از بزرگان و مقدّسین کاتولیک ارتدکس را عقیده بر این است که یک پیرو مسیح، بدین شرط که نیت شیطانی نداشته باشد، حتی می‌تواند برجستگی‌های سینه‌ی یک خواهر مقدس را نیز نوازش نماید. (۱۹) این است مکتب حیات بخش غربی که کعبه‌ی آمال برخی از اندیشمندان ما شده است! استاد شهید «مطهری» می‌فرماید: پس از آن که قرن‌ها علیه شهوت پرستی، به عنوان امری منافی اخلاق و عامل برهم زدن آرامش روحی و مخلّ به نظم اجتماعی و به عنوان نوعی انحراف و بیماری توصیه و تبلیغ شده بود، یکباره ورق برگشت و صفحه عوض شد. جلوگیری از شهوت و پایبند بودن به عفت و تقوا و تحمیل قیود و حدود اخلاقی و اجتماعی، عامل برهم زدن آرامش و مخلّ به نظم اجتماعی و از همه بالاتر، امری ضدّ اخلاق و تهذیب نفس معرفی شد ... بدیهی است که این چنین فرضیه‌ی به ظاهر شیرین و دل‌پذیری، به عنوان اصلاح مفاسد اخلاقی و اجتماعی، طرفداران زیادی - خصوصاً در میان جوانان مجرّد - پیدا می‌کند. اما در کشور خودمان، می‌بینیم چه کسانی از آن طرفداری می‌کنند و چه از این بهتر که خود را در اختیار دل، و دل را در اختیار هوس قرار دهیم و در عین حال، عمل ما اخلاقی و انسانی شمرده شود. (۲۰) «مراجع دینی ما معتقدند که ارتباط دو جنس مخالف و با هم بودن آن‌ها در مکان خلوت، که احتمال گناه می‌رود، حرام است؛ بنابراین به نظر می‌رسد، این ارتباط در جای غیر خلوت، مباح و بدون اشکال شرعی باشد.» (۲۱) در این جا دو مسئله با هم خلط شده است: یکی صّرف با هم بودن و دوّم، ارتباط و دوستی. مسئله‌ی ذکر شده، درباره‌ی با هم بودن در یک مکان است؛ در متون دینی ما، بیان شده که اگر زن و مرد نامحرمی در جای خلوتی باشند که نفر سوم نباشد و احتمال گناه برود، صرف با هم بودنشان در آن مکان، حرام است (۲۲) زیرا حدیثی داریم که شیطان گفته: نفر سومشان من هستم و آن‌ها را وسوسه کرده، به گناه می‌اندازم. در این صورت مفهوم عبارت «با هم بودن در مکان خلوت حرام است»، این خواهد بود که اگر مکان، خلوت نبوده، یا عمومی باشد و یا به صورتی باشد که شخص سومی بتواند وارد شود، صرف با هم بودن و قرار گرفتن در یک مکان حرام نیست؛ اما این ربطی با مسئله‌ی ارتباط و دوستی ندارد. این مسئله‌ی دینی نمی‌رساند که ارتباط در جای غیر خلوت مباح است. در ضمن، نظر اسلام درباره‌ی دختر و پسر و دوستی آن‌ها روشن است و واقعاً اگر شخصی، به دور از هوی و هوس و جاذبه‌های کاذب، به دنبال حکم شرعی و الهی باشد، می‌فهمد که اسلام، این گونه روابط را نمی‌پسندد؟. مطلب دیگر، بیان مسئله‌ی درباره‌ی چگونگی ازدواج و ارتباط است که چنین ذکر شده: می‌گوید باید عقد کنید بعد یک درجه پایین می‌آید و می‌گوید صیغه کنید. بعد می‌گوید می‌توانید فارسی بگویید. بعد می‌گوید با اشاره و نهایتاً، در قضیه‌ی ارتباط فی مابین، به رضایت بسنده می‌شود و اگر کسی نتواند اسلام را خوب ترویج کند، اسلام را بد انتقال می‌دهد و خود به خود جامعه آن را طرد می‌کند. (۲۳) ازدواج در اسلام به دو صورت ممکن است: عقد دائم و عقد موقت. ازدواج دائم و موقت، در ماهیت باهم فرقی ندارند و در هر دو، تعهد رسمی و خواندن عقد خاص، لازم است. پیمانی که زن و مرد با هم می‌بندند یا برای همه‌ی عمر است و یا برای مدّت معینی، که هر کدام دارای شرایط خاصّ خود است. پس این طور نیست که اسلام اول عقد دائم را گفته، بعد پایین آمده و گفته است صیغه و ... بلکه از ابتدا، ازدواج به دو صورت جایز بوده است و طرفین مطابق با شرایط و نیازی که دارند، پیمان زناشویی را منعقد می‌نمایند. در ادامه مطلب آمده است: بعد می‌گویند عربی بودن صیغه لازم نیست. فارسی کافی است و بعد به اشاره و ارتباط ختم می‌شود. در هر گونه عقد (دائم یا موقت) شرایط خاصّی لازم است که یکی از آن شرایط، عربی بودن است. در حقوق اسلامی، این بحث مطرح است که آیا صیغه‌ی عقد باید عربی باشد یا خواندن آن به فارسی کافی است؟ فقها بر مبنای دلایل موجود در متون روایی، احتیاط نموده و به خاطر اهمّیت

ازدواج و لوازمی که دارد، چنین عقیده دارند که: اگر عقد، فارسی خوانده شد، احتیاطاً صیغه ی عربی آن نیز باید خوانده شود؛ خواه عقد دائم باشد یا موقت. اما مسئله ی اشاره و رضایت، در فقه اسلامی و رساله های عملیه موجود نیست. مشهور فقهای شیعه، خواندن صیغه ی عقد را لازم می دانند و هیچ فقیهی این روابط نامشروع را جایز ندانسته است و این جملات، ناشی از عدم اطلاع کافی از فقه اسلامی است که اگر گوینده ی محترم این کلام، سری به کتاب های دینی بزند، اثری از آن چه گفته است نمی یابد! تأثیر چشم چرانی بر ایمان و اعتقادات و دوری از خدا چگونه است؟ و چگونه می توانیم چشم خود را از نگاه به حرام باز داریم؟ چشم، دریچه ی دل و اندیشه ی انسان است، اگر چگونه نگرستن را یاد بگیریم و چگونه دیدن را تجربه کنیم، چشم ما چشمه ی امید و ایمان می شود و نگاه ما، عبادت و سبب رشد و تکامل خواهد شد؛ و اگر آن را رها کنیم تا به هر چه هوی و هوس دستور داده است، نگاه کند، جز آه و حسرت و تباهی نصیب ما نمی شود. به هرچه «دیدنی» است که نباید نگرست. مگر فاصله ی «نگاه» تا «گناه» چه قدر است؟ اگر چشم در اختیار خرد و قلب سلیم باشد، به هر چه و هر چیز نگاه نمی کند و اگر عقل و دل را در اختیار چشم قرار دهیم، «هر آن چه دیده بیند دل کند یاد». از آن جا که گام اول در روابط، نگاه های آلوده است و گام گذاران در این وادی، چه بسا گرفتار عادت مذموم دائمی خواهند شد، بنابراین چشم چرانی را از دیدگاه روان شناسی و معارف دینی بررسی می کنیم. روان شناسان، چشم چرانی را نوعی بیماری روانی می شمارند. بینایی یکی از مهم ترین اعضا برای تحریکات جنسی است. اگر فرد تنها از نظر - بازی برای ارضای کشش جنسی استفاده کند، دچار نوعی انحراف شده است. معمولاً شخص نظر باز با مشاهده و نگاه، ارضا نمی شود و به همین دلیل دست به استمنا می زند. افراد نظر باز، کنج کاوی شدیدی نسبت به دیدن اندام برهنه ی جنس مخالف دارند و این امر، گاهی باعث برخوردهایی بین آنان و مردم می شود. آنان گاهی ساعت ها پشت پنجره ها یا روی بالکن ها یا کنار کوچه و خیابان به نظاره گری می پردازند تا شاید به کام دل برسند. (۲۴) این امر به ویژه در مردان، بیش تر به چشم می خورد؛ زیرا مردان بالغ به محرک های بینایی شهوانی حساسیت بیش تری دارند. این نقطه ضعف مرد، در زندگی روز مژه اش همواره به چشم می خورد و به صورت های گوناگون از جمله تهیه ی عکس و مجلات مبتذل مورد بهره برداری قرار می گیرد. زنان به محرک های لمسی، حساسیت بیش تری دارند. این تفاوت از همان اوایل، تحت تأثیر اندروژن ها شکل می گیرد. اصطلاح «چشم چرانی» که برای این ویژگی مردان به کار می آید، زائیده ی حساسیت مردان نسبت به محرک های بینایی شهوانی است. چون بُرد حسّ بینایی زیاد است، مردان به صورتی گسترده تر تحت تأثیر محرک های شهوانی قرار می گیرند و از این نظر فعال ترند (۲۵). اسلام چون از مفساد چشم چرانی، این بیماری روانی و تأثیر آن بر سلامت روان و ایمان انسان، اطلاع داشته، به کلی آن را ممنوع کرده است؛ از طرفی چون مردان در این باره حسّاس ترند، به زنان دستور حجاب و پوشش کامل داده است. چه بسیارند جوانانی که در اثر نگاه های آلوده، از راه عفت خارج شده، در وادی فساد سقوط می کنند. وقتی چشم دید، دل می خواهد. مگر چقدر می توان مقاومت نمود و بالاخره عنان نفس از دست می رود و دنبال دل خواه روانه می شود. خداوند در قرآن کریم می فرماید: به مؤمنان بگو چشم های خود را از نگاه به نامحرمان فرو گیرند و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه تر است. خداوند از آن چه انجام می دهند آگاه تر است. و به زنان با ایمان بگو: چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند و دامان خویشان را حفظ کنند. (۲۶) در این آیه به صراحت بیان شده است که برای طهارت دل و ایمان، باید نگاه را تحت اختیار درآورد. در تفسیر این آیه احادیث بسیاری وارد شده که در یکی از آن ها درباره ی علت حرمت نگاه به نامحرم آمده است: حرمت نگاه به نامحرم، به سبب تهییج و تحریک شهوانی است که در نگاه نهفته است. این تحریک سبب فساد و ورود در محرمات است (۲۷) در حدیث دیگری از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده است: هر کس چشم را از نگاه حرام و هوس آلود پر کند، خداوند در روز قیامت آن را از آتش پر می نماید؛ مگر توبه کند و از این راه (نادرست) باز گردد. (۲۸) و هم چنین حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: هر کس چشم خویش را آزاد گذارد، همیشه اعصابش ناراحت خواهد بود و به آه و حسرت دائمی گرفتار می شود. (۲۹) از

آیه و احادیث فوق استفاده می شود که چشم چرانی تأثیرات مخربی بر روح و ایمان انسان می گذارد؛ از جمله: ۱. طهارت و پاکیزگی روح را از بین می برد؛ ۲. سبب خشم الهی و عذاب اخروی است؛ ۳. در این دنیا نیز با شعلهور شدن آتش شهوت، انسان را در فساد و تباهی غوطه ور می سازد (۳۰)؛ ۴. آرامش روحی - روانی را نابود ساخته، انسان را گرفتار اضطراب و تشویش می نماید (۳۱)؛ زیرا هر چه دیدنی است دست یافتنی نبوده، نگاه به آن، جز آه و حسرت حاصلی ندارد. در نتیجه اگر می خواهیم با طهارت و سلامت، زندگی کنیم و دل و اندیشه ی خود را از حرام باز داریم، باید حریم نگاه را پاس داشته، برای آن محدوده ای قائل شویم و چشم را از محرّمات و صحنه های گناه فرو بندیم. اگر چشم جوانی به نامحرم بیفتد، باید حرمت خدای ناظر آگاه را نگه داشته، از این لذّت زود گذر چشم فرو بندد. چشم پوشی از محرّمات الهی ممکن نیست؛ مگر آن که بیننده با چشم دل، عظمت و جلال الهی را مشاهده نماید. از حضرت علی (علیه السلام) سؤال شد: چگونه می توان چشم از حرام فرو بست؟ در پاسخ فرمود: با اطاعت و فرمان برداری از سلطانی که مّطلع بر اعمال مخفی توست. (۳۲) پس اولین راه تقویت اراده و چشم پوشی از حرام، تفکّر در ناظر آگاهی است که بر همه ی اعمال آشکار و نهان ما احاطه دارد و از سرّ ضمیر ما مّطلع است و هم اوست که فردای قیامت، حسابرس و حاکم است. خداوند در قرآن می فرماید: (تعلم خائنه الأعین) (۳۳)؛ خدا از خیانت چشم ها آگاه است. در حدیثی در تفسیر این آیه آمده است: منظور نگاهی است که شخص، در حال نگاه، وانمود کند که نگاه نمی کند. خدا از این نگاه (آلوده) نیز با خبر است. (۳۴) نکته ی دیگر آن که با دوری گزیدن از صحنه های محرّک و با مطالعه ی کتاب های مذهبی و اعتقادی، خود را از این مهلکه نجات دهد. جوانی که طالب طهارت و پاکی و به دنبال سعادت دنیا و آخرت است، چشم از گناه باز می دارد و خود را از آلودگی نجات می دهد؛ زیرا به فرموده ی امام صادق (علیه السلام): نگاه پی در پی، در قلب شهوت ایجاد می کند و همین برای انحراف بیننده کافی است... (۳۵) بدیهی است فساد و انحرافات، دوری از خدا را در پی داشته، سبب محرومیت از فیض الهی است. اما جوانی که با نفس مبارزه می کند و از این لذّت زود گذر چشم می بندد و به پاس حرمت و پاکی و سلامت، چشم از گناه فرو می بندد، خداوند نیز به او پاداش داده، از رحمت خویش بهره مند می سازد. در حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل شده: نگاه، تیر مسمومی از تیرهای شیطان است و هر کس به پاس عظمت و جلال و خوف الهی از آن چشم پوشی کند، خداوند در قلب او ایمانی قرار می دهد که حلاوت و شیرینی آن را می چشد. (۳۶) نشان دادن فیلم های عاشقانه و صحنه های روابط دختر و پسر، چه اشکالی دارد؟ بعضی از فیلم سازان می گویند: ما حقایق جامعه را نشان می دهیم همچون سرقت و اعتیاد و یا معضلات دیگر اجتماعی؟ (۳۷) و هم چنین دکتر «سروش» گفته است: اگر به خرق عادت، عادت می کردیم، دیگر مخالفتی نبود. فرهنگ ما، ادبیات ما، به شعر عاشقانه عادت کرده است؛ اما به رمان ها و سینمای عاشقانه عادت نکرده ... حالا چه اشکالی دارد کسی فیلم عاشقانه بسازد؟ (۳۸) سینما و تلویزیون، از وسایل مؤثر ارتباطی است و می تواند نقش سازنده ای در اعتلای فرهنگ عمومی داشته باشد و اگر نقش واقعی خود را ایفا کند، تأثیر مثبت آن در سطح جامعه به خوبی مشاهده می گردد و روشن است که اقشار مختلف جامعه، خواستار سینمایی سازنده و پویا و هدفمند می باشند و هنرمندانی که در عرصه ی سینما فعالیت دارند نیز مدّعی چنین مطلبی هستند. حال باید دید فیلم هایی که ساخته می شود، در همین راستا گام بر می دارند یا خیر؟ یکی از وظایف سینما، بیان مشکلات و معضلات اجتماعی است تا عموم مردم، به ویژه مسئولین، بیش تر به فکر افتاده و در صدد رفع آن ها بر آیند. گفتنی است که ساخت فیلم هایی که به این موضوعات می پردازند و دست مایه ی آن ها مشکلاتی از قبیل وقوع جنایات، قتل و سرقت و اعتیاد و ... می باشد، بسیار ظریف و حسّاس است؛ زیرا از طرفی موضوع اصلی فیلم، ارائه ی این نوع مشکلات و واقعیّات جامعه است که گریزی از آن نیست و از طرف دیگر، وجود بار منفی در نوع این اعمال است و چه بسا با نمایش و پردازش آن ها، سبب ترویج اعمال خلاف و وقوع جرم دیگری شود. بنابراین در تهیه ی این فیلم ها، دو نکته باید رعایت شود: ۱. تأثیراتی که فیلم از لحاظ محتوا بر بیننده می گذارد؛ ۲. در نشان دادن صحنه ها و تصاویر افراد. بنابراین در نگارش فیلم نامه و چگونگی ساخت و

تصویربرداری آن، باید دقت کرد تا بیان معضلات و واقعیات تلخ، آثار مخربی بر جای نگذارد زیرا هنر را به خدمت می‌گیریم و از ابزاری همانند سینما و تلویزیون استفاده می‌کنیم تا با زبان تصویر با مردم سخن گفته، جامعه‌ی بهتری بسازیم. و اگر به خدمت گرفتن این ابزار، سبب نابودی فرهنگ سالم اجتماع گردد از هدف اصلی بازمانده‌ایم. و فیلمی که درباره‌ی قتل و سرقت و اعتیاد هم ساخته می‌شود، از این قانون کلی خارج نیست و اگر در ارائه‌ی آن‌ها به جای تبیین مسائل منفی و آگاه نمودن مردم، سبب بد آموزی و ترویج اعمال خلاف شود، قابل قبول نیست و اشکال دارد. درباره‌ی فیلم‌های عاشقانه و صحنه‌هایی که روابط دختر و پسر را نشان می‌دهد، جدای از مطالب فوق، باید بگوییم: در فرهنگ اسلامی هر چیزی که موجب تهییج و تحریک شهوانی شود و خارج از چارچوب قانون و شرع باشد، حرام است. انواع التذاذهای جنسی، چه لمسی و چه بصری و ... تنها در محدوده‌ی ازدواج قانونی صحیح است. (۳۹) و در غیر این صورت، در حرمت تحریک و تهییج جنسی شکی نیست. (۴۰) خواه در چگونگی بیرون آمدن زن باشد، یا در پوشش و لباس و یا در انتشار تصویرها و صحنه‌های حرام همان گونه که در مجلات و روزنامه‌های مبتذل یا در رمان‌های مهیج جنسی و یا فیلم‌های عاشقانه متداول است. با توجه به قانون کلی حرمت تهییج شهوانی، روشن می‌شود که به بهانه‌ی نشان دادن واقعیات، نمی‌توان صحنه‌های مهیج را نشان داد و روح جوانان را متلاطم نمود و احساس آن‌ها را تحریک کرد. از این جا فرق ادبیات عاشقانه و عارفانه با فیلم‌های عاشقانه روشن می‌شود و تأثیر فیلم با شعر و ادبیات، قابل قیاس نیست و جدای از آن اگر شعر و ادبیات و رمان نیز به گونه‌ای مبتذل در آید، از مصادیق کتب ضالّه بوده، مطالعه و انتشار آن حرام می‌باشد. در پایان شایان ذکر است که سازندگان فیلم‌هایی که دست‌مایه‌ی آن‌ها، عشق و ارتباط است، با نشان دادن صحنه‌های کدایی و چهره‌های کلوزآپ دختران و زنان آرایش کرده، چه هدفی را دنبال می‌کنند؟ آیا هدف، مطرح ساختن وجود یک معضل اجتماعی به نام فساد است؟ اگر چنین است کدامشان راه حلی مؤثر ارائه داده‌اند؟ آیا جز عنایت به گیشه هدف دیگری مطرح است؟ پس این گونه فیلم‌ها رسالت اجتماعی خود را از دست داده‌اند. نکته‌ی دیگر آن که روی آوردن فیلم‌سازان به «فیلم فارسی» و به تصویر کشیدن صحنه‌های عشق جنسی، فریاد بسیاری از فیلم‌سازان را نیز در آورده است و آن را خطری برای آینده‌ی حرفه‌ای سینما تلقی نموده، نوعی سطحی‌نگری و قشری شدن سینما به حساب می‌آورند. (۴۱) سخن آخر: چگونگی ارتباط «اصل حریم» گفتیم که گزینه‌ی جنسی همانند سایر غرایز، نیازهای طبیعی خویش را طلب می‌کند و انسان ناچار از پاسخ‌گویی و تسلیم در برابر آن است. آیا آن چه انسان را از حیوان ممتاز می‌سازد، حکومت عقل بر اعمال انسانی و تنظیم غرایز و به خدمت گرفتن آن هاست و سعادت و خوش‌بختی و نیل به آرامش واقعی در گرو پاسخ‌گویی متوازن و متعادل به همه‌ی غرایز است تا انسان به رشد و کرامت انسانی دست یابد. بنابراین در انتخاب راه آن باید منزلت و شأن انسانیت و رشد و تعالی او در نظر گرفته شود و خواست طبیعی و نیاز غریزی، با خواسته‌های عقلانی و فطری هماهنگ و همسو گردد. از آن جا که انسان در ایام جوانی از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است و نقش غرایز، به ویژه گزینه‌ی جنسی، در این دوران پررنگ تر جلوه می‌کند، بنابراین مراقبت‌های ویژه‌ای می‌طلبد. و جوان برای پاسداری از عفاف و طهارت و دوری از گناه، باید با احتیاط بیش‌تری رفتار نماید چرا که سهل‌انگاری در مسائل جنسی و برخوردهای مختلط، زمینه‌ساز انحراف و کجروی دل و دیده‌ی انسان است. حال به حدود و روابط زن و مرد و چگونگی آن می‌پردازیم: چگونگی برخورد و رفتار در روابط اجتماعی زن و مرد با مروری بر داستان حضرت یوسف (علیه السلام) در قرآن، به خوبی با کیفیت رفتار آشنا می‌شویم. ایشان در عین بر خورداری از مقام والای معنوی، در مقابل وسوسه‌های شیطانی به خدا پناه برده، از او مدد می‌جوید و می‌گوید: پروردگارا، زندان برایم محبوب‌تر است از آن چه (هوس‌بازان) مرا به آن فرا می‌خوانند و اگر حيله‌ی ایشان را به لطف و عنایت خود از من دفع نکنی، به آن مایل شده، از جاهلین و بی‌خردان خواهم بود. (۴۲) در آیات قبل از این نیز می‌خوانیم: «... آن زن که یوسف در خانه‌ی او بود، از او تمنای کام‌جویی کرد و درها را بست و گفت: «بیا» به سوی آن چه برای تو مهیا است.». یوسف گفت: «پناه می‌برم به خدا! او (عزیز مصر) صاحب نعمت

من است. مقام مرا گرامی می داشت (به او خیانت نمی کنم) مسلماً ظالمان رستگار نمی شوند. آن زن قصد او کرد و یوسف نیز - اگر برهان پروردگار را نمی دید - قصد وی می نمود، این چنین کردیم تا بدی و فحشا را از او دور سازیم.» (۴۳) در این آیه، به خوبی روشن است که آنچه حضرت یوسف را نجات داد، ایمان و اعتقاد او بود و گرنه به طور طبیعی او نیز قصد زلیخا کرده، نمی توانست خویشتن داری کند. در نتیجه، برخورد با نامحرم، به ویژه در فضایی که شرایط گناه فراهم است، بسیار خطرناک است و جوانان باید از آن محیط دوری گزینند. نکته ی دیگر، پرهیز از تحریک و جلوه گری است. خداوند در قرآن کریم می فرماید: (زنان) هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان معلوم شود) و صدای خلخال که به پا دارند به گوش رسد. (۴۴) این آیه ی مبارکه، زنان را از حساس نمودن مردان و جلب نظر آن ها به زینت های پنهان نهی می کند تا سبب تحریک غریزه ی آن ها نشود. و هم چنین در داستان حضرت موسی (علیه السلام) و دختران شعیب می خوانیم: زمانی که حضرت موسی (علیه السلام) با دیدن دختران شعیب - که به سبب حیا و عفاف (۴۵)، از ازدحام جمعیت چوپانان فاصله گرفتند - بعد از پرسش و صحبت با ایشان، به کمکشان شتافت و گوسفندانشان را سیراب نمود. بعد از مدتی یکی از دختران، در حالی که با نهایت حیا گام بر می داشت، به دنبال موسی آمد و به دعوت پدر، او را فرا خواند. (۴۶) به هنگام رفتن، حضرت موسی به او گفت: من جلو می روم و تو پشت سر من راه بیا، من از قومی هستم که به پشت زنان نگاه نمی کنیم (۴۷). بعد از رسیدن به نزد شعیب (علیه السلام)، دختر، از موسی به قدرت و امانت یاد نمود، که «امانت» به عفاف و حیا حضرت موسی در سخن گفتن و رفتار با آنان و به شیوه ی آمدن او تفسیر شده است. (۴۸) زمانی که جوانان پاک ما، بر رفتار اولیای الهی آگاه شوند که در موارد لازم، با کمال حیا و عفاف و تقوا برخورد می نمودند و از هم دوشی و اختلاط پرهیز داشتند، به خوبی راه خود را می یابند و اگر با نوشته های خوش آب و رنگ، به شک و شبهه و ابهام گرفتار نشوند، به درستی به تعالیم دینی تمسک جسته و «اصل حریم» را مطابق با عفاف و سلامت و سعادت خود می بینند. به راستی اگر در زمان های گذشته که هنوز جوانان همانند امروز، گرفتار جلوه گری ها و جدائی های جنسی نبودند، این گونه حریم ها را پاس می داشتند، جوان امروزی باید چگونه رفتار کند؟ آیا غیر از این است که حداقل باید به اندازه ی آنان اصل حریم را پاس داشت؟ کیفیت سخن گفتن در روابط اجتماعی در حدیثی آمده است: حضرت علی (علیه السلام) کراهت داشت تا به زنان جوان، آغاز به سلام کند و درباره ی حکمت آن فرمود: ترس از آن دارم که تحت تأثیر صدای او واقع شوم و ضرر آن، از ثوابی که از سلام می برم، بیش تر باشد. (۴۹) دختران و پسران جوان باید توجه داشته باشند که در مهمانی ها و محیط جامعه و دانشگاه، از حریم چشم و دل خود محافظت نموده، به بهانه ی فامیل و هم کلاسی بودن و سؤالات درسی، به گفت و گوهای احساسی و شوخی ها و مزه پرانی ها و ... نپردازند. در این باره در حدیث دیگری می خوانیم: ابوبصیر می گوید: به زنی درس روخوانی قرآن می دادم کمی با او شوخی کردم. وقتی خدمت امام باقر (علیه السلام) رسیدم، به من فرمود: چه چیزی به زن گفتی؟ رنگم پرید و خجالت کشیدم. بعد فرمود: دیگر به طرف آن زن نرو و به او درس مده. (۵۰) هم چنین در حدیث دیگری از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده است: اگر کسی با زن نامحرم شوخی کند، خداوند در روز قیامت در ازای هر کلمه که با او سخن گفته، هزار سال حبسش می کند. (۵۱) زن باید در جامعه و بیرون منزل، با وقار و عفاف و متانت ظاهر شود و در عین رسیدگی به کار و تحصیل خود، به گونه ای رفتار نماید که از نگاه های آلوده دور بوده، سبب تحریک و جلب توجه شهوانی دیگران نشود. خداوند در قرآن کریم، در خطاب به زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرماید: ای همسران پیامبر، شما همچون زنان معمولی نیستید، اگر تقوا پیشه کنید. پس به گونه ای هوس انگیز سخن نگویید که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند. (۵۲) به حکم این گونه آیات و احادیث، برای سلامت فرد و جامعه، سخن گفتن با ناز و کرشمه، و رفتار و اعمال تحریک کننده و شوخی ها و خوش طبعی ها و بگو و بخندهای افراد نامحرم باهم جایز نیست. جوانان باید حدود روابط در اجتماع و چگونگی آن را در پوشش، نگاه، سخن و رفتار رعایت نمایند تا ضامن سلامت و طهارت جسم و جانشان باشد. حضرت

علی (علیه السلام) در نهج البلاغه، بیان شیوا و جامعی در این زمینه دارد و روش برخورد اجتماعی دختران و زنان را روشن می کند و می فرماید: زنان و دختران مؤمن باید سه صفت را که برای مردان بد است داشته باشند: ۱. تکبر، ۲. ترس، ۳. بخل. تکبر یعنی در مقابل نامحرم با قاطعیت و وقار صحبت کنند و از حرف زدن با عشوه و تبسم که دیگران را تحریک می کند، پرهیزند. و ترس به این معنی که: بترسند از تنها بودن و تنها ماندن با شخص نامحرم. زنان باید از زمینه هایی که عفت و آبروی آنان را در معرض خطر قرار می دهد و باعث بدنامی خانواده یا شوهرشان می گردد، دوری نمایند. و بخل یعنی در حفاظت مال خود و شوهر، کمال دقت و وسواس را به خرج دهند و امانت دار اموال همسر و خانه و پیام آور قناعت و صرفه جویی باشند (۵۳). در نتیجه، عادی سازی روابط و رواج بی حد و مرز آن با روح تعالیم دینی و سیره ی معصومین (علیهم السلام) سازگار نیست و همیشه باید «اصل حریم» رعایت شود و برای تضمین سلامت و پاکی هر چه بیش تر جوانان، باید با هدایت و جهت دادن غریزه، آنان را یاری نمود که یکی از عوامل مؤثر، گسترش میدان های فعالیت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ورزشی است. با ایجاد میدان های سالم، پاک و مطابق با موازین اخلاقی، در کنار زمینه سازی مناسب برای ارضای صحیح غریزه ی جنسی، همچون پایین آوردن سن ازدواج و ... می توان گام مؤثری در حل این مشکل برداشت و به سوی رشد و تعالی پیش رفت البته باید از مظاهر فساد و بی بندوباری و مسائلی که به گونه ای سبب تحریک جنسی و انحراف جوانان می شود جلوگیری نمود. توجه همه ی صاحب نظران و کارشناسان را به نقش مؤثر معنویات و فضایل اخلاقی در حل این مشکل جلب می کنیم. آشنایان ره عشق در این بحر عمیق*** غرقه گشتند و نگشتند به آب آلوده بیابیم به جوانان درس عفاف و خویشتن داری دهیم و سلامت و سربلندی آنان و جامعه را تضمین کنیم تا عطر پاک و طهارت و اعتماد فراگیر شود.

----- (۱). از پرسش های رسیده به مرکز. (۲). محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه ۱۰/۳۷۸. (۳). همان، ۱۰/۳۸۱. (۴). همان، ۱۰/۳۷۵. (۵). همان، ۳/۴۵۱. (۶). همان، ۱۰/۳۸۶. (۷). همان، ۱۰/۳۹۰. (۸). سوره ی اسراء، آیه ی ۳۲ و نور آیه ی ۳۳. (۹). میزان الحکمه ۴/۲۳۸. (۱۰). همان، ۴/۳۴۰. (۱۱). لذات فلسفه، ص ۴۵۹. (۱۲). ما و فرزندان ما، ص ۸۳. ر.ک: همت سهراب پور، جوانان در طوفان غرایز، ص ۲۵. (۱۳). سید علی اصغر احمدی، تحلیلی تربیتی بر روابط ...، ص ۷. (۱۴). ایران جوان، ش ۱۳۵، ص ۳۶. (۱۵). لذات فلسفه، ۱۲۹. (۱۶). مجله ی صبح، ۱۶/۴/۱۳۷۴. (۱۷). کنز العمال، ج ۳، ص ۳۷۳، شماره ی ۷۰۰۰. (۱۸). طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۵۵. (۱۹). پروفیسور رابرت اگنر، برگزیده ی افکار راسل، ترجمه ی عبدالرحیم گواهی، ص ۱۲۳. (۲۰). مرتضی مطهری، اخلاق جنسی، ص ۶۵ و ۶۶. (۲۱). مجله ایران جوان، ش ۱۳۵، ص ۳۶. (۲۲). برای اطلاع بر نظرات مراجع عظام رجوع شود به بخش پنجم. (۲۳). مجله ی ایران جوان، ش ۱۳۵، ص ۳۴. (۲۴). دکتر احمد احمدی، روان شناسی نوجوان و جوانان، ص ۱۲۵. (۲۵). دکتر محمود بهزاد، تفاوت های زن و مرد از نظر روان شناسی و ... ر.ک: فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۶۳. (۲۶). سوره ی نور، آیه ی ۳۰ و ۳۱. (۲۷). میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۴. (۲۸). همان، ج ۱۰، ص ۷۷. (۲۹). همان، ج ۱۰، ص ۷۱. (۳۰). ابراهیم امینی، آیین همسر داری، ص ۲۸۱. (۳۱). ناصر مکارم شیرازی، مشکلات جنسی جوانان، ص ۱۶۷. (۳۲). میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۸۱. (۳۳). سوره ی مومن، آیه ی ۱۹. (۳۴). میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۶. (۳۵). همان، ص ۸۰. (۳۶). همان، ص ۷۸. (۳۷). از پرسش های رسیده به مرکز. (۳۸). ماه نامه صبح ۱۶/۴/۱۳۷۴. (۳۹). مرتضی مطهری، مسئله ی، ص ۸۳. (۴۰). ر.ک: بازی گری زن در سینما و تئاتر، فصل نامه ی فقه اهل بیت، ش ۲۳/۱۳۷۹، ص ۹۳. (۴۱). مهدی فخیم زاده در مصاحبه ای با روزنامه جمهوری، ۱۴/۱۰/۷۹، ص ۱۰. (۴۲). سوره ی یوسف، آیه ی ۳۴. (۴۳). سوره ی یوسف، آیه ی ۲۳ و ۲۴. (۴۴). سوره ی نور، آیه ی ۳۱. (۴۵). تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۲۵. (۴۶). سوره ی قصص، آیه ی ۲۳ - ۲۵. (۴۷). المیزان، ج ۱۶، ص ۲۹. (۴۸). همان، ص ۲۶ - ۲۹. (۴۹). میزان الحکمه، ج ۴، ص ۵۴۰. (۵۰). وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴۴ حدیث ۵، ب - ۱۰۶، مقدمات نکاح. (۵۱). همان، ص ۱۴۳ حدیث ۴، ب - ۱۰۶. (۵۲). سوره ی احزاب، آیه ی ۳۲. (۵۳). نهج البلاغه، فیض الاسلام، حکمت ۲۲۶

و نهج البلاغه، ترجمه ی محمد دشتی، حکمت ۲۳۴. با توضیح آیت الله مظاهری، ر.ک اخلاق و جوان، ج ۲، ص ۱۷۵.

احکام روابط

روابط زن و مرد یکی از مسائلی است که شناخت صحیح احکام و آداب اسلامی در این زمینه و عمل به آن ها ضامن سلامت فرد و جامعه است. در این بخش برای تعیین وظیفه ی هر یک از خوانندگان گرامی، سعی شده است، پرسش هایی پیرامون روابط و مسائل جانبی آن که از اهمیت ویژه ای برخوردار است انتخاب شود و نظرات مراجع عالی قدر در ذیل آن درج گردد. احکام مطرح شده در این بخش عبارتند از: ۱. احکام صحبت کردن ۲. احکام نگاه ها ۳. احکام تماس ها ۴. احکام ازدواج. احکام صحبت کردن صحبت کردن مرد با زن نامحرم چه حکمی دار مردها می توانند با نامحرم با شرایط ذیل صحبت کنند: (۱) ۱. به قصد لذت و ریه نباشد ۲. با این صحبت کردن، به گناه آلوده نشوند. آیات عظام: فاضل، گلپایگانی و مکارم: عروه، نکاح، با استفاده از مسئله ی ۳۹. امام: تحریر الوسیله، نکاح، مسئله ی ۲۹. بهجت: توضیح المسائل، با استفاده از مسئله ی ۱۹۳۶. سیستانی: منهاج الصالحین، نکاح، با استفاده مسئله ی ۲۹. فاضل: جامع المسائل، ج ۱، سؤال ۱۷۱۸. خامنه ای: با استفاده از استفتائات، ج ۱، س ۱۰۹۵، ص ۳۴۲، استفتائات ج ۲، ص ۸۵، مسئله ی ۲۴۰. صحبت کردن مرد با نامحرم بدون لذت و احتمال گناه چگونه است؟ صحبت کردن با نامحرم در غیر مورد ضرورت، مکروه است، خصوصاً اگر مخاطب، جوان باشد. آیات عظام: امام، فاضل، گلپایگانی و مکارم، عروه ۳۹. امام: تحریر، نکاح، مسئله ی ۲۹ و استفتا. گلپایگانی: مجمع المسائل، ج ۲، با استفاده از سؤال ۶۴۵. اگر انسان با رعایت موازین اسلامی، باز هم در شرایطی به واسطه ی صحبت کردن با نامحرم، مثل دانشجوی هم کلاسی، در خودش احساس تغییر و لذت کند اشکال دارد؟ اگر مردی بداند چنانچه با نامحرمی صحبت کند به گناه خواهد افتاد، نباید با او صحبت کند خواه زن به گونه ای صحبت کند که مرد را به گناه بیندازد یا درباره ی مطلبی صحبت کند که مرد به گناه بیفتد. آیات عظام: امام، سیستانی، فاضل، گلپایگانی و مکارم، با استفاده از مدارک مسئله ی قبل. بهجت: توضیح المسائل، با استفاده از مسئله ۱۹۳۶. خامنه ای: با استفاده از استفتائات ج ۱، ص ۳۴۲، مسئله ی ۱۰۹۵، و استفتائات ج ۲، مسئله ۲۴۰. آیا سخن گفتن و شوخی نمودن با زن نامحرم حرام است صحبت کردن با هر کسی درباره ی هر چیزی از روی شهوت و لذت جایز نیست (مگر با همسر). آیات عظام: امام، فاضل، گلپایگانی و مکارم، عروه نکاح، با استفاده از مسئله ی ۳۹. امام: تحریر، نکاح، مسئله ی ۲۹. اراکی: استفتاء. سیستانی: منهاج الصالحین، نکاح، مسئله ی ۲۹. سخن گفتن زن ها با مرد نامحرم چه حکمی دارد؟ خانم ها می توانند با نامحرم صحبت کنند مشروط بر آن که: ۱. به قصد لذت و ریه نباشد ۲. صدای خود را ترقیق و تلطیف نکنند ۳. خوف افتنان (۲) نباشد. آیات عظام: امام، فاضل، گلپایگانی، مکارم، عروه، نکاح، با استفاده از مسئله ی ۳۹. امام: تحریر نکاح مسئله ی ۲۹. سیستانی: منهاج الصالحین، نکاح، مسئله ی ۲۹. خامنه ای: با استفاده از استفتائات، ج ۱، ص ۳۴۲، مسئله ی ۱۰۹۵. آیا هم صحبت شدن زن ها با مرد نامحرم بدون قصد لذت اشکال دارد صحبت کردن خانم ها با نامحرم به غیر ضرورت مکروه است. آیات عظام: امام، فاضل گلپایگانی و مکارم، مدارک قبل. برخی از خانم ها در صحبت با دیگران بسیار با نرمی صحبت می کنند؟ لطفاً حکم آن را بیان کنید؟ خانم ها نباید در هنگام صحبت کردن با نامحرم، صدای خود را رقیق و نازک کنند به گونه ای که اگر در دل مخاطب مرضی باشد، او را به خود جلب کند. اگر چه درباره ی مطالبی عادی صحبت کنند. آیات عظام: امام، اراکی، سیستانی، فاضل، گلپایگانی و مکارم، مدارک مسئله ی قبل. نامه نگاری با نامحرم و طرح مسائل عشقی یا شهوانی در نامه چه حکمی دارد؟ آیات عظام: اراکی: از هر کاری که موجب مفسده است اجتناب شود. گلپایگانی: جایز نیست. احکام نگاه به نامحرم نگاه مرد به زن مسلمان با چه شرایطی جایز است؟ اگر خانم مسلمان کاملاً حجاب خود را رعایت کرده باشد نگاه کردن به وجه و کفین او برای مرد با شرایط ذیل اشکال ندارد: ۱. وجه و کفین زینت نشده باشد ۲. نگاه به قصد لذت و ریه نباشد. آیات عظام: امام: عروه،

نكاح، مسئله ي ۳۱، تحرير، نكاح، مسئله ي ۱۸، استفتاء و توضيح المسائل، مسئله ي ۲۴۳۳. اراكي: توضيح المسائل، مسئله ي ۲۴۴۷ و استفتاء. بهجت: استفتاء. آيه الله تبريزي: زينت در وجه و كفين، اگر از قبيل انگشتر متعارف و اصلاح صورت (بند انداختن) و سرمه اي باشد كه حتي در زن هاي پير متعارف است، پوشاندن آن بر زن واجب نيست و نگاه كردن مرد به آن هم اگر التذاذي نباشد. مانع ندارد. استفتاء. آيه الله سيستاني: به طور كلي اگر نامحرم مسلمان است و حجاب خود را رعايت کرده است يا رعايت نكرده و در صورتی كه او را امر به حجاب كنيم رعايت می كند، نگاه كردن به وجه و كفين او بدون لذت و ريبه اشكالي ندارد. اگر چه بنا بر احتياط مستحب بهتر است از نگاه كردن به وجه و كفين پرهيز كرد. منهاج الصالحين، نكاح، مسائل ۱۴ و ۲۶، توضيح المسائل، مسائل ۲۴۴۲ و ۲۴۴۳. آيه الله گلپايگاني: بنا بر احتياط واجب، جازي نيست حتي به وجه و كفين نامحرم نگاه كرد، چه زينت داشته باشد چه نداشته باشد. در نتيجه مردان نمی توانند به صورت و دست زناني كه به طور كامل حجاب خود را رعايت نكرده اند، نگاه كنند، مانند آن كه زني مقداری از مويش پيدا باشد و يا اين كه لباس آستين کوتاه پوشيده باشد و يا بازو يا مچ دست او پوشيده نباشد. نگاه مرد به دست و صورت زن نامحرم، حرام است؟ نگاه كردن به نامحرم به قصد لذت و شهوتراني حرام است، اگر چه وجه و كفين و يا به حجم بدن او باشد. آيات عظام: امام، اراكي، فاضل، گلپايگاني، و مكارم: عروه، نكاح، مسئله ي ۳۱. بهجت: توضيح المسائل، مسئله ي ۱۹۳۱. تبريزي: توضيح المسائل، مسئله ي ۲۴۴۲. سيستاني: توضيح المسائل، با استفاده از مسائل ۲۴۴۲ و ۲۴۴۳، و منهاج الصالحين، نكاح، مسئله ي ۱۴. فاضل: توضيح المسائل، مسئله ي ۲۵۰۱. بعضی مردان مؤمن در دبيران ها و يا غير آن به زنان مسلمان درس می دهند، طبيعتاً مرد مجبور است مطالب درس را بر روی تخته سياه بنويسد و خانم ها نيز همان گونه كه معمول است به دست و صورت استاد خود نگاه می كنند، البته بدون قصد لذت و ريبه. آيا اين نگاه كردن جازي است؟ نگاه كردن خانم ها به وجه و كفين و مواضعی كه مردان به طور متعارف نمی پوشانند، بدون لذت و ريبه اشكالي ندارد. آيات عظام: امام، فاضل، گلپايگاني و مكارم: عروه، نكاح، با استفاده از مسئله ي ۵۱. امام: تحرير، نكاح با استفاده از مسئله ي ۱۹، توضيح المسائل، مسئله ي ۲۴۳۳ و استفتاء. اراكي: توضيح المسائل، با استفاده از مسئله ي ۲۴۴۷ و استفتاء. آيه الله بهجت: نگاه كردن زن به بدن نامحرم، بنا بر احتياط واجب حرام است، اما جواز نگاه كردن زن به قسمتی از بدن مرد نامحرم كه غالباً باز است، مثل سر، خالی از وجه نيست، مگر اين كه اين نگاه كردن، كمك به معصيت باشد. توضيح المسائل، مسئله ي ۱۹۳۳. آيا زن می تواند به بدن مردی كه كاملاً پوشيده نيست، مثل آن كه با لباس آستين کوتاه و يا ورزشی است، نگاه كند؟ نگاه كردن زن ها به بدن مرد نامحرم به استثنای وجه و كفين و مقداری كه بطور معتاد مردان نمی پوشانند، حرام است. آيات عظام: امام: عروه، نكاح با استفاده از مسئله ي ۳۱، تحرير، نكاح مسئله ي ۱۹، و توضيح المسائل، مسئله ي ۲۴۳۳، و استفتاء. اراكي: توضيح المسائل، مسئله ي ۲۴۴۷ و استفتاء. تبريزي: استفتاء. سيستاني: توضيح المسائل، مسئله ي ۲۴۴۲. گلپايگاني: توضيح المسائل، مسئله ي ۲۴۴۲، مجمع المسائل، ج ۲، سؤال ۶۴۴، و استفتاء. مكارم: توضيح المسائل، مسئله ۲۰۸۰. بهجت: توضيح المسائل، مسئله ي ۱۹۳۳. فاضل: نگاه كردن زن به مرد نامحرم به استثنای وجه و كفين حرام است. عروه، نكاح، مسئله ي ۳۱، و توضيح المسائل مسئله ي ۲۵۰۱. در نتيجه: ديدن موی سر و صورت، دست ها تا مچ و پاها تا قوزك و گردن مردان نامحرم برای زن ها اشكالي ندارد، مشروط به آن كه به قصد لذت و ريبه نباشد. هم چنين خانم ها نمی توانند برای تماشاى مسابقات ورزشی كه آقايا ن در آن ها پوشش كافي ندارند، مانند شنا، كشتی، وزنه برداری، فوتبال و... به اماكن ورزشی بروند. نگاه زن به دست و صورت مرد نامحرم چگونه است؟ نگاه كردن به بدن نامحرم حتي به وجه و كفين او به قصد لذت و يا با ترس به مفسده افتادن حرام است. آيات عظام: امام، اراكي، فاضل و مكارم: عروه، ستر و ساتر، قبل از مسئله ي ۱. بهجت: توضيح المسائل، با استفاده از مسئله ي ۱۹۳۲. تبريزي: توضيح المسائل، مسئله ي ۲۴۴۲. سيستاني: توضيح المسائل، مسئله ي ۲۴۴۲. فاضل: توضيح المسائل، مسئله ي ۲۵۰۱. اراكي و گلپايگاني: استفتاء. توجه: بين عدم جواز نگاه به بدن مرد نامحرم با وجوب پوشش مرد هيچ ملازمه اي نيست، يعنی اگر چه بر مرد واجب نيست خود را بپوشاند، اما بر خانم ها

واجب است نگاه نکنند.

----- نگاه به عکس و فیلم آیا نگاه کردن به عکس کسانی که برای انسان جالب است اشکال دارد؟ نگاه کردن به هر عکسی به قصد لذت حرام است؛ خواه عکس مرد باشد یا زن، محرم باشد یا نامحرم، عکس انسان باشد یا غیر آن (از این حکم عکس همسر استثنا است). آیات عظام: امام، اراکی، بهجت، تبریزی، سیستانی، فاضل، گلپایگانی و مکارم: استفتاء. اراکی: توضیح المسائل، با استفاده از مسئله ی ۲۴۵۳. سیستانی: منهاج الصالحین، نکاح، مسئله ی ۲۷. آیا خرید و فروش عکس های مبتذل حرام است؟ اگر کسی تعدادی را داشته باشد چه کار کند؟ خرید و فروش و نگهداری عکس های مبتذل حرام است و باید آن ها را از بین برد. آیات عظام: امام، اراکی و گلپایگانی: استفتاء. نگاه به تصویر زن ها و مردها که از تلویزیون و سینما پخش می شود چگونه است؟ فیلمی که به طور مستقیم پخش می شود، حکم انسان زنده را دارد و اگر به طور غیر مستقیم پخش می شود حکم عکس را دارد. امام: استفتاء در کتاب احکام بانوان، محمد وحیدی، سؤال ۴۲، ص ۳۲. آیات عظام: اراکی فاضل و گلپایگانی: فیلم اعم از مستقیم یا غیر مستقیم حکم عکس را دارد. استفتاء. بنابراین، بنابر فتوای آقای اراکی دیدن فیلم زنان نامحرم برای مردان اشکالی ندارد، اگر چه آن ها را بشناسد؛ مشروط به آن که به قصد لذت و ریه نباشد و انسان نترسد که به گناه بیفتد (با همان تفصیلی که گذشت). و بنابر فتوای آقای گلپایگانی دیدن فیلم زنان نامحرم برای مردان در صورتی که آن ها را نمی شناسند، بنابر احتیاط مستحب و اگر می شناسد بنابر احتیاط واجب جایز نیست. به همان تفصیلی که گذشت. آیه الله بهجت: دیدن نامحرم از طریق تلویزیون و شنیدن صدای آن ها، اگر مقرون به فساد و ریه باشد اشکال دارد. توضیح المسائل، مسائل متفرقه، مسئله ی ۲. آیه الله خامنه ای: بنابر احتیاط واجب در پخش مستقیم به زنان بی حجاب نگاه نشود. استفتائات ج ۲، مسئله ۱۰۲. در نتیجه: اگر فیلمی به طور مستقیم پخش شود، نگاه به آن فیلم همان احکام نگاه کردن به انسان زنده را دارد؛ بنابراین مردان نمی توانند به غیر از وجه و کفین زنان نامحرم - آن هم با شرایطی که ذکر شد - نگاه کنند و هم چنین خانم ها نمی توانند به بدن مردان که در فیلم های ورزشی یا غیر آن که به طور مستقیم پخش می شود، نگاه کنند. آیا نگاه کردن به عکسهای زنان برهنه و یا فیلمهای جنسی بدون شهوت جایز است؟ آیه الله گلپایگانی: جایز نیست؛ زیرا نگاه کردن این عکس ها و فیلم ها غالباً دارای آثار فتنه و فساد اخلاق است. ارشاد السائل، سؤال ۴۶۲. آیه الله خامنه ای: از آن جا که نگاه به تصویرهای مبتذلی که محرک شهوت است، غالباً از نگاه شهوانی جدا نیست؛ لذا به عنوان مقدمه ی ارتکاب گناه، و حرام می باشد. استفتائات، ج ۲، مسئله ی ۱۰۷. آیا نگاه کردن به فیلم های مستهجن و ماهواره ای برای مردان و زنان، بدون لذت و ریه، جایز است؟ آیه الله تبریزی: نگاه کردن به این گونه فیلم ها جایز نیست. صراط النجاة، سؤال ۹۰۱. آیه الله فاضل: استفاده کردن از فیلمهای فوق که به منظور انحراف، تدارک دیده شده، جایز نیست. جامع المسائل، ج ۱، سؤال ۱۷۲۹. استفاده از ماهواره و برنامه هایی که توسط دولت های غربی و سایر کشورها تهیه می شود، برای اطلاع از برنامه های علمی و قرآنی چگونه است؟ آیت الله خامنه ای: استفاده ی مذکور گرچه فی نفسه منعی ندارد، مگر آن که برنامه هایی که به واسطه ی ماهواره پخش می شود - که محصول کشورهای غربی و یا اکثر کشورهای مجاور است - غالباً مشتمل بر تعلیم افکار ضالّه و وارونه جلوه دادن حقایق است؛ علاوه بر آن که مشتمل بر برنامه های لهو و فساد می باشد؛ حتی مشاهده ی برنامه های علمی و یا قرآنی آن هم چه بسا سبب وقوع در فساد و ابتلا - به حرام می شود؛ لذا شرعاً استفاده از گیرنده ها برای مشاهده ی این نوع برنامه ها حرام است؛ مگر آن که برنامه های علمی محض و یا تماماً قرآنی و مانند آن باشد و دیدن آن ها مستلزم فساد و یا ابتلا به هیچ عمل حرام دیگری نباشد. استفتائات، ج ۲، مسئله ی ۱۳۵، ص ۴۸. -----

----- احکام تماس ها تماس بدنی زن و مرد نامحرم چه حکمی دارد؟ هر کسی که نگاه کردن به او جایز نیست، تماس بدنی با او نیز جایز نیست و هرگونه لمس کردن بدن با هر عضوی باشد، حرام است و باید از آن اجتناب کرد، مگر از روی لباس؛ بدون قصد لذت و ریه. آیات عظام: امام، فاضل، گلپایگانی و

مکارم، عروه، نکاح، مسئله ی ۴۷. امام: تحریر، نکاح، مسئله ی ۲۰. اراکی: استفتاء. بهجت: توضیح المسائل، با استفاده از مسئله ی ۱۹۳۴. سیستانی: منهاج الصالحین، نکاح، با استفاده از مسئله ی ۱۶. خامنه ای: با استفاده از استفتائات، ج ۱، ص ۸۹، مسئله ی ۲۵۲، و مسئله ی ۲۲۱. آیا دست دادن با نامحرم جایز است؟ در صورتی که بدون قصد لذت و ریبه باشد؟ جایز نیست مگر از روی لباس؛ و در این صورت، بنا بر احتیاط، نباید دست او را بفشارد. آیات عظام: امام، فاضل، گلپایگانی و مکارم، عروه نکاح، با استفاده از مسئله ی ۴۷. اراکی: استفتاء. بهجت: توضیح المسائل، با استفاده از مسئله ی ۱۹۳۴. سیستانی: منهاج الصالحین، نکاح، با استفاده از مسئله ی ۱۶. ما در محیط دانشگاه کشورهای غربی، هنگام برخورد با اساتید زن یا دانشجویان دختر، ناگزیر از مصافحه (دست دادن) هستیم؛ و گرنه حمل بر سوء ادب دانشجویان مسلمان می شود، تکلیف چیست؟ لازم است به آن ها تفهیم کنید که عدم مصافحه با زن نامحرم، ناشی از سوء ادب نیست؛ بلکه معلول عقیده ی اسلامی و تعهد به احکام آن است. آیات عظام: امام، اراکی، بهجت، سیستانی، فاضل، گلپایگانی و مکارم: با استفاده از مدارک مسئله ی قبل. راه رفتن با نامحرم چه حکمی دارد؟ اگر به قصد لذت و ریبه باشد جایز نیست. آیات عظام: امام، اراکی، گلپایگانی، استفتاء. در برخی از محافل زن ها و مردها یک جا نشسته و به صحبت می پردازند و موازین شرعی نیز رعایت می شود آیا اشکال دارد؟ اختلاط زن و مرد نامحرم مکروه است، مگر آن که پیرمرد یا پیرزن باشند. آیات عظام: امام، فاضل، گلپایگانی و مکارم: عروه، نکاح، مسئله ی ۴۹. توجه: این مکروه بودن در صورتی است که حضور به صورت مختلط، منجر به حرام نشود، در غیر این صورت اختلاط حرام است. به طور مثال، اگر در مجلسی زنان حجاب کامل نداشته باشند و یا زینت کرده باشند و یا تماس های حرام بین زن و مرد واقع شود، اختلاط حرام خواهد بود. اگر زن و مرد نامحرم تنها در مکان خلوتی مشغول صحبت باشند حرام است؟ اگر مرد و زن نامحرم در محل خلوتی باشند که کسی آن جا نباشد و دیگری هم نتواند وارد شود، چنانچه بترسند که به حرام بیفتند، باید از آن جا بیرون بروند مانند آنها در آن مکان حرام است. آیات عظام: امام، توضیح المسائل، مسئله ی ۲۴۴۵. تبریزی: توضیح المسائل، مسئله ی ۲۴۵۴. فاضل: توضیح المسائل، مسئله ی ۲۵۱۱۱. خامنه ای: استفتائات با استفاده از ج ۱، ص ۱۰۹۵، ص ۳۴۲. اراکی، سیستانی، گلپایگانی و مکارم. (۳) آیا نشستن در کنار نامحرم در تاکسی و یا وسایل نقلیه ی دیگر جایز است؟ (در صورتی که تماس بین این دو از روی لباس باشد). اگر به قصد لذت و ریبه نباشد و بر آن مفسده ای مترتب نباشد، مجرد نشستن به نحو مذکور اشکال ندارد. آیات عظام: امام، فاضل، گلپایگانی و مکارم، عروه، نکاح، با استفاده از مسئله ی ۴۷. تبریزی، سیستانی و گلپایگانی: استفتاء. اگر تماس با کسی یا چیزی برای انسان لذت بخش باشد اشکال دارد؟ هرگونه تماسی با هر یک از اعضای بدن با هر چیز و هر کسی به قصد لذت و ریبه حرام است (به استثنای همسر). آیات عظام: امام، اراکی و گلپایگانی: استفتاء. فاضل: استفتاء. آیه الله تبریزی: اگر چیزی را از روی شهوت لمس کند ولی انزال صورت نگیرد، حرمتی ندارد و اگر انزال صورت بگیرد استمنا حساب می شود و استمنا نیز حرام است. و اگر انسانی را با شهوت لمس کند، چه مرد چه زن، چه بالغ چه غیر بالغ، حرام است و لو انزال صورت نگیرد. البته به استثنای همسر. برخی از افراد به قصد جلب توجه دیگران به خودنمایی می پردازند، آیا این کارشان حرام است؟ خودنمایی کردن به منظور به گناه انداختن دیگری حرام است. چه در پوشیدن لباس باشد و چه در حرف زدن و نگاه کردن و یا اعمال و رفتار دیگر. آیات عظام: امام، اراکی، بهجت، تبریزی، فاضل و گلپایگانی: استفتاء.

----- احکام ازدواج و نامزدی آیا ازدواج از نظر اسلام امری لازم است؟ کسی که به واسطه ی نداشتن زن به حرام می افتد، واجب است زن بگیرد. آیات عظام: امام، فاضل، گلپایگانی و مکارم: عروه نکاح، مسئله ی ۴. امام: توضیح المسائل، مسئله ی ۲۴۴۳. تبریزی: توضیح المسائل، مسئله ی ۲۴۵۲. سیستانی: توضیح المسائل، مسئله ی ۲۴۵۲. فاضل: توضیح المسائل، مسئله ی ۲۵۰۹. مکارم: توضیح المسائل، مسئله ی ۲۰۲۳. بعضی از پدران می گویند: تا تحصیلات دختر تمام نشود، نباید ازدواج نماید، آیا تأخیر در ازدواج کار خوبی است؟ مستحب است در شوهر دادن دختری که بالغه است؛ یعنی مکلف شده، عجله

کنند. آیات عظام: امام، فاضل، گلپایگانی و مکارم: عروه، نکاح، مسئله ی ۱۴. امام: توضیح المسائل، مسئله ی ۲۴۵۹. تبریزی: توضیح المسائل، مسئله ی ۲۴۶۸. فاضل: توضیح المسائل، مسئله ی ۲۵۲۵. گاهی دختر و پسر قبل از ازدواج، مدتی را برای آشنایی، به صورت نامزدی می گذارند؛ آیا این نامزدی اشکال دارد؟ اگر مراد از نامزدی این باشد که زن و مردی قصد داشته باشند با یک دیگر ازدواج بکنند ولی هیچ گونه صیغه ی محرمیتی بین آنان منعقد نشده باشد، زن و مرد به یک دیگر نامحرم هستند و هیچ گونه فرقی با دیگر نامحرم ها ندارند. آیات عظام: امام، اراکی، بهجت، تبریزی، سیستانی، فاضل، گلپایگانی و مکارم: استفتاء. در نتیجه نگاه کردن به قصد لذت به یک دیگر، دست دادن و یا هرگونه تماس بدنی، خلوت کردن در محیط در بسته (با همان شرایطی که در صفحات قبل گفته شد)، عدم رعایت حجاب و پوشش کافی در مقابل یک دیگر، مراوده کردن و اختلاط به گونه ای که معمولاً زن و شوهرها با یک دیگر دارند و خلاصه هرگونه روابطی که بین دو نامحرم حرام باشد از مواردی است که هر یک از دختر یا پسر باید از آن پرهیز کنند. آیا دختر و پسر می توانند برای محرمیت صیغه بخوانند خواندن صیغه ی موقت بین زوجین با اجازه ی ولی دختر اشکال ندارد. آیات عظام: امام، اراکی، بهجت، تبریزی، فاضل، گلپایگانی و مکارم: استفتاء. سیستانی: توضیح المسائل، مسئله ی ۲۳۸۵، و منهاج الصالحین، نکاح، با استفاده از مسائل ۶۷ و ۶۸. برای جلوگیری از شهوت چه باید کرد و در این صورت آیا استمناء جایز است یا نه؟ آیه الله گلپایگانی: روزه گرفتن و در صرف غذا افراط نکردن و ترک خوردن بعضی غذاهای مقوی، غریزه جنسی را تضعیف می کند و از شدت آن می کاهد؛ ولی استمناء، به هر نحو که باشد، حرام است و بهترین راه برای این که غریزه ی جنسی سبب آلودگی به حرام نشود، ازدواج دائم یا موقت است که ثواب بسیار هم دارد. مجمع المسائل، مسائل متفرقه، سؤال ۸۹. بنا بر فتوای همه ی مراجع عظام، استمناء یا هر عمل شهوانی دیگر حرام است (مگر با همسر شرعی). ----- (۱). مسائل این بخش از کتاب

احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، نقل گردیده که به تأیید دفاتر استفتائات مراجع نام برده رسیده است. نظرات مقام معظم رهبری به آن اضافه گردید. (سید مسعود معصومی، احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آن)، (۲). به گناه و فساد افتادن. (۳). اراکی و گلپایگانی: بودن مرد و زن نامحرم در محل خلوتی که کسی در آن جا نیست و دیگری هم نمی تواند وارد شود حرام است؛ چه به ذکر خدا مشغول باشند یا به صحبت، خواب باشند یا بیدار نمازشان هم در آن جا صحیح نیست؛ ولی اگر طوری باشد که شخص دیگری بتواند وارد شود یا بچه ای که خوب و بد را می فهمد در آن جا باشد اشکال ندارد. اراکی: توضیح المسائل، مسئله ی ۲۴۵۹. گلپایگانی: توضیح المسائل، مسئله ی ۲۴۵۴. سیستانی: ماندن مرد و زن نامحرم در محل خلوتی که کسی در آن جا نیست، در صورتی که احتمال فساد برود حرام است؛ هر چند طوری باشد که کسی دیگر بتواند وارد شود. ولی اگر احتمال فساد نرود، اشکال ندارد. توضیح المسائل، مسئله ی ۲۴۵۴. مکارم: احتیاط واجب آن است که مرد و زن نامحرم در محل خلوتی که کسی در آنجا نیست و دیگری هم نمی تواند وارد شود؛ حتی اگر در آن جا نماز بخوانند، نماز آن ها اشکال دارد. توضیح المسائل، مسئله ی ۲۰۹۵.

کتاب نامه

۱. قرآن کریم ۲. نهج البلاغه ۳. آل احمد، جلال، غریزدگی، نشر رواق، چاپ دوم، ۱۳۵۶. ۴. احمدی، سید احمد، روان شناسی نوجوانان و جوانان، اصفهان: نشر مشعل، چاپ چهارم، ۱۳۷۳. ۵. احمدی، علی اصغر، تحلیل تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران، تهران: انتشارات سازمان انجمن اولیا و مربیان، چاپ پنجم ۱۳۷۸. ۶. استادان طرح جامعه و آموزش خانواده، جوان و تشکیل خانواده، تهران: انتشارات سازمان انجمن اولیا و مربیان، چاپ هشتم، ۱۳۷۹. ۷. احمدی، علی اصغر، کندوکاو (پاسخ به پرسش های نوجوانان)، تهران: انتشارات سازمان انجمن اولیا و مربیان، چاپ پنجم، ۱۳۷۸. ۸. امین زاده، محمد، اسلام و ارضای غریزه ی جنسی،

- قم: موسسه در راه حق، چاپ اول، ۱۳۷۷. ۹. امینی، ابراهیم، آیین همسررداری، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ چهل و سوم، ۱۳۷۷.
۱۰. اینگلهارت، رونالد، تحوّل فرهنگی در جامعه ی پیش رفته ی صنعتی، ترجمه ی مریم وتر، تهران: انتشارات کویر، ۱۳۷۳. ۱۱.
- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه، چاپ سوم، ۱۳۷۴. ۱۲. جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه ی جلال و جمال، قم: نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۷۵. ۳۶. حداد عادل، غلامعلی، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران: انتشارات سروش، چاپ هفتم، ۱۳۷۶. ۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه ۲۰ جلدی، انتشارات اسلامیه. ۱۴. طوسی، خواجه نصیر الدین، شرح اشارات، ج ۳، قم: نشر البلاغه، چاپ اول، ۱۳۷۵. ۱۵. دبس موریس و هانری، پیرون، روان شناسی اختلافی، ترجمه ی محمد حسین سروری، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۸. ۱۶. دورانت، ویل، لذات فلسفه ترجمه ی عباس زریاب، تهران: نشر دانشجویی، چاپ هشتم، ۱۳۷۳. ۱۷. راسل، برتراند، جهانی که می شناسم، ترجمه ی روح الله عباسی، تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی، ۱۳۵۷. ۱۸. روشندل، جلیل، و قلی پور، رافیک، سیمای زن در جهان، ایالات متحده، تهران: نشر زیتون، چاپ اول، ۱۳۷۷. ۱۹. سهراب پور، همت، جوانان در طوفان غرایز، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۹. ۲۰. شریعتی، علی، مجموعه آثار، ج ۲۱، زن، انتشارات چاپخش، چاپ نهم، ۱۳۷۶. ۲۱. شعاری نژاد، علی اکبر، روان شناسی رشد، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ دهم، ۱۳۷۳. ۲۲. شفیع سروستانی، ابراهیم، جریان شناسی دفاع از حقوق زنان، قم: موسسه فرهنگی طه، چاپ اول، ۱۳۷۹. ۲۳. صفری، فاطمه، الگوی اجتماعی زن مسلمان در جامعه ی اسلامی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.
۲۴. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ۲۰ ج، قم: دار الکتب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۳ هـ ۲۵. طبرسی، تفسیر مجمع البیان، بیروت: چاپ اعلمی. ۲۶. فلسفی، محمد تقی، گفتار فلسفی، جوان، ج ۱ و ۲، چاپ ۱۵، نشر معارف، سال ۱۳۴۴. ۲۷. فیاضی، سجاد، همگام با سروش عشق، قم: نشر الهادی، چاپ اول، ۱۳۷۷. ۲۸. قائمی، علی، شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان، تهران: انتشارات امیری، چاپ پنجم، ۱۳۷۰. ۲۹. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۱ و ۲، بیروت: مؤسسه الوفاء. ۳۰. مترلینگ، موریس، عقل و سرنوشت، ترجمه ی موسی فرهنگ، تهران: مطبوعاتی فرخی، چاپ سوم. ۳۱. محدثی، جواد، نگاه تا گناه، تهران: نشر نهال، چاپ اول، ۱۳۷۶. ۳۲. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی. ۳۳. محمودی، عباسعلی، زن در اسلام، تهران: موسسه تحقیقاتی فیض کاشانی، چاپ چهارم، ۱۳۶۸. ۳۴. مطهری، مرتضی، اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام و جهان غرب، قم: انتشارات صدرا. ۳۵. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات الزهراء، چاپ دهم، ۱۳۶۶. ۳۶. مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه ی علی (علیه السلام)، قم: انتشارات صدرا. ۳۷. مطهری، مرتضی، حق و باطل، قم: صدرا، چاپ چهارم، ۱۳۶۴. ۳۸. مطهری، مرتضی، مسئله ی حجاب، قم: صدرا، چاپ چهل و دوم، ۱۳۷۴. ۳۹. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، قم: صدرا، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۷۷. ۴۰. مظاهری، حسین، اخلاق و جوانان، ج ۲، قم: انتشارات شفق، چاپ دوم، ۱۳۷۹. ۴۱. مظاهری، علی اکبر، جوانان و انتخاب همسر، قم: چاپ انتشارات پارسایان. ۴۲. مکارم شیرازی، ناصر، مشکلات جنسی جوانان، قم: انتشارات نسل جوان. ۴۳. مکنونی، ثریا و صنایع پور، مریم، بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۴. ۴۴. موریش، ایور، درآمدی بر جامعه شناسی تعلیم و تربیت، ترجمه ی غلامعلی سرمد، تهران: نشر دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳. ۴۵. موکی یلی، روزبه، عقده های روانی، ترجمه ی شجاع رضوانی، آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۴. ۴۶. نوابی نژاد، شکوه، مشاوره ی ازدواج و خانواده درمانی، سازمان انجمن اولیا و مربیان، چاپ سوم. ۴۷. هاشمی کاوندی، سید مجتبی، مقدمه ای بر روان شناسی زن از دیدگاه... قم: انتشارات شفق، چاپ اول، ۱۳۷۰. ۴۸. هورنای، کارن، عصبانی های عصر ما، ترجمه ی ابراهیم خواجه نوری، تبریز: کتاب فروشی امید، ۱۳۴۷. ۴۹. هیئت تحریریه ی در راه حق، جوانان و ازدواج، انتشارات در راه حق، چاپ اول، ۱۳۷۷. روزنامه ها و مجلات ۵۰. آبان (هفته نامه)، ش ۱۱۲. ۵۱. اطلاعات (روزنامه)، ۲۹ / ۷ / ۴۸ / ۵۲. ایران جوان (هفته نامه)، ش ۸۰، ۱۳۴، ۱۳۵ و ۱۵۶. ۵۳. ایران فردا (هفته نامه)، ش ۶۶. ۵۴. پیام هامون (هفته نامه)، ش ۵۳.

۵۵. جمهوری اسلامی (روزنامه)، ۱۳ / ۴ / ۶۴. ۵۶. حیات نو (روزنامه)، ۱۸ / ۶ / ۸۰. ۵۷. دیدگاه (هفته نامه)، پیش شماره ی آبان ۷۱.
۵۸. صبح (ماه نامه)، ۱۶ / ۴ / ۷۴. ۵۹. فقه اهل بیت (فصل نامه)، ش ۲۳ سال ۷۹. ۶۰. کیان (ماه نامه)، ۱۱ / ۷۷. ۶۱. کیهان (روزنامه)، ۱۰ / ۵ / ۸۰. ۶۲. معرفت (فصل نامه)، ش ۳۲. ۶۳. نوروز (روزنامه)، ۱ / ۵ / ۸۰ و ۷ / ۶ / ۸۰.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲

(۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵ نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبی: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در گرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امیاً تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

